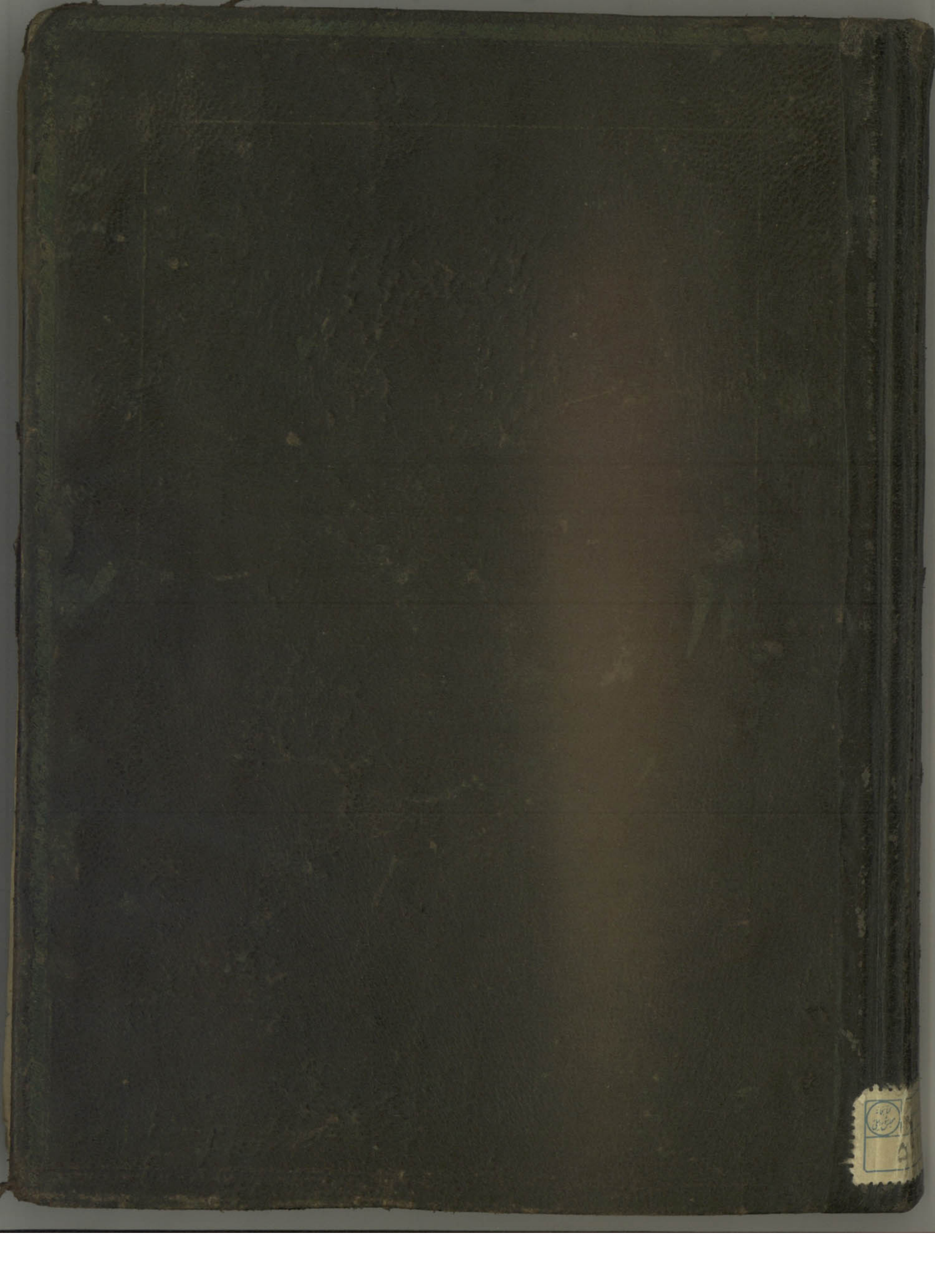




بازرسی شد
۳۶ - ۲۷
صحیفه شاهی
بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب صحیفه شاهی
مؤلف حسین بن علی الکاشفی
موضوع
شماره قفسه ۵۹۱۲
شماره ثبت کتاب
۶۱۴۱۷
۸۰۹۷
۵۹۱۲



بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر

ای بنامت صحیفهٔ شاهی شده مشهور ماه تا ماهی
نقش نام تو زیب خامهٔ من نامور از تو گشت نامهٔ من

عنوان نامهٔ فصاحت بنام خجسته فرجام مالک الملکیست که بمنطوق تؤتی الملک من تشاء صحیفهٔ شاهی
و دارایی بقلم کرامت رقم حتی دیوان قدرتش مرقوم و مزبور است و بفحوای والله یؤتی ملکه
من یشاء رسالهٔ سلطنت و فرمان روایی بخامهٔ لطافت شمامهٔ دبیر دفترخانهٔ حکمتش محرر و مسطور
شعر هر نامه که افضل الکلامست :: از زیور نام او تمامست :: عنوان صحیفه ایست نام حق
سرنامهٔ نامها کلامش و دیباچهٔ دفتر بلاغت صفات معالی سمات رفیع القدر ذاتیست که منشور لامع
النور و افصح الجمهور اعجازش بطغرای غرای فأتوا بعشر سور موشح است و مثال بی مثال رسالت
ختمیت طرازش بتوقیع رفیع ن و القلم و ما یسطرون مزین و مرشح شعر منشی آرایش لوح و قلم
دیوان عطا و کرم :: منطق او نطق معانی شده :: آیت ... بر آن از انا افصح زده :: محمد سید
الکونین و الثقلین و الفریقین من عرب و من عجم صلی الله علیه و آله سلاطین فصحاء العرب
و اصحابه امراء دیوان الادب و سلم تسلیما و کرم تکریما اما بعد چون توفیق حضرت متمم الامور رسایل
جلایل فخیمه من الجمهور کتاب مخزن الانشاء در قسم محاورات باتمام رسید و جواهر زواهرش بر طبق نیاز
معروض ملازمان درگاه عالمپناه حضرت خلافت رتبت سلطان سلاطین الآفاق وارث سریر السلطنة
بالارث و الاستحقاق فریدون فر دارا گیر اسکندر شکوه کیخسرو سریر صاحب قران دوران مظهر

خدایا از رحمه فاهر کرم

انوار امن و امان :: شهریار جهان ابو الغازی :: ظل حق آفتاب ملک آرای :: شاه سلطان حسین که عدلش
اندر آسایش اند خلق خدای خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی البرایا عدله و احسانه گشت ثانیا اشارت
ملهم غیب از بشارت خانهٔ لاریب بفقیر حقیر حسین بن علی الکاشفی اسعده الله باللطف
الخفی رسید که جوهری چند پاکیزه و دلپسند از آن مخزن ارجمند برشتهٔ تالیف در سلک ترتیب
ترصیف کشیده بمعرض عرض خدام لازم الاحترام شاهزادهٔ عالمیان زیور بسیط زمین و
زینت صحیفهٔ زمان گوهر درج جهانبانی اختر برج صاحب قرانی ناصب اعلام کامرانی
رافع بنیان گیتی ستانی شعر شهی که روی زمین از برای دانش داد :: نسیم عاطفتش ساخت چون
بهشت برین :: معین دولت و دارای دین ابو المحسن که هست تابع احکام او زمان زمین خلدت ظلال دولته و ابدت
آثار عظمته و سطوته در آرد که ذهن وقادش صرافان بازار سخنوری را محکیست قابل و طبع نقادش جوهریان
عرصهٔ هنرپروری میزانیست کامل شعر ای طبع سخن سنج تو میزان سخن :: پیوسته دل تو تازه از جان سخن
حقا که نثار بارگاه تو سزد :: هر جا گهری برآید از کان سخن :: بنابرین معنی خلاصهٔ نقود و مخزن
و نقاوهٔ نفایس از ادرج این رساله درج کرد و از ابیات عربی و فارسی و فقرات خطابی و جوابی آنچه
احسن و اشهر بود ایراد نمود و احوالی را که ثبت آن در مکاتیب از جمله ضروریاتست بحیز تحریر در آورد شاید
منظر حضرت سلطنت پناهی موزون گشته سبب سرافرازی این شکسته شود این رساله که صحیفهٔ شاهی مسمی شده
بر سه دستور اصل مشتمل است بر عنوانی و سه صحیفه و خاتمه و ختم این ورق بدعای دولت آنحضرت انسب نمود
و الی و لله الحمد فی الآخرة و الاولی نظم جم دارا حشم اسکندر نوشیروان سیرت ::
که خاک آستانش افسر چرخ برین شاید :: معین سلطنت سلطان ابو المحسن شهنشاهی :: که روز بزم خرج اخراج ...
و چین شاید :: عنان عزم گاه رزم چون تابد سوی میدان :: در آندم توسن تند سپهرش زیر زین شاید :: بدستان جوهری از مخزن انشای ...
برون آمد که لون آفتابش در نگین شاید :: بجز فکر خوردم غوطها تا گوهری یابم :: که از بهر نثار داور روی زمین شاید

برون آورده‌ام از مخزن سینه دُرهای خوشنود ٭ زبهر آنچنان شاهی نثار اینچنین شاید ٭ باخلاص ان دعا بهر دوام دولتش گویم
که آمین گردنش از حضرت روح الامین شاید ٭ خداوندا بذاتش ساز نازان ملک عالم را ٭ که عالم را بدینسان پادشاه نازنین شاید

عنوان در بیان انچه کاتب را ضرورت وقت تصدی کتابت رسل باید که از وقوف بر علوم عربیه وادبیه عاری نباشد
تا ترتیب تزیین کلامش منتظم وترصیع سخنش بجزالت متصف ومنتسب بود و اشعار عربی وفارسی مطالعه نماید
وابیات لایق جهت ایراد در امور معینه حفظ فرماید و در احوال واخبار هر فرقه واقف وبمراتب
طبقات هر فرقه عارف باشد تا بحکم **نزّل الناس منازلهم** از عهده توقیف هر کس مناسب حال وی بیرون
تواند آمد ومحل ایجاز وموقع اطناب را بشناسد تا سخن بر مقتضای حال مؤدی گردد وبا غیر بلغا وفصحا
فصاحت وبلاغت نورزد وبا فضلا وادبا بعبارات والفاظ غیر فصیحه مخاطبه ومکاتبه ننماید تا طریق
کلّم الناس علی قدر عقولهم رعایت نموده باشد وبباید دانست که مکتوب خطابی باشد باجواب ومدار خطابیه
بر دوازده رکن است ۱ افتتاح (ابتدا) ۲ صفات مکتوب الیه ۳ القاب وی ۴ ادعیه بنسبت وی ۵ ذکر
کاتب ۶ عرض تحیات ۷ اظهار اخلاص ۸ شرح شوق ۹ ذکر زمان کتابت ۱۰ ذکر مکان کتابت
۱۱ اختتام ۱۲ عنوان وجوابیات رکن دارد ودر محلش تفصیل خواهد یافت **صحیفه اولی** در خطابیات
وان مشتمل بر دوازده سطر است **سطر اول** در افتتاح وان دو نوع است اول تیمن بنام فرخنده انجام حضرت
ملک علام غرامه فرمودن واغاز کتابت بیکی از اسماء الهی نمودن ودران رعایت براعت استهلال لازم است
یعنی اسمی ایراد کند که مناسب مضمون مکتوب باشد مثلا در مکتوب مشتمل بر فتح هو الفتاح نویسند ودر عیادت
هو الباقی ودر طلب عفو هو العفو وعلی هذا یا ملاحظه نام مکتوب الیه نمایند چون هو المحسن وهو العزیز بنسبت ارباب
این اسما هو الناصر هو المعز ملاحظه اصحاب این القاب یا مراتب وصفات مکتوب الیهم ملحوظ دارند چون هو
الملک هو الحاکم هو الآمر نسبت با ملوک وامرا وحکام وهو الحلیم هو الحفیظ هو الحکیم جهت علما وحفاظ
وحکما وامثال این تصرفات تعلق بذهن منشی دارد **واما نوع دوم** از افتتاحیات عربیه وسیع

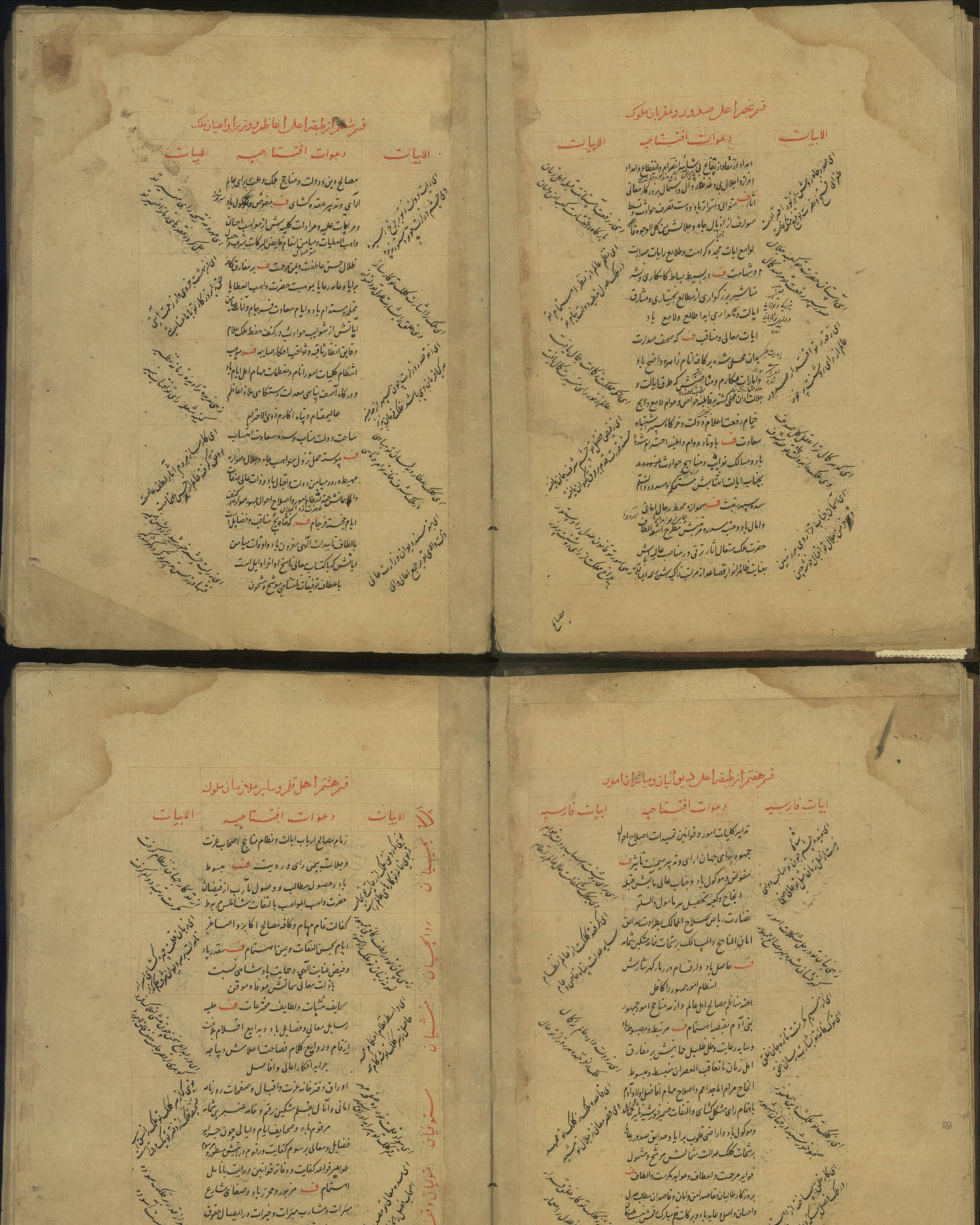
وسامعی منیع دارند وهر طایفه بمقتضای طبع خود بحکم **کلّ حزب بما لدیهم فرحون** طریقه اختیار نموده اند
وباسلوبی دیگر میل فرموده وقبل از شروع دران نموده میشود که هیچ مکتوب الیه خالی ازان نیست که از مرتبه
کاتب برتر است یا فروتر یا مساوی مکاتیب قسم اول را مرافعات خوانند واینجا بطبقات مذکور خواهد شد
ودر پایان قسم اخیر را مراسلات گویند واینجا باخوانیات رقم دگر خواهد یافت واصحاب قسم دوم
مخصوص انه برقاع وطبقات بر سه قسم است اعلی واهل ان طبقه ارباب حکم وفرمان باشند چون سلاطین و
امرا وصدور وحکام ووزرا وسایر ارکان دولت واین طبقه بهشت قسم انقسام یافته دوم اشرف واهل آن
طبقه اشراف الناس باشند چون سادات وقضاة وعلما ومشایخ وفضلا وامثال ایشان واین طبقه بهفت
عدد منقسم شده سیوم اوسط واهل ان اعیان ولایات باشند چون روسای قبایل ومعارف شهر وتجار ودهاقین وامثال
ایشان واین طبقه بر چهار قسم قرار یافته وافتتاح هریک از طبقات واخوانیات بر انواع است اما
طبقات را سه نوع افتتاح سطر رسیده مشهور ومقبول واسهل واخوانیات را بخصوصها افتتاحات
دیگر است پس این سطر مبتنی بر دو کلمه باشد اول در افتتاح طبقات دوم در افتتاح اخوانیات **کلمه اولی**
از سطر اول در افتتاحات مکاتیب اصحاب طبقات وان سه نوع است وبرای تبیین هریک حرفی آورده
می‌شود **حرف اول** از کلمه اول در بیان افتتاح مشهور وشرح ان چنان است که دعای منثور بفارسی مناسب
منصب مکتوب الیه نوشته شود واگر مقدم بران بیتی عربی یا فارسی که بزیور نسبت آراسته باشد
رقم ثبت یابد هر آینه سخن را زیب دیگر افزاید چه جراید نثر را بفراید نظم زینت تمام حاصل است کاقیل
افزون شود را بجوهر نظم ٭ پیشک آرایش دگر باشد ٭ نثر چون زر بود زروی جمال ٭ نظم در حسن چون گهر
باشد ٭ گوهر زر جدا جدا خوبند ٭ چون شود جمع خوبتر باشد ٭ ودرین اوراق بجهة هریک از اقسام طبقات
جند بحدول مقرر شده ودر هر خانه یکی از دعوات افتتاحی مکتوب است وانچه بر دعا تقدیم باید کرد از ابیات نیز رقم ثبت یافته وانجا
کرا ایراد صفات ماده نمود حرف که کنایه از لفظ فلان باشد مذکور است وصفات در سطر دوم ازین صحیفه خواهد آمد ومن الله الاعانة

قسم اول از طبقه اعلی ملوک وسلاطین

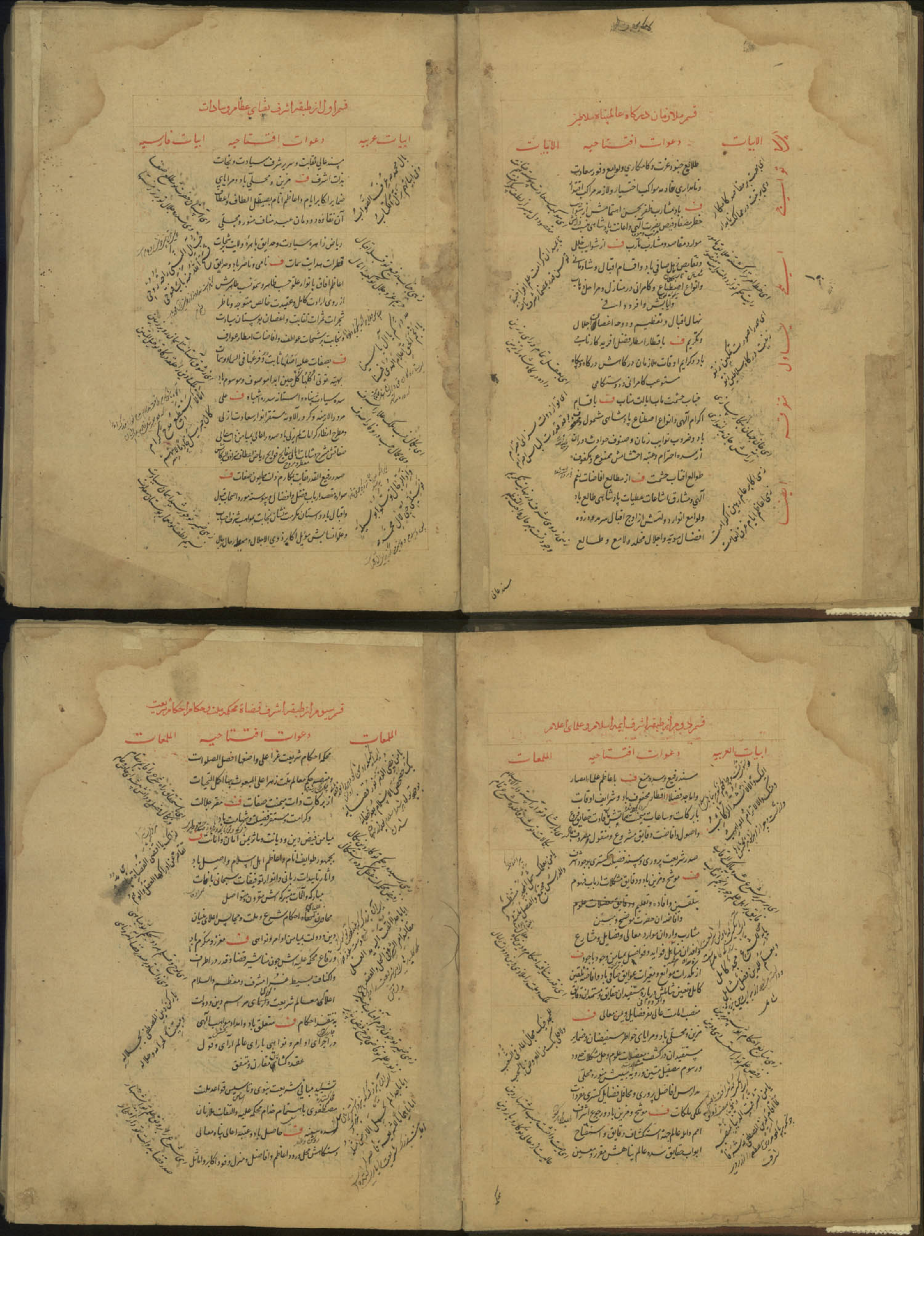
ابیات فارسیه	دعوات افتتاحیه	ابیات عربیه
	آفتاب عالمتاب دولت قاهره وماه جهان افروز سلطنت باهره ف از مشارق اقبال ومطالع جلال شارق وطالع باد وسهیل خلافت وایالت از یمن ابهت وجلالت ساطع ولامع	
	ظلال فر سلطنت همایون ویمن معدلت روز افزون ف بر مفارق اعاظم عالم واکارم اولاد آدم مخلد وپاینده باد وآفتاب عظمت واجلال از افق دولت بی زوال بعنایات حضرت ذی الجلال ابدا تابنده	
	دوحه روضه کشورگشایی واغصان بوستان فرمانروایی برشحات سحاب معدلت آرای ف تازه ونامی باد وحضرت مالک الملک بحمایت عنایت از طرف حوادث زمان وحدوث طوارق حارس وحامی	
	درجات عالیات دولت همایون وشرفات عزت وسعادات روزافزون ف بانوار طوالع لوامع خلافت وشاهنشاهی وآثار سواطع سلطنت ودین پناهی ابدا لدهر مزین ومنور باد	
	امداد فتوحات غیبی وامداد فیوضات لاریبی بایام دولت افزون ف متصل باد وعوارض آفات وطوارق مخافات از ساحت صافات درگاه جلال وحافات مخیم اقبالش منقطع ومنفصل	

قسم چهارم از طبقه اعلی امرا وارکان دولت

الابیات	دعوات افتتاحیه	الابیات
	سده سنیه مملکت پناهی ف بامداد توفیقات الهی واعداد تاییدات پادشاهی ابدا مزین باد ومناشیر مناقب ومفاخر واجرار نواهی واوامر بنام نامی او مقدور ومعین	
	جناب اعلی وسده والای ف مقصد اعاظم مشارق ومغارب باد وعتبه دولت پناهش کعبه حاجات وقبله مرادات اباعد واقارب	
	قواعد ایالت وجهانبانی ومبانی خلافت وکامرانی بمیامن معدلت ف ممهد ومضبوط باد وعنان نوال عاطفت بیکران ومرحمت بی پایانش بر مفارق اماجد واعالی ممتد ومبسوط	
	توجه وفود سعادت آسمانی وورود قوافل بشارات جاودانی بسده رفیع وعتبه منیع ف مادام الایام متعاقب ومتوالی باد وافاضات عنایات فیاض علی الاطلاق بروزگار ایالت شعار معدلت آثارش علی التعاقب والتوالی	
	اعلی جناب امارت مآب ف قبله اقبال مقبلان علی وکعبه آمال اعاظم اولاد آدم باد وسده علیه مملکت پناهش بمیامن دولت بی زوال وماثر ابهت بی انتقال مفخر ومکرم	



قسم پنجم اهل صدور و مقربان ملوک
الابیات
دعوات افتتاحیه
الابیات
قسم ششم از طبقه اعلی اعاظم وزرا و اعیان ملک
الابیات
دعوات افتتاحیه
الابیات
قسم هفتم از طبقه اعلی دیوانیان و مباشران امور
ابیات فارسیه
دعوات افتتاحیه
ابیات فارسیه
قسم هشتم اهل قلم و سایر ملازمان ملوک
الابیات
دعوات افتتاحیه
الابیات



قسم ملازمان درگاه عالمپناه سلاطین

الابیات — دعوات افتتاحیه — الابیات

طلایع جنود عزت وکامکاری ولوامع دفور سعادت
ونامداری بخادمه مواکب اختیار ولازمه مراکب اقتدار
ف باد مشارب ظفر بجمن اهتمامش از شوایب
خطر مصفا وفیض بنصرت الهی واعانت پادشاهی منسب ذاتش
موارد مقاصد ومشارب مآرب ف از شوایب خلل
ونقایص زایل صافی باد واقسام اقبال وشادمانی
وانواع اصطناع وکامرانی در منازل ومراحل مآب
وآیابش وافر و وافی

نهال اقبال وتعظیم ودوحه اغصان اجلال
وتکریم ف بامطار فضل آفرید کار نابت
باد وکرایم اوقات ملازمان درگاهش درگاه
ستوعب کامرانی دوستکامی

جناب حشمت مآب ایالت مناب ف باقسام
اکرام الهی وانواع اصطناع پادشاهی مشمول ومحفوف
باد وضروب نوایب زمان وصنوف حوادث دوران
از سده احترام وعتبه احتشامش ممنوع ومکفوف

طوالع افتاب حشمت ف از مطالع افاضات نعم
الهی ومشارق اشاعات عطیات پادشاهی طالع باد
ولوامع انوار دولتش از اوج اقبال سرمد وذروه
افضال سرمدیه واجلال مخلد ولامع وطالع

قسم اول از طبقه اشرف نقبای عظام وسادات

ابیات عربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

مسند عالی نقابت وسریر شرف سیادت ونجابت
بذات اشرف ف مزین ومحلی باد ومرایای
ضمایر اکابر ایام واعاظم انام بصیقل الطاف وعطاء
آن نقاوه دودمان عبد مناف منور ومجلی

ریاض زاهره سیادت وحدایق باهره ولایت ونجابت
قطرات هدایت سمات ف نامی وناضر باد وحدایق
اعاظم آفاق بانوار علو حسب طاهر وسمو نسب طاهرش
از روی ارادت کامل وعقیدت خالص متوجه وناظر
شجرات ثمرات نقابت واغصان بوستان سیادت
ونجابت برشحات عواطف وافاضات امطار عوارف
ف بصفات علیه اصلها ثابت وفرعها فی السماء وسمات
بهیه توتی اکلها کل حین ابدا موصوف وموسوم باد

سده سیادت پناه واستانه سدره اشتباه ف علی
مرور الازمنه وکرور الاوان مستقر انوار سعادت ازلی
ومطرح انظار کرامت لم یزلی باد وصدور اعالی بمیامن اعالی
صفاتش منشرح ومشامات اهالی بنتایج فوایح ریاض اعطافش
معطر ومروح

صدور رفیع القدر نقابت بمکارم ذات همایون صفات ف
موارد مقصد ارباب فضل وافضال وپیوسته مورد اسحاب قبول
واقبال باد واستان مکرمت نشان نجابت بمواهب شرف احساب
وعلو انسابش موئل اکابر ذوی الاجلال ومحط رحال رجال

قسم دوم از طبقه اشرف ایمه اسلام وعلمای اعلام

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — الملمعات

مسند رفیع وسده منیع ف باعاظم علمای امصار
واماجد فضلای اقطار محفوف باد وشرایف اوقات
بارکات وساعات میمنت سماتش با فادت حقایق فروع
واصول وافاضت دقایق مشروع ومنقول مصروف باد

صدر شریعت پروری ومسند فضیلت گستری بوجود اشرف
ف موشح ومزین باد ودقایق مشکلات ارباب فهوم
بتلقین وافاده وتعلیم ~~ودقایق معضلات علوم~~
وافاضه آن حضرت موضح ومبین

مشارب واردان موارد معالی وفضایل وشارع
وافدان مناهل فواید وفواضل بمیامن وجود باجود ف
از مکدرات موانع ومغیرات عوایق صافی باد وافاضه تلقین
کامل وتعیین شاملش درباره مستفیدان حقایق ومستمدان دقایق
وافر ووافی

منصب امامت عالی بعز فضایل ویمن معالی ف
مزین ومحلی باد ومرایای خواطر مستفیضان وضمایر
مستفیدان در کشف معضلات علوم وحل مشکلات صعب دود
ورسوم بصیقل متین ورویه مبینش منور ومحلی

مدارس افاضل پروری ومحافل فضایل گستری بوجود ذات
ملکی ملکات ف موشح ومزین باد ورجوع اشراف
امم واولو عالم جهت استکشاف دقایق واستفتاح
ابواب حقایق بسده عالم پناهش مقرر ومعین

قسم سوم از طبقه اشرف قضاة محکمه ملت وحکام احکام شریعت

الملمعات — دعوات افتتاحیه — الملمعات

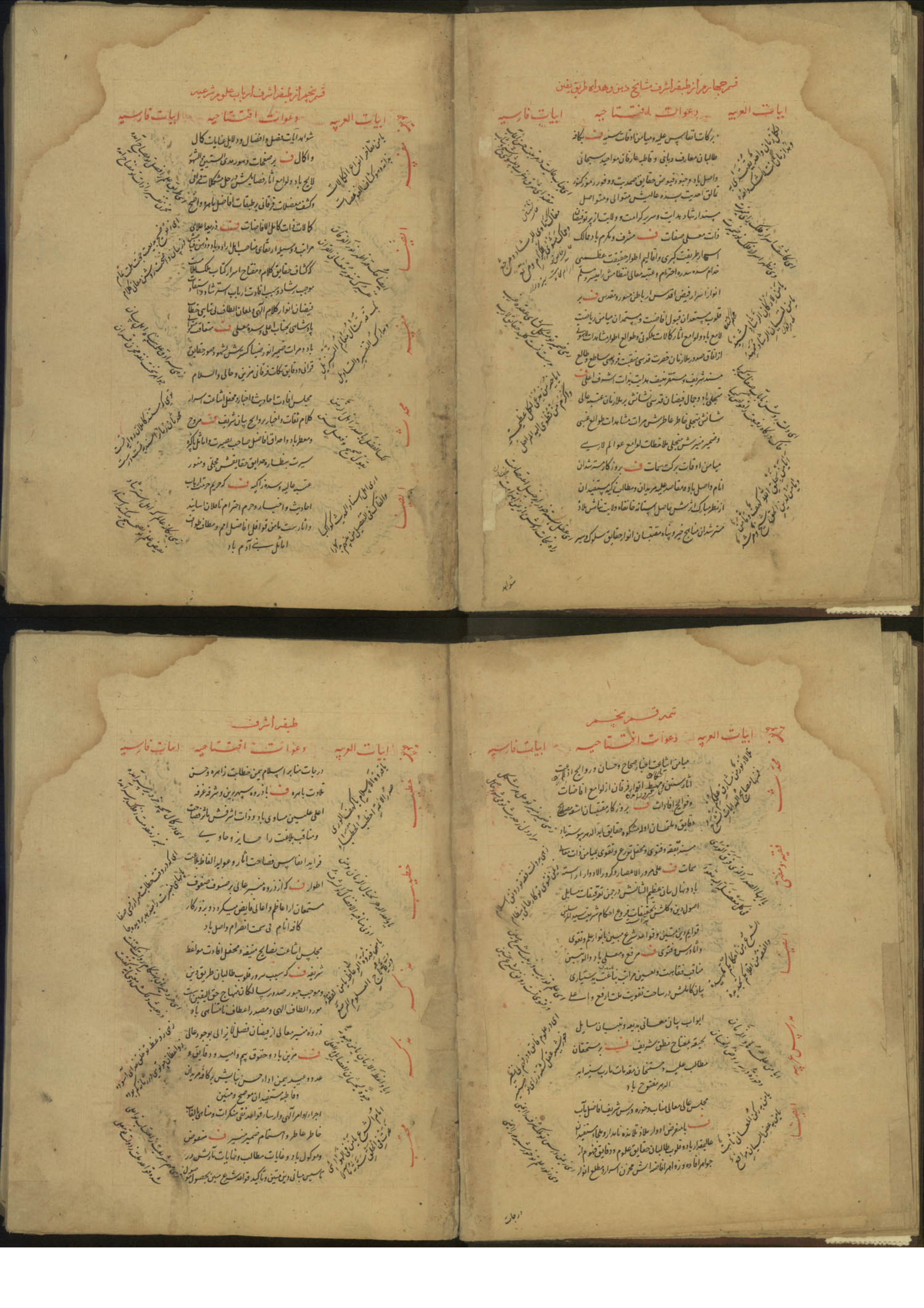
محکمه احکام شریعت غرا علی واضعها افضل الصلوات
ومنصب حکم معالم ملت زهرا علی المبعوث بها اکمل التحیات
از برکات ذات میمنت صفات ف مقر جلالت
وکرامت ومستقر فضیلت وشهامت باد

میامن فیض دین ودیانت ومآثر یمن امان وامانت ف
بجمهور طوایف انام واعاظم اهل اسلام واصل باد
وآثار تاییدات ربانی وانوار توفیقات سبحانی باوقات
مبارکه والحان متبرکه اش مقرون ومتواصل

محاور تنفیذ احکام شرع وملت ومجالس اعلای بنیان
دین ودولت بمیامن اوامر ونواهی ف معزز ومکرم باد
ورقاع محکمه علیه اش چون مناشیر قضا وقدر در اطراف
واکناف بسیط غبرا اشرف ومعظم والسلام

اعلای معالم شریعت وارتفاع مراسم دین ودولت
بنفاذ احکام ف متعلق باد وامداد مواهب الهی
دراجرای اوامر ونواهی بارای عالم آرای وقول
عقده گشای مقارن ومتفق

تشیید مبانی شریعت نبوی وتاسیس قواعد ملت
مصطفوی باهتمام خدام محکمه علیه والتفات ملازمان
سده سنیه ف حاصل باد وعتبه اعالی پناه معالی
دستگاهش محل ورود اعاظم وافاضل ومنزل وفود اکابر واماثل



قسم چهارم از طبقهٔ اشرف مشایخ دین و هداة طریق یقین

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

برکات انفاس علیه و میامن اوقات سنیه ف بکافهٔ طالبان معارف ربانی و قاطبهٔ عارفان مواجید سبحانی واصل باد و جنود فیوض حقایق صمدیت و وفور رموز کنوز عالق احدیت بسدهٔ عالیش متوالی و متواصل

مسند ارشاد هدایت و سریر کرامت و ولایت از پرتو توفیقات ذات معلی صفات ف مشرف و مکرم باد و ممالک اسرار طریقت کبری و اقالیم اطوار حقیقت عظمی خدام سدهٔ سدرهٔ احترام و عتبهٔ معالی انتظامش را مسخر و مسلم

انوار اسرار فیض اقدس از باطن منور و مقدس ف بر قلوب مستعدان قبول افاضت و مستمدان میامن ریاضت لامع باد و لوامع آثار کمالات ملکوتی و طوالع اطوار مشاهدات لاهوتی از آفاق صدور ملازمان حضرت قدسی منقبت فردوسی ساطع و طالع

مسند شریف و مستقر منیف هدایت بذات اشرف اعلی ف متجلی باد و جمال فیضان قدسی نشانش بر ملازمان عتبهٔ عالی شانش متجلی خاطر عاطرش مرآت مشاهدات طوالع غیبی و ضمیر منیرش منجلی ملاحظات لوامع عوالم لاریبی

میامن اوقات برکت سمات ف بروزگار مسترشدان انام واصل باد و مقاصد علیهٔ مریدان و مطالب زکیهٔ مستفیدان از نظر مبارک اثرش حاصل آستانهٔ خانقاه ولایت بنیانش ملاذ مسترشدان مناهج خیر و پناه مقتبسان انوار حقایق سلوک و سیر

قسم پنجم از طبقهٔ اشرف ارباب علوم شرعیه

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

شواهد آیات فضل و افضال و دلایل عنایات کمال و اکمال ف بر صفحات دهور مدی السنین و الشهور لایح باد و لوامع آثار فضایلش در حل مشکلات قرآنی و کشف معضلات فرقانی بر طبقات افاضل باهر و واضح

کمالات ذات کامل الافاضات ف ذریعهٔ اعلای مراتب و وسیلهٔ ارتقای مناصب اهل ارادت باد و ذهن ثاقبش کشاف حقایق کلام و مفتاح اسرار کتاب ملک علام موجب رشاد و سبب افادت ارباب استرشاد و استعداد

فیضان انوار کلام الهی و لمعان الطاف لا متناهی خطاب پادشاهی بجناب اعلی و سدهٔ معلی ف متعاقب و متواتر باد و مرآت ضمیر انور ضیاگسترش مشهود صور حقایق قرآنی و دقایق نکات فرقانی مزین و حالی والسلام

مجلس افادت احادیث اخبار و محفل اشاعت اسرار کلام ثقات و اخبار روایح بیان شریف ف مروح و معطر باد و احداق افاضل صاحب بصیرت و اماثل پاکیزه سیرت بنظارهٔ حدایق حقایقش مجلی و منور

عتبهٔ عالیه و سدهٔ زاکیه ف که حریم حرمت ارباب احادیث و اخبار و حرم احترام ناقلان اسانید و آثار است مامن قوافل افاضل امم و مطاف طوایف اماثل بنی آدم باد

تتمهٔ قسم پنجم

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

میامن اشاعت اخبار صحاح و حسان و روایح ازاهر آثار سنن و مهبط انوار فرقان از لوامع افاضات و فوایح افادات ف بروزگار مقتبسان اشعهٔ دقایق و ملتمسان ادلهٔ مشکوة حقایق ابد الدهر پیوسته باد

مسند تفقه و فتوی و محفل تورع و تقوی بمیامن ذات معالی سمات ف علی مرور الاعصار و کرور الادوار آراسته باد و نهال بیان عظیم الشانش در چمن توقیعات مسایل اصول دین و گلشن تحقیقات فروع احکام شریعت سید المرسلین

قوایم دین متین و قواعد شرع مبین بانوار علم و تقوی و آثار درس و فتوی ف مرفع و معلی باد و التزمین مناقب فقاهت و تعیین مراتب نباغت ید بیضای بیان کاملش در ساحت تقویت ملت ارفع و اعلی

ابواب بیان معانی بدیعه و تبیان مسایل لطیفه بمفتاح نطق شریف ف بر مستفتحان مطالب علیه و مستنجحان مقدمات مآرب سنیه ابد الدهر مفتوح باد

مجلس عالی معالی مناب و حوزهٔ درس شریف افاضل مآب ف با مفروض ادوار ملاذ تلامذهٔ نامدار و ملجای مستفیدان عالیمقدار باد و قلوب طالبان حقایق علوم و دقایق فهوم از جواهر افاده و زواهر افاضه اش مخزن اسرار و مطلع انوار

طبقهٔ اشرف

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

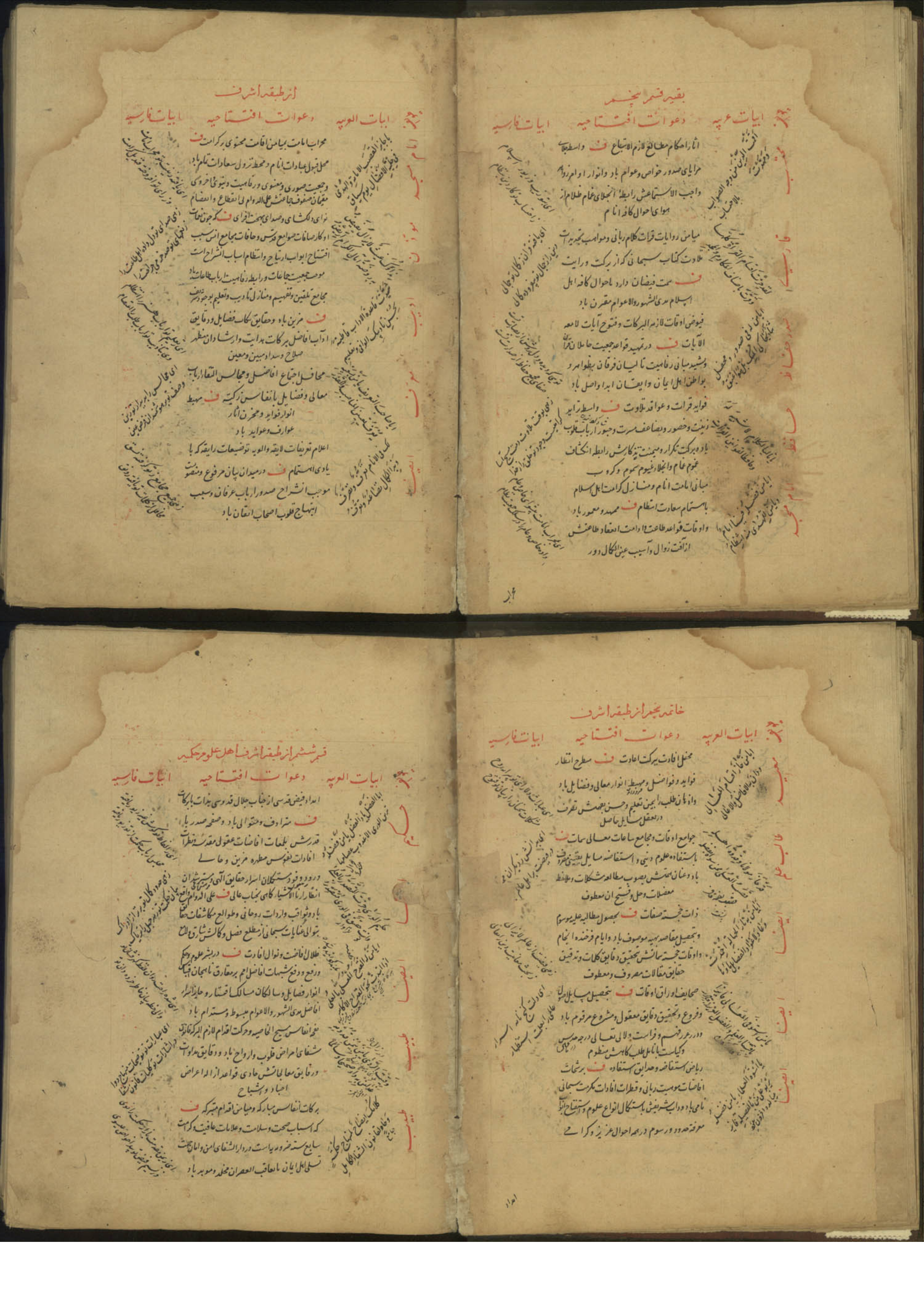
درجات منابر اسلام بیمن خطابت زاهره و حسن تلاوت باهره ف با ذروهٔ سپهر برین و شرفهٔ غرفهٔ اعلی علیین مساوی باد و ذات اشرفش با زفضاحت و مناقب بلاغت را حایز و حاوی

فراید انفاس فصاحت آثار و عواید الفاظ بلاغت اطوار ف که از ذروهٔ منبر عالی بر صنوف صفوف مستمعان از اعاظم و اعالی فایض میگردد و بروزگار کافهٔ انام فی سمت انصرام واصل باد

مجلس اشاعت نصایح منیفه و محفل افادت مواعظ شریفه ف که سبب سرور قلوب طالبان طریق دین و موجب حبور صدور سالکان منهاج حق الیقین است مورد الطاف الهی و مصدر اعطاف نامتناهی باد

ذروهٔ منبر معالی از فیضان فضل لایزالی بوجود عالی ف مزین باد و حقوق بیم و امید و دقایق وعد و وعید بیمن ادای حسن بیانش بر کافهٔ مریدان و قاطبهٔ مستفیدان موضح و متبین

اجرای اوامر الهی و ارسای قواعد نفی منکرات و مناهی القاب خاطر عاطر و اهتمام ضمیر منیر ف منوط و موکول باد و غایات مطالب و نهایات مآربش در تاسیس مبانی دین متین و تاکید قواعد شرع مبین بحصول موصول



بقیه قسم پنجم

ابیات عربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

آثار احکام مطالع لازم الاتباع ف واسطهٔ جلای
مرایای صدور خواص وعوام باد وانوار اوامر زواجر
واجب الاستماعش رابطهٔ انجلای غمام ظلام از
هوای احوال کافه انام

میامن روایات قرات کلام ربانی ومواهب تجدیدات
تلاوت کتاب سبحانی که از برکت درایت
ف سمت فیضان دارد باحوال کافه اهل
اسلام مدی الشهور والاعوام مقرون باد

فیوض اوقات لازم البرکات وفتوح آیات لامعه
الآیات ف در تمهید قواعد جمعیت حاملان قرآن
وتشید مبانی رفاهیت تالیان فرقان بظواهر و
بواطن اهل ایمان وایقان ابدا واصل باد

فواید قرات وعواید تلاوت ف واسطهٔ تزاید
زینت وحضور وتضاعف مسرت وحبور ارباب قلوب
باد وبرکت تکرار ومیمنت تذکارش رابطهٔ انکشاف
غموم غام وانجلاء غیوم سموم وکروب

مبانی امامت انام ومنازل کرامت اهل اسلام
باستسام سعادت انتظام ف ممهد ومعمور باد
واوقات قواعد طاعت وادامت انعقاد طاعتش
از آفت زوال وآسیب عین الکمال دور

از طبقه اشرف

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

محراب امامت بیامن اقامت محتوی بر کرامت ف
محل قبول عبادات انام ومحط نزول سعادات تمام باد
وجمعیت صوری ومعنوی ورفاهیت دنیوی واخروی
مقیمان صفوف جماعتش علی الدوام لی انقطاع وانفصام

نوای دلکشای وصدای بهجت افزای ف که چون نغمات
اوکار صافات صوامع قدس وحافات مجامع انس سبب
افتتاح ابواب ارتیاح وانتظام اسباب انشراح است
موجب جمعیت جماعات ورابطهٔ رفاهیت ارباب طاعات باد

مجامع تلقین وتفهیم ومنازل تادیب وتعلیم بوجود شریف
ف مزین باد وحقایق نکات فضایل ودقایق
آداب افاضل برکات هدایت وارشادات منظر
صلاح وسداد مبین ومعین

محافل اجتماع افاضل ومجالس التقاء ارباب
معالی وفضایل بانفاس زکیه ف مهبط
انوار فواید ومخزن آثار
عوارف وعواید باد

اعلام تعریفات لایقه والویه توضیحات رایقه که با
یادی اهتمام ف در میدان بیان مرفوع ومنصوب است
موجب انشراح صدور ارباب عرفان وسبب
ابتهاج قلوب اصحاب اتقان باد

خاتمه بحر از طبقه اشرف

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

محفل افادت ببرکت اعادت ف مطرح انظار
فواید وفواضل ومهبط انوار معالی وفضایل باد
وازهان طلاب بیمن تعلیم وحسن تفهیمش تصرف
در تعقل مسایل حاصل

جوامع اوقات ومجامع ساعات معالی سمات ف
باستفاده علوم دینی واستفاضه مسایل یقینی مصروف
باد وعنان همتش بصوب مطالعهٔ مشکلات وملاحظهٔ
معضلات وحل وفتح آن معطوف

ذات خجسته صفات ف بحصول مطالب علیه موسوم
وتحصیل مقاصد بهیه موصوف باد وایام فرخنده انجام
واوقات خجسته سمانش بتحقیق دقایق کلمات وتدقیق
حقایق مقالات مصروف ومعطوف

صحایف اوراق اوقات ف بتحصیل مسایل اصول
وفروع وتحقیق دقایق معقول ومشروع مرقوم باد
ودرر غرر فهم وفراست ولآلی تعالی درجه حدس
وکیاست بانامل طلب کاهش منظوم

ریاض استفاضه وحدایق استفاده ف برشحات
افاضات موهبت ربانی وقطرات افادات مکرمت سبحانی
نامی باد ودواب شریفش باستکمال انواع علوم واستفتاح ابواب
معرفه حدود ورسوم در همه احوال عزیز وگرامی

قسم ششم از طبقه اشرف اهل علوم حکمیه

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

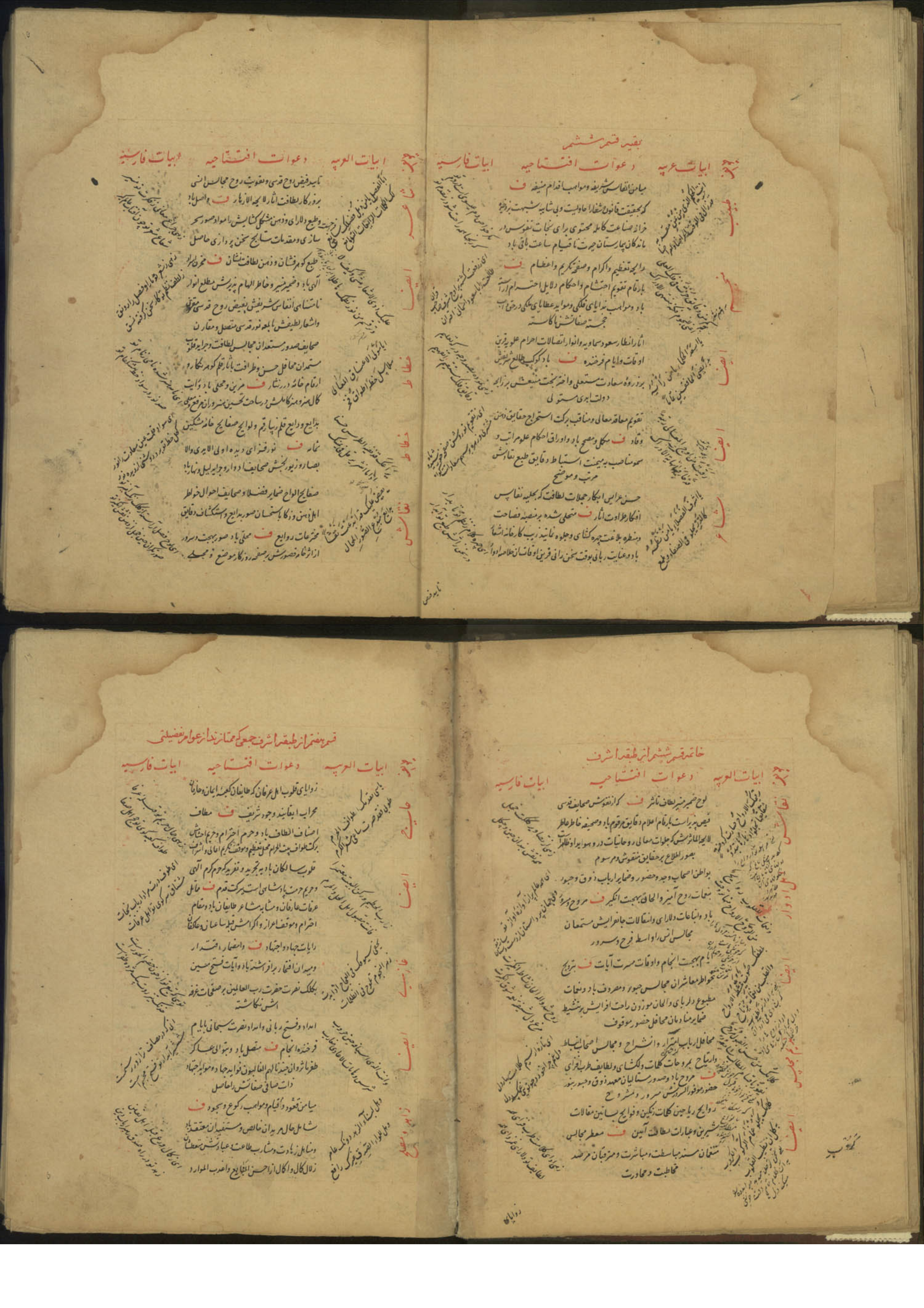
امداد فیض قدسی از جناب جلال قدوسی بذات بابرکات
ف مترادف ومتوالی باد وصفحه صدر با
قدرش بلمعات افاضات عقول مقدسه ونظرات
افادات نفوس مطهره مزین وحالی

ورود وفود دستکلان اسرار حقایق الهی وتبشیر شیدان
انظار ارنا الاشیاء کما هی بجناب عالی ف علی الدوام واقع
باد وثواقب واردات روحانی وطوالع مکاشفات حقانی
بتوالی عنایات سبحانی از مطلع فضل وکمالش شارق ولامع

ظلال افاضت ونوال افادت ف در نشر علوم وحکم
ورفع ودفع شبهات افاضل امم بر مفارق ناهجان قبیلک
انوار فضایل وسالکان مسالک اقتدار وحایزان اسرار
افاضل مدی الشهور والاعوام مبسوط ومستدام باد

نفح انفاس مسیح الخاصیه وحرکت اقدام لازم البرکه فانوس
شفای امراض قلوب وارواح باد ودقایق مداوات
ورقایق معالجاتش حاوی قواعد ازاله اعراض
اجساد واشباح

برکات انفاس مبارکه ومیامن اقدام متبرکه ف
که اسباب صحت وسلامت وعلامات عافیت وکرامت
سابع ستهٔ ضروریه است در دار الشفای امن وامان جهت
تسلی اهل ایمان ما تعاقب العصران مخلد ومؤبد باد



بقیه قسم ششم

ابیات عربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

میامن انفاس شریفه و مواهب اقدام منیفه ف
که بحقیقت قانون شفا را حاویست و بی شایبه شبهت ذخیره
خوارزمشاهی صناعت کامله محتوی برای نجات نفوس در
ماندگان بیمارستان حیرت تا قیام ساعت باقی باد

دراجه تعظیم و اکرام و صفحه تکریم و اعظام ف
بارقام تقویم احتشام و احکام دلایل احترام آراسته
باد و مواهب هدایای فلکی و موائد عطایای ملکی در حق ذات
خجسته صفاتش شاکسته

آثار انظار سعود سماویه و انوار اتصالات اجرام علویه قرین
اوقات و ایام فرخنده ف باد کوکب طالع شریفش
بر ذروه سعادت مستعلی و اختر بخت منیعش بر زایجه
دولت ابدی مستولی

تقویم معاقد معالی و مناقب برکت استخراج حقایق ذهن
وقاد ف مکمل و مصحح باد و اوراق احکام علوم مراتب و
سمو مناصب به میمنت استنباط دقایق طبع نقادش
مرتب و موضح

حسن عرایس ابکار مجلات لطافت که بحلیه نفایس
افکار طراوت آثار ف متحلی شده بر منصه فصاحت
و منظره بلاغت چهره گشای و جلوه نماید زیب کارخانه اشعار
باد و عنایت ربانی بوقت سخن رانی قرین اوقات آن خلاصه ادوار

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

تایید فیض روح قدسی و تقویت روح مجالس انسی
بروزگار لطافت آثار لایحة الازهار ف واصل باد
و طبع دلارای و ذهن مشکل گشایش را مواد صور سحر
سازی و مقدمات نتایج سخن پردازی حاصل

طبع گوهرفشان و ذهن لطافت نشان ف مخزن اسرار
الهی باد و ضمیر منیر و خاطر الهام پذیرش مطلع انوار
نامتناهی انعکاس شریفش بفیض روح قدسی متوالی
و اشعار لطیفش بلمعه نور قدسی متصل و مقارن

صحایف صدور مستعدان مجالس لطافت و جراید قلوب
مستمدان محافل حسن و ظرافت با آثار قلم گوهر نگار و
ارقام خامه درر نثار ف مزین و محلی باد و رایت
کمال هنر و هنر کمالش در ساحت تحسین هنروران مرفوع و معلی

بدایع و دایع قلم زیبا رقم و لوایح صفایح خامه مشکین
شمامه ف نورافزای دیده اولی الابصار و الا
بصار و زیور بخش صحایف ادوار و جراید لیل و نهار باد

صفایح الواح ضمایر فضلا و صحایف احوال خواطر
اهل ذهن و ذکا باستحسان صور بدایع و استکشاف دقایق
مخترعات روایع ف محلی باد و صور بهجت و سرور
از اثر خامه تصویرش بر صفحه روزگار موضع و مجلی

خاتمه قسم ششم از طبقه اشرف

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

لوح ضمیر منیر لطایف مآثر ف که از نقوش صحایف قدسی
فیض پذیر است بارقام اعلام دقایق مرقوم باد و صحیفه خاطر عاطر
لایحة المآثرش که جلوات معانی روحانیات در و هویدا و ظاهر است
بصور اطلاع بر حقایق منقوش و مرسوم

بواطن اصحاب وجد و حضور و ضمایر ارباب ذوق و حبور
بنغمات روح آمیز و الحان بهجت انگیز ف مروح و مسرور
باد و انباعات دلارای و اشتغالات جانفزایش مستمعان
مجالس انس را واسطه فرح و سرور

ایام بهجت انجام و اوقات مسرت آیات ف بترویح
خواطر معاشران مجالس حبور و مصروف باد و نغمات
مطبوع دلربای و الحان موزون راحت افزایش بر نشیط
ضمایر منادمان محافل حضور موقوف

محافل ارباب اهتزاز و انشراح و مجالس اصحاب انبساط
و ارتیاح بمروحات کلمات دلگشای و لطایف طرب افزای
ف مروح باد و صدور مستالیان معهد ذوق و حبور بنور
حضور موفور السرورش مسرور و مشروح

روایح ریاحین کلمات رنگین و فوایح بساتین مقالات
شیرین و عبارات لطافت آیین ف معطر مجالس
متنعمان مسند مباسطت و مباشرت و مترقبان مرصد
مخاطبت و محاورت

قسم هفتم از طبقه اشرف جمعی که ممتازند از عوام بفضیلتی

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه

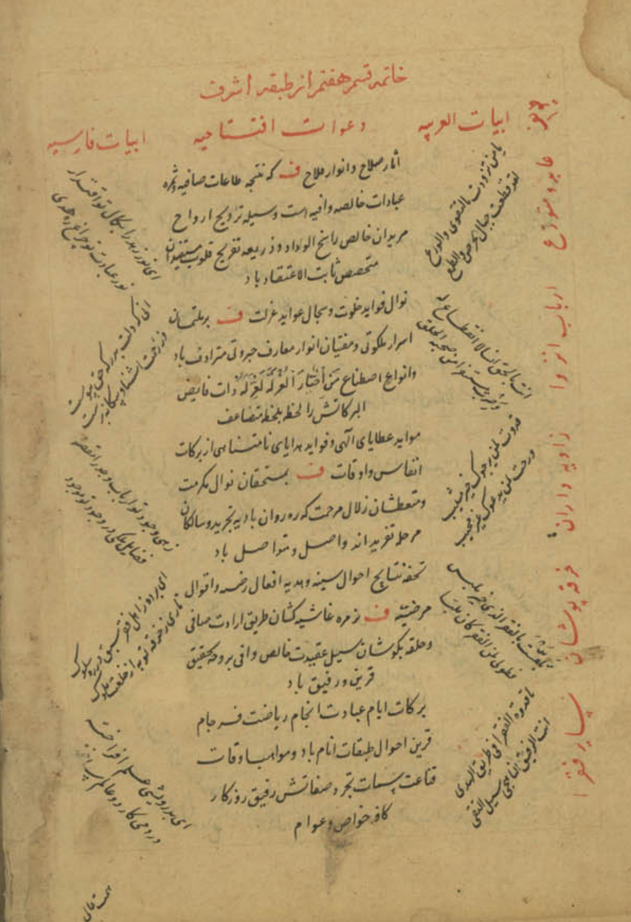
زوایای قلوب اهل عرفان که طایفان کعبه ایمان و حارفان
محراب ایقانند وجود شریف ف مطاف
اصناف الطاف باد و حرم احترام و حریم احتشامش
برکت طواف بیت الحرام محل تعظیم و موقف تکریم اعالی و اشراف

قلوب سالکان بادیه تجرید و تفرید که حرم کرم الهی
و حریم حرمت پادشاهی است ببرکت قدم ف حامل
عرفات عارفان و مشابه مشاعر طایفان باد و مقام
احرام و موقف اعزاز و اکرامش قبله ساعیان و عاکفان

رایات جهاد و اجتهاد ف و اعلام اقتدار
و میدان افتخار برافراشته باد و آیات فتح مبین
بکلک نصرت حضرت رب العالمین بر صفحات غزوه
اش نگاشته

امداد و فتح ربانی و امداد نصرت سبحانی بایام
فرخنده انجام ف متصل باد و بتوالی عساکر
ظفر مآثر و ان جندنا لهم الغالبون فواید جهاد و موائد اجتهاد
ذات صافی صفاتش را حاصل

میامن قعود و قیام و مواهب رکوع و سجود ف
شامل حال مریدان خالص و مستفیدان معتقد باد
و مناهل زهادت و مشارب طاعت و عبادتش متعطشان
زلال کمال و اکمال از احسن المنابع و اعذب الموارد



خاتمه قسم هفتم از طبقه اشرف

ابیات العربیه — دعوات افتتاحیه — ابیات فارسیه



قسم اول از طبقه اوسط اصول واعیان

ابیات — دعوات

قسم دوم معارف ومشاهیر

ابیات — دعوات



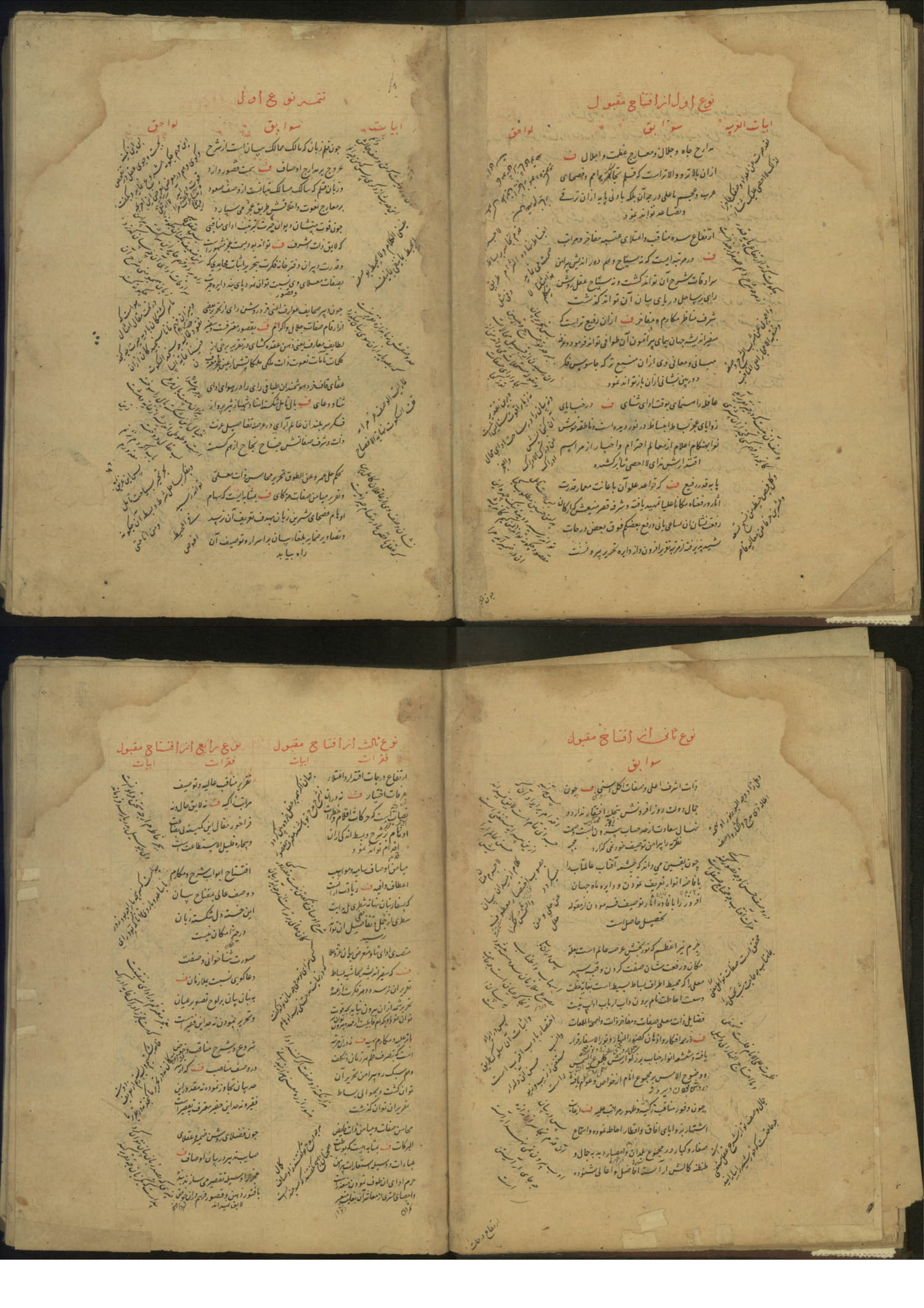
قسم سیوم اوساط الناس

ابیات — دعوات

قسم چهارم سایر عوام الناس

ابیات — دعوات

حرف دوم از کلمه اول در افتتاح مقبول وبنای این طرز بران نمط است که غایت تعریف ونهایت توصیف
مکتوب الیه را وسیله اختصار اوصاف والقاب وی پازند واین صورت بر انواع مقصور است واز انجمله
چهار نوع بنظر این فقیر رسیده **اول** انکه کاتب تعریف مکتوب الیه بروجهی کند که متضمن این معنی
باشد که عقول واوهام را اعتدار از عهده توصیف ذات وتفصیل صفات او برون آمدن متعذر است
این معنی را ذریعه اختصار ساخته متعرض نعوت وصفات وی نکردد وزود در اداء مقصود
شروع نماید **دوم** انکه اشتهار مدایح ومناقب وی را وسیله ترک ایراد نعت ووصف سازد و
بدین صورت ادا کند که جناب عالی مکتوب الیه از شهرت بمرتبه ایست که احتیاج بتعریف ندارد
بلکه بذات خود مستغنی است از انکه اورا تعریف کنند چه همه کس عارفند برتبه عزت ومنصب
حشمت او واین غایه تعظیم وتکریم است **سیوم** انکه کثرت صفات کامله او را سبب اختصار
ساخته این معنی را باز نماید که متعهد متعذر از انجه از حد حساب برون واز حیز شمار افزون است چگونه
توان شد **چهارم** انکه تصدی اوصاف مکتوب الیه را لایق حال خود نداند وبعجز وقصور اعتراف
نموده تعرض اوصاف والقاب نکند وچون این اقسام بتمامها مبتنی بر عدم ایراد اوصافست
پس بجهت ارتباط کلمات یکدیگر دو سه لفظ مناسب رتبه مکتوب الیه چون حضرت خلافت پناهی
یا عالیجناب نقابت انتسابی یا جناب شریعت شعاری یا معلی جناب ارشاد مآبی یا حضرت مخدومی
وامیدگاهی وامثال آن ایراد باید نمود وایما بحرف ف که کنایت از فلانست اکتفا می رود
وباقی مفوض لفظات وکیاست [illegible] سوابق کلمات را که مفتتح مکتوب خواهد بود از
لواحقی که کلام بدان سمت اتمام یابد چاره نیست ومقدم بر سوابق اگر بیتی عربی یا فارسی موافق صور افتتاحیه
آورده شود مزید حسن کلامست ودر اخر هر یک از لواحق هم بیتی یا مصرعی مناسب دعائی نماید وبر ضمایر صافیه
روشن است که این نوع از افتتاح مناسب اعاظم طبقه اعلی واشرف میتواند بود پس درین اوراق اثبات صور چندازان
مطابق مراتب خطاب اتفاق افتاد ودر اول هر صورت از نوعین اولین بیتی عربی یا فارسی آورده شده ودر آخر لواحق مصرعی در
دو نوع اخیر فقرات بر ابیات تقدیم نموده واگر کاتب خواهد بیتی در اول نیز ایراد می تواند نمود وبعد از ترقیم صور اربعه ذیلی مشتمل بر ابیات که
مناسب این مباحث تواند بود مسطور شده تا بوقت حاجت مهیا باشد وکاتب با ایراد هر یک در محلش مجاز ومرخص است والله الموفق



نوع اول از افتاح مقبول

ابیات الغریبه — سوابق — لواحق

مدارج جاه وجلال ومعارج عظمت واجلال ف ازان بالاتر ووالاتر است که قلم تجاهل پیام وفصحای عرب وعجم باعلی درجات آن بلکه بادنی پایه ازان ترقی وتصاعد تواند نمود

ارتفاع سده مناقب واعتلای عتبه مفاخر ومراتب ف در مرتبه ایست که نه سیاح وهم دور اندیش پیرامن سرادقات شرح آن تواند گشت ونه سیاح عقل روشن رای بر ساحل دریای بیان آن تواند گذشت

شرف مناظر مکارم ومفاخر ف ازان رفیع تر است که سفیر اندیشه جهان پیمای پیرامون آن طوافی تواند فرمود وغرفه مبانی ومعانی وی ازان منیع تر که جاسوس فکر دوربین نشانی ازان باز تواند نمود

عاقله راسمای بوقت ادای ثنای ف در خبایای زوایای عجز بساط انبساط در نوردیده است وناطقه خوش نوا بهنگام اعلام از معالم احترام واخبار از مراسم اقتدارش ندای لا احصی ثنا بر کشیده

پایه قدر رفیع ف که قواعد علو آن باعانت معمار قدرت آثار ورفعناه مکانا علیا تمهید یافته وشرفه قصر منیعش که ارکان رفعت نشان ان ساعی بانی ورفع بعضکم فوق بعض درجات تشیید پذیرفته از مرتبه تقریر افزون واز دایره تحریر بیرون رفته

تتمه نوع اول

ابیات — سوابق — لواحق

چون قلم زبان که مالک ممالک بیان است از شرح عروج بر مدارج اوصاف ف سمت قصور دارد وزبان قلم که سالک مسالک تبیانست از وصف صعود بر معارج نعوت واخلاقش طریق عجز می سپارد

چون قوت منشیان دیوان حیرت ترتیب ادای مناقبی که لایق ذات اشرف ف تواند بود بسمت عجز مشهور است وقدرت دبیران دفترخانه فکرت بتحریر اثبات محامدی که بصفات معلای وی نسبت توان نمود پای بند دایره حیرت وقصور

چون دبیر صحایف عوارف اعنی خرد روشن رای از تحریر بعضی از ارقام صفات جلال واکرام ف بقصور معترفست ونیز لطایف معارف یعنی ذهن عقده گشای در تقریر برخی از کلمات تامات نعوت ذات ملکی ملکاتش بعین عجز معترف

عنقای قاف خرد هوشمندان طیاقی رای را در هوای ادای ثنا ودعای ف بال تامل شکسته است وشهباز تیز پرواز فکر سربلندان عالم آرای در عرصه تفاصیل عزت ذات وشرف صفاتش جناح نجاح از هم گسسته

بحکم حل عمر وعن الطوق تحریر محاسن ذات معلی وتقریر میامن صفات مرکای ف بمثابه ایست که سهام اوهام فصحای شیرین زبان بهدف تعریف آن نرسد وتصاویر ضمایر بلغاء بیان بر اسرار وتوصیف آن راه نیابد

نوع ثانی از افتاح مقبول

سوابق

ذات اشرف اعلی وصفات اکمل اسنی ف چون جمال دولت روز افزونش بتحلیه افتقار ندارد ونهال سعادت از حد حساب بیرون افزونست وجهت نظریه را پیرامن توصیف خود نمی گذارد

چون بیقین می داند که چشمه آفتاب عالمتاب را بافاضه انوار تعریف نمودن ودایره ماه جهان افروز را بافاده آثار توصیف فرمودن از مقوله تحصیل حاصل است

جرم نیر اعظم که نوربخش عرصه عالم است بعلو مکان ورفعت شان صفت کردن وقبه سپهر معلی را که محیط اطراف بساط بسیط است بغایت عظمت وسعت احاطت نام بردن داب ارباب اداب نیست

فضایل ذات معلی صفات ومفاخر ذات واضحة اللمعات ف در مرآت افکار واذهان کضوء النهار ونور الاسفار قرار یافته وشعشعه انوار جناب بزرگوارش کطلوع الشمس ووضوح الامس بر مجموع انام از خواص وعوام یافته در دست گفتن دیر دیر شو

چون وفور مناقب زکیه وظهور مراتب علیه ف از غایت اشتهار بزوایای آفاق واقطار احاطه نموده واسماع صغار وکبار در مجموع بلدان وامصار دیده بجمال وطنطنه کمالش آراسته افاضل واعالی شنوده

نوع ثالث از افتاح مقبول

فقرات — ابیات

ارتفاع درجات اقتدار واعتلاء غرفات اختیار ف نه در آن نصاب است که حرکات اقلام وخطرات اوهام بشرح وبسط آن کی اران اقدام تواند نمود

میامن اوصاف سامیه ومواهب اعطاف وافیه ف زیاده از آن است که بسفارشان سهانه سطری ازل پدایت سطری از جمل وتفاصیل آن توان رسید

متصدی ادای ثنا ومتعرض بیان عز وعلا ف که سفیر اندیشه بحاشیه بساط تقریر آن نرسد ودهر فکرت از عهده تحریر شمه از آن بیرون نیاید بچه قوت توان نمود وبکدام قابلیت از عهده بیرون توان آمد

مآثر علیه ومکارم بهیه ف نه در آن رتبه است که بتصرف قلم هر زمان وتکلف وهم سبک رو پیرامن تحریر آن توان گشت وبحوالی بساط تقریر آن توان گذشت

محاسن صفات ومیامن ذات فایض البرکات ف بمثابه ایست که بوساطت عبارات ووسیله استعارات پیرامن حرم ادای آن طوف نمودن متعذر است واحصای عشری از معاشر آن بغایت متعسر بود

نوع رابع از افتاح مقبول

فقرات — ابیات

تقریر مناقب عالیه وتوصیف مراتب زاکیه ف نه لایق حال ونه فراخور مقال این کمینه قلیل البضاعت وبیچاره قلیل الاستطاعت است

افتتاح ابواب شرح مکارم ووصف معالی بمفتاح بیان این خسته دل شکسته زبان در حیز امکان نیست

صورت ثناخوانی وصفت دعاگویی نسبت بملازمان ف به بنان بیان بر لوح تصویر عیان وتحریر نمودن نه حد این فقیر است

شروع در شرح مناقب وخوض در وصف مناصب ف که از حد بیان تجاوز نموده نه مقدور این فقیر ونه حد این حقیر معترف بتقصیر است

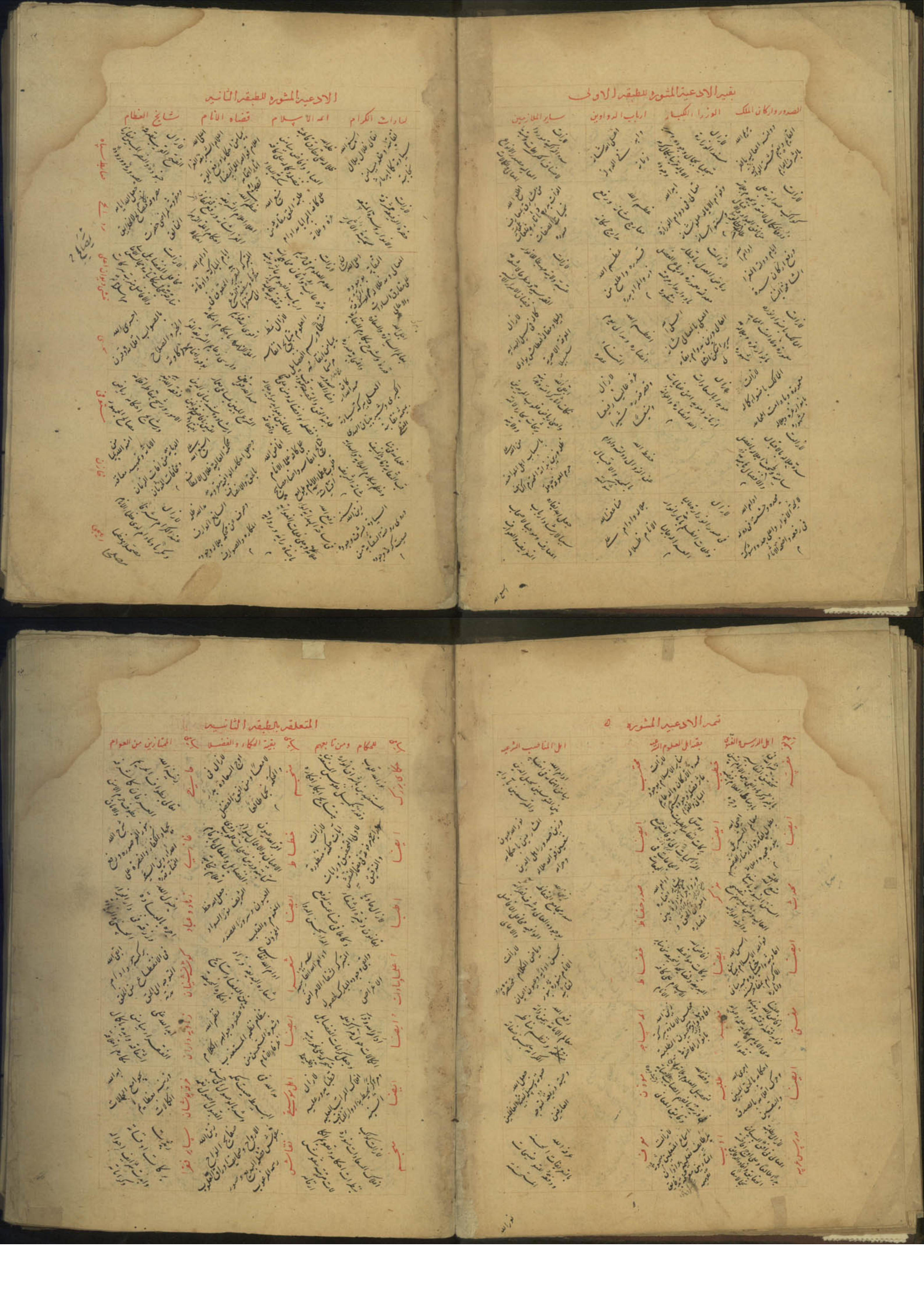
چون فضلای روشن ضمیر وعقلای صایب تدبیر در بیان اوصاف ف عجز را وسیله تقصیر می سازند بنده بافتور ذهن وقصور فهم در آن خوض لایق نمیداند



حرف سیوم از کلمه اول در افتتاح اسهل طریقه این افتتاح آنست که مناسب هر کس از ارباب مناصب دعا
ایراد نمایند اگر لفت مکتوب الیه بیارند و بعد از ذکر لقب ملاحظه باید نمود اگر مرتبه مکتوب الیه در غایه رفعت
مطلقا نام نوشتن دوانیست واگر خواهد مخدومی و مستظهر اوا عتضاد و امثال ان نویسد و در بواقی نام توان
نوشت وان دعا منثور و منظوم می تواند بود اما منثورش عربی باید و بس چنانچه منثور افتتاح مشهور بجاری
باشد فقط کام و دعای منظوم عربی و فارسی می شاید اما دعای که بطریق نثر ادا کنند باید که بزیور فصاحت و زینت
بلاغت اراسته باشد والفاظ غریبه وکریهه در و نبود و اگر دران صنعت اشتقاق رعایت نمایند خالی از حسنی نباشد
چنانچه نظم الله مناظم دولته نظاما و اکمل الله مراتب سعادة کمالا واجل الله معالیه جلالا و امثال این تصرفات
را مجال هست واگر دران دعا اشارتی رود بمضمون ان حال که مکتوب ران منطوی خواهد بود هر آینه
مستحسن باشد مثلا در مکتوبی که مضمون ان شکر التفات و مرحمت مکتوب الیه خواهد بود چنین نویسد که ادام
ظلال عاطفته علی مفارق المخلصین ولا سلب مواهب اعطافه و میامن الطافه عن زمرة المتخصصین واگر مشتمل
بر شکایت از عدم التفات و تاخیر مکاتبات است برین منوال ایراد نماید که لا زالت الویة عنایاته مرفوعة
و روابت اعتقاداته لا مقطوعة ولا ممنوعة وعلی هذا و انکه دعا را باسم مکتوب الیه مرتبط می سازند
نوعی پسندیده است چنانچه لا زال علی السنه الحامدین کاسمه الشریف محمدا اباما دام قدره کاسمه العالی علیا
ودر لقب نیز مثل این تصرف مثلا لا زال حراسی حضرته زینا للعابدین و شاید که اسم و لقب هر دو مذکور شود
چنانچه خلد الله تعالی ظلال ارشاده محیام اسم الاسلام و محمد اعلی السنة الانام و می شاید که دعا بطریق مناجات
واقع شود چنانچه اللهم خلد علی الانام ظلال خلافته وابد مدی الایام نوال عاطفته و رافته چون ادعیه مشهوره
نظر بر تفال بصیغه ماضی مودی میکردد و جمهور مقدمان بران و تیره عمل کرده اند چون ابد الله دولته و جمعی از
متاخران اسم الهی را تقدیم فرموده اند و صیغه دعا را بطریق مستقبل ایراد می نمایند چون الله یوبد دولته
و در همه ادعیه بدین نوع تصرف می توان نمود و ما درین اوراق فراخور هر طایفه از اهل طبقات بطریق جمهور
چند دعا آورده ایم تا کاتب هرچه خواهد از ان التقاط کند اما اگر بدعای منظوم افتتاح کند عربی یا فارسی یا مقتضا
این آنست که کاتب بهمان اکتفا نماید و بعرض تحیات و شرح اثنیه اشتغال کند و اگر جمع کند دعای منظوم و منثور
می شاید اما خالی از تکلف و تعسف نیست و مقرر است که منظومات عربیه را با طبقین اولین اختصاصی هست و فارسیه ما
مناسب است پس با جهة طبقه اعلی واشرف دعای منظوم عربی و فارسی مناسب هر فرقه آوردیم و جهة طبقه اوسط از منظومات جز
فارسی ایراد نکردیم و کاتب را در ابیات دعای ابتدا مجال تصرف نیست هرچند که نسبت معنی او با مکتوب الیه اتم باشد افتتاح مکتوب

الادعیة المشهورة فی الافتتاح الاسهل اهل الطبقة الاول

السلاطین	اولاد ملوک	الخلفات	امرا و حکام



بقية الادعية المشهورة للطبقة الاولى

الصدور واركان الملك	الوزرا الكبار	ارباب الدواوين	ساير الملازمين

الادعية المشهورة للطبقة الثانية

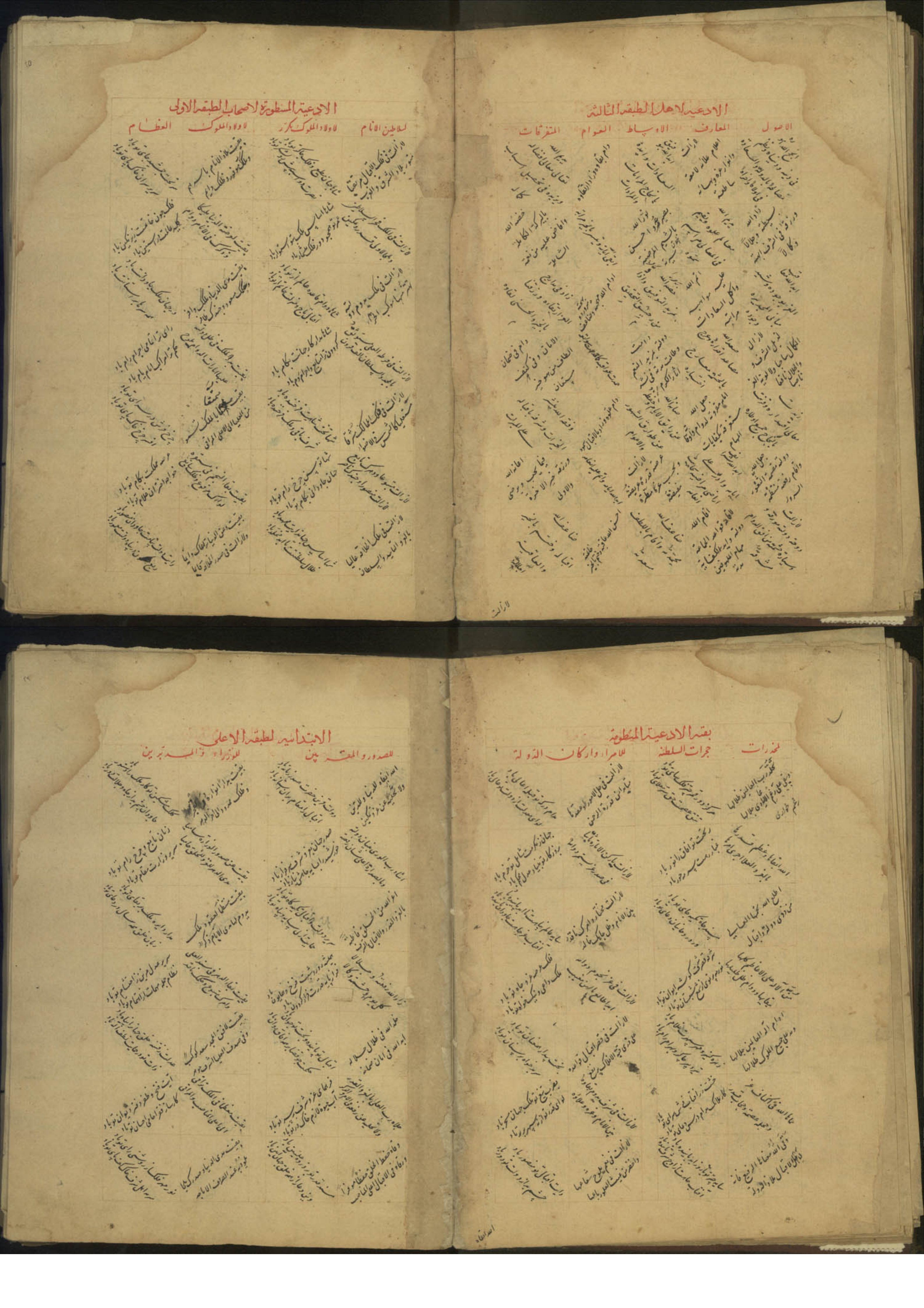
لسادات الكرام	ائمة الاسلام	قضاة الانام	مشايخ العظام

تتمة الادعية المشهورة

اهل الدرس والفتوى	بقية اهل العلوم الدينية	اهل المناصب الدينية

المتعلقة بالطبقة الثانية

الحكام ومن تابعهم	بقية الحكام والفضلاء	الممتازين من العوام



الادعية لاهل الطبقة الثالثة

الاصول — المعارف — الاوساط — العوام — المتفرقات

الادعية المسطورة لاصحاب الطبقة الاولى

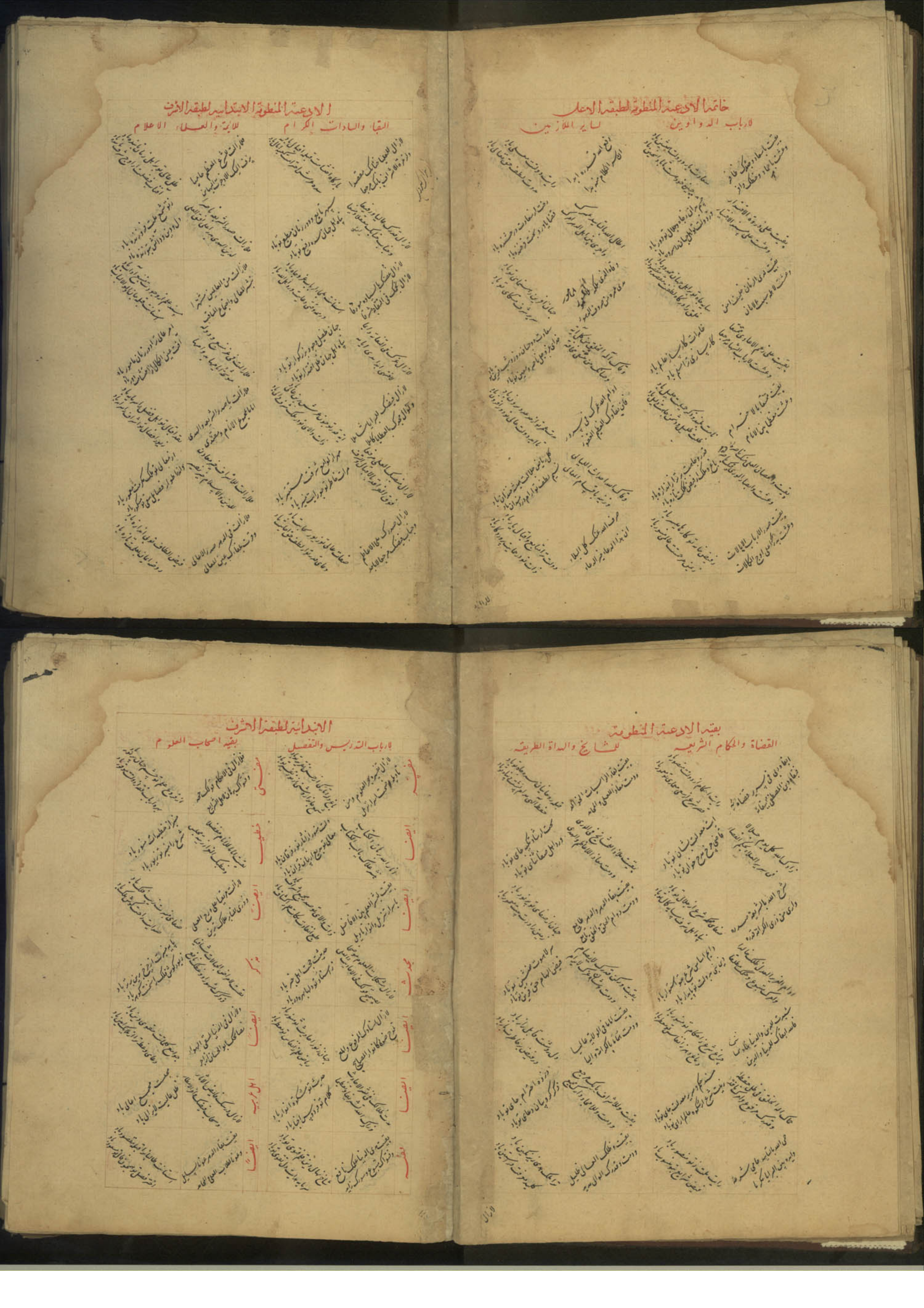
للسلاطين الانام — لاولاد الملوك الكرام — لاولاد الملوك العظام

بقية الادعية المنظومة

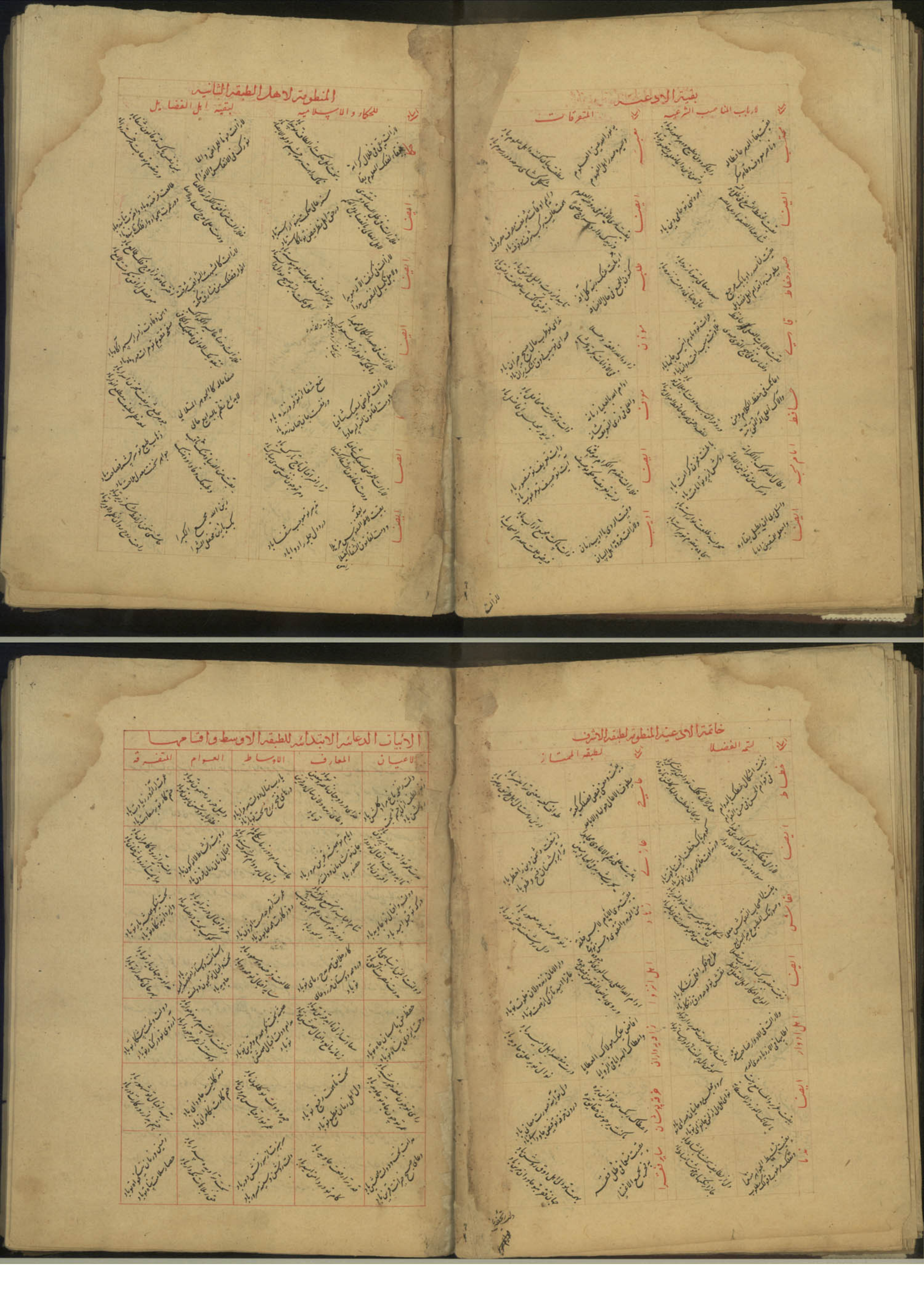
للمخدرات — لحجرات السلطنة — للامراء واركان الدولة

الابتدائية لطبقة الاعلى

للصدور والمقربين — للوزراء والمدبرين



خاتمة الادعية المنظومة لطبقة الاعلى
لارباب الدواوين لساير الملازمين
الادعية المنظومة الابتدائية لطبقة الاشرف
النقباء والسادات الكرام للائمة والعلماء الاعلام
بقية الادعية المنظومة
القضاة والحكام الشريعة للمشايخ والدعاة الطريقة
الابتدائية لطبقة الاشرف
لارباب التدريس والتفصيل بقية اصحاب العلوم



بقية الادعية

لارباب المناصب الشرعية | المتفرقات

المنظومة لاهل الطبقة الثانية

للحكام والاسپاهيه | لبقية اهل الفضائل

خاتمة الادعية المنظومة لطبقة الاشرف

لتتمة الفضلا | لطبقة الممتاز

الابيات الدعائية الابتدائية للطبقة الاوسط واقسامها

للاعيان	المعارف	الاوساط	العوام	المتفرقة

کلمهٔ دوم از سطر اول در افتتاح اخوانیات

سو راین افتتاح بر سه نوع است و از جمله صورت انجام قوم میکردد **اول** افتتاح بتقدیم تحیات و تسلیمات **دوم** بحواله حوالات بضمایر **سیوم** تقرب معنوی **چهارم** بدوام ذکر **پنجم** تمهید قواعد محبت قبل الملاقات و شرح هریک در طی حرفی مذکور می شود **حرف اول از کلمهٔ ثانی** در بیان افتتاح بتقدیم تحیات باید دانست که تحیات در مکاتیب دو نوع می تواند بود یکی انکه بعد از ذکر کاتب مذکور شود چنانچه مثلا بنده مخلص و داعی متخصص وظایف خدمات با لطاف دعوات بحضرت کذا ماخباب فلان معروض بام فوع میکرداند و این از ارکان مکاتیب است و درین نوع ملاحظه مراتب اهل طبقات باید نمود و در محلش مبین خواهد شد دوم انست که بدان افتتاح نمایند و چون دانسته شده که در اخوانیات تساوی مرتبهٔ کاتب و مکتوب الیه منظور است پس هر طایفه از ارباب طبقات با کفا و اقران خود مثل این افتتاح مکاتبه تواند فرمود و افتتاح بدین نوع چنان است که بیتی عربی یا فارسی مشتمل بر سلام و تحیت در اول مکتوب سازند و بعد از ان تسلیمات و تحیات ایراد نمایند و انعقاد از صفات مسلم علیه که خواهند مشت ساحهٔ سخن را با بلاغ تمام کردانند و ابیات منطوی بر سلام و تحیت دو نوع است یکی انکه در همان بیت ذکر مسلم علیه باشد چنانچه سلام الله اعداد الزمان علی مخدوم ارباب الکمال دوم انکه ذکر مسلم علیه دران بیت نبود چنانچه سلام کانفاس النسیم لعطرت و بعد از امثال این ابیات تحیات بر سبیل اتحاد لاعت و این را ابتدا خوانند دوم انکه ذکر مسلم علیه دران بیت نبود چنانچه سلام کانفاس النسیم لعطرت بهار ومسه الریحان والاس والورد و برین تقدیر تحیات را مضاف به و باید ساخت چنانچه بعد از بیت نویسند که مصحوب با تحیات کذا و کذا معروض می افتد و این را اقران کویند و می شاید که همان سلام یا تحیت که در نوع اول کفته شد مرفوع شده ایراد ابلاغ تحیات و کاه باشد که صبا یا شمال یا نسیم هریک را مخاطب ساخته ارسال تحیات بدیشان حواله نمایند و درین صورت هم تحیات بر سبیل ابتدا مذکور میشود و رعایت این قاعده در عربی و فارسی یکسان است و ما برای هر یک ازین صور مذکوره فقره چند آوردیم و ابیات لایقه در اول هر فقره اثبات کردیم و بعد از ابلاغ مثل این ابیات در جدول دیگر مثل ساختیم ما کاتب رعایت نسبت نموده هرکدام خواهد ثبت نماید و بیتی چند عربی و فارسی که مناسب است آوردیم والله المستعان

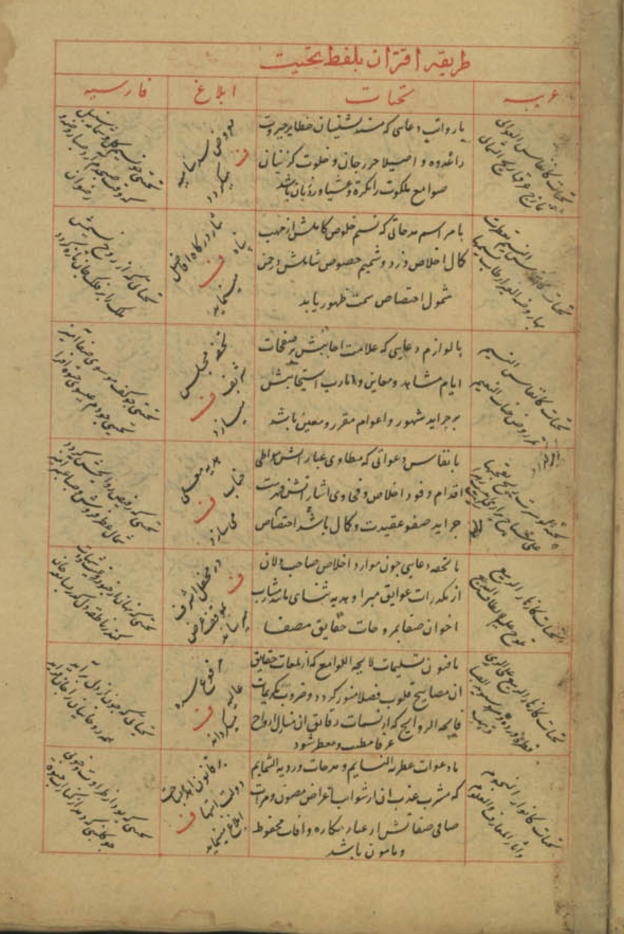


بقیه افتتاح بطریق ابتدا

فارسی	تحیات	ابلاغ	عربیه
[illegible]	لوازم دعایی که در تعطیر مجالس فا شمایم اوراد صافیه بحرخیزان مواجه نماید و مراسم ثنای که در ترویح محافل اهل صدق و صفا با روایح اذکار وافیه شب خیزان معاوضه فرمایند	معروض ... ن	سلام ... [illegible]
[illegible]	وظایف دعواتی که نسایم اخلاص ان ریاض اعتقاد را بهجت و نضارت بخشد و لطایف تحیاتی که نتایج اختصاص کلزار ارادت و اتحاد را الطافت و طراوت دهد	... ن ...	سلام ... [illegible]
[illegible]	میامن ثنای که مشارب صفای ان از شوایب انحراف و تغییر بگردد و مواهب دعایی که شارع ادایش بعوارض انحراف متبدل نشود	... ن ...	سلام ... [illegible]
[illegible]	کرایم مدحات خالصه الصفات و روایب دعوات صافیه السمات که روایح ان با نسایم مشکبار برابری کنند و فواتح ان از شمایم کلزار بهاری برتری جوید	... ن ...	سلام ... [illegible]
[illegible]	خوالص تسلیماتی که انوار مجالی جلوه آتش مجلی مرایای ارواح روحانیان باشد و عواید تحیاتی که آثار مطالع لمعانش منور زوایای قلوب کروبیان بود	... ن ...	سلام ... [illegible]
[illegible]	رواتب تسلیماتی که روایح کال مودت از فحاوی مطالع ان فایح و مواهب تحیاتی که تعالیس صفای عقیدت در مطاوی مشاهده انس لامع و لایح باشد	... ن ...	سلام ... [illegible]
[illegible]	لطایف دعوات متراصفه العقود و شرایف مدحات متراد فه الورود و مطرز بطراز حسن عقیدت و موشح بوشاح صفای ارادت	... ن ...	سلام ... [illegible]

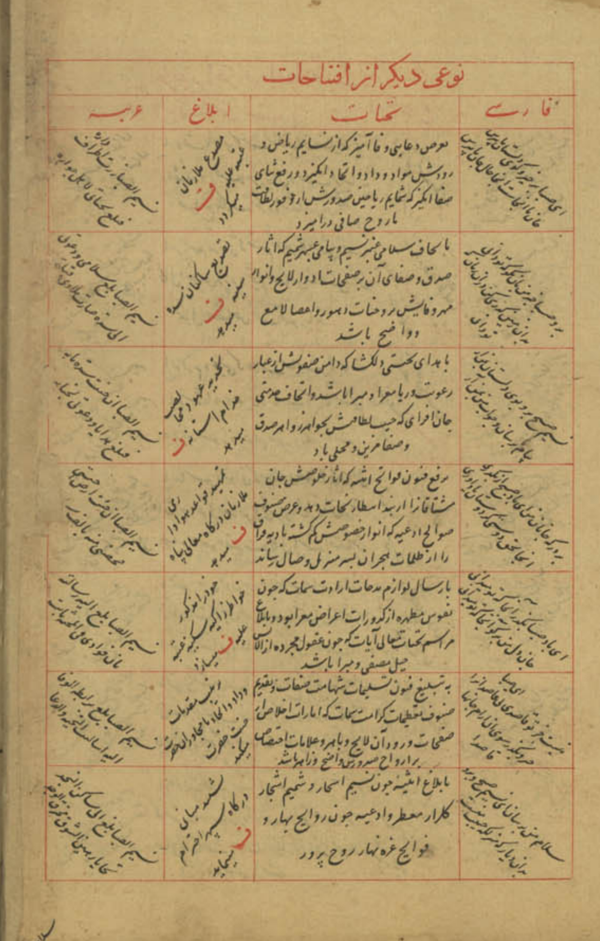
افتتاح بسلام بطریقه اقران

عربیه	تحیات	ابلاغ	فارسیه
سلام ... [illegible]	مصحوب با درر فرایدقلایه دعواتی تازه تراز نسیم جانفزای کلزار انس و مشفوع بغرر تحیات لطایف تحیاتی روح بخش تر از کلبرک دلکشای ریاض قدس	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	رفیق دعایی عطرپاش تر از نسیم ریاض طرب افزای فروردین و قرین ثنای عنبرآمیز تر از نفحات نزهت سرای خلد برین	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	مرافق ثنای مشتمل بر ادعیهٔ سامیهٔ عرش فرسای و مقارن دعایی محتوی بر اثنیه سامیه آفاق پیمای	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	قرین مدحتی چون نسیم عطرپیز بهاری مروح روح و رفیق تحیتی مانند شمیم عنبربار کلزار مفتح ابواب فتوح	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	مقرون بمیامن اثنیه لایقه که از مطاوی آن نسیم اخلاص و اختصاص وزد و مشحون بروائب ادعیه رایقه که از فحاوی ان رایحه فایحه وفا و صفا بظهور رسد	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	مصاحب مدحاتی که کلزار ضمایر آشنایان عوالم ملکوت از اطایب نفحات ان معنبر شود و مقارن دعواتی که از نثار اشجار خواطر روشنان مجامع جبروت بطایب فوایح ان معطر کردد	... ن ...	سلامی ... [illegible]
سلام ... [illegible]	منضم با هدایا تحایا که از فوایح انداریاض بهار تحفات در ارتیاح آید و از نسایم شمایلش ازهار اغصان مصادقت را انواع اهتزاز روی نماید	... ن ...	سلامی ... [illegible]



نقد افتتاح بطریق اقتران

عربیه	سمات	ابلاغ	فارسیه
[illegible]	باخوالص دعوات ونفایس تحیاتی که از فوایح اثار اتش روایح مودت اختصاص بشام جان رسد وار نسایم عبارا اتش ارادت واخلاص روضه دل راعطری تمام بخشد	[illegible]	[illegible]
[illegible]	باصحایف ادعیه که نفحات نسایم ازهار را فیض انشراح دهد وسماتش ازاهیر ریاض را بر مجاری حیاض قوت ارتیاح ارزانی دارد	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بافوایح سوایح دعوات مخلصان که مورد ورود روح الامین جز ملقین امین ان نباشد وفوایح نعایح تحیات صادقانه که مهب ورود ان جز ریاح فیوض قدسی نبود	[illegible]	[illegible]
[illegible]	باطرف مدحاتی که مورد ورود ونسایم ان محافل صافات صوامع قدس زیبد وتحف تحیاتی که مصدر صدور شمایلش منازل حافات مجامع انس شاید	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بالطاف تسلیماتی که ارفوایح ریاض اخلاصش گل گلزار قدسی استشمام توان نمود ونسایم حدایق اختصاصش براستر واح قلوب وارواح استدلال توان نمود	[illegible]	[illegible]
[illegible]	باهدایای ادعیه که جون انفاس مطیب معتکفان زوایای ملکوت معطر وماننده قنادیل مرصع خلوت مجاوران خفایای عالم جبروت منور باشد	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بانفاس تحیاتی که افتاب اخلاص از نور ظهور نوران تابنده باشد وهر ذره از پرتو اشعه انوار واشعه پر تو اسرارش مانند افتاب درخشنده	[illegible]	[illegible]



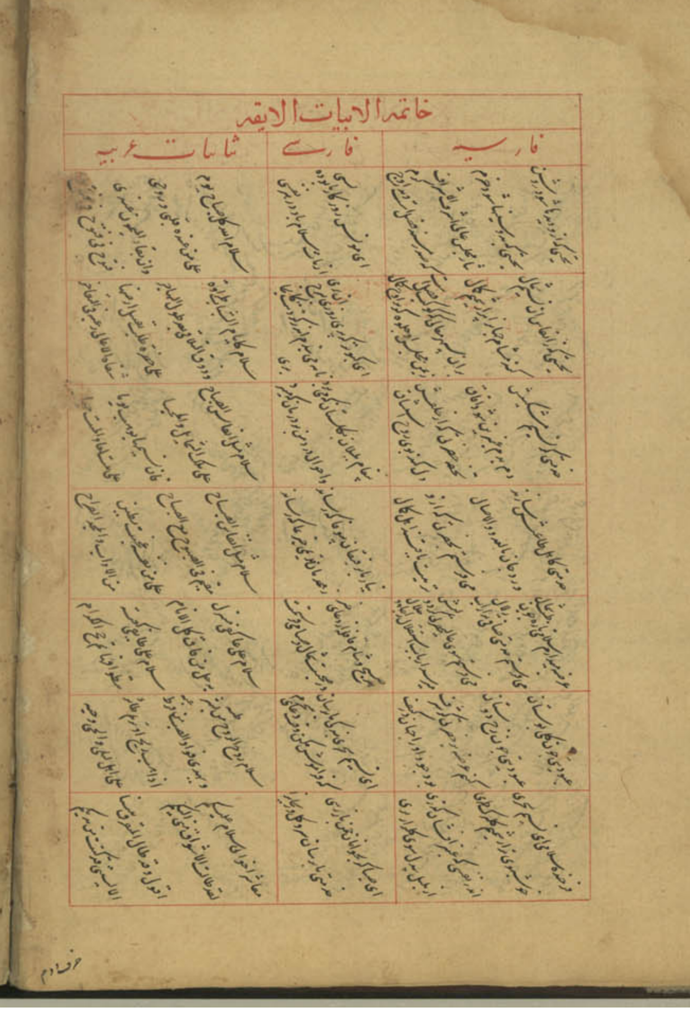


تتمة الابيات اللايقة

ثنايات	عربية	فارسية	عربية
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمة الابيات اللايقة بهذا الافتتاح

المتفرقات	مصارع	فارسي	فارسية
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



خاتمة الابيات اللايقة

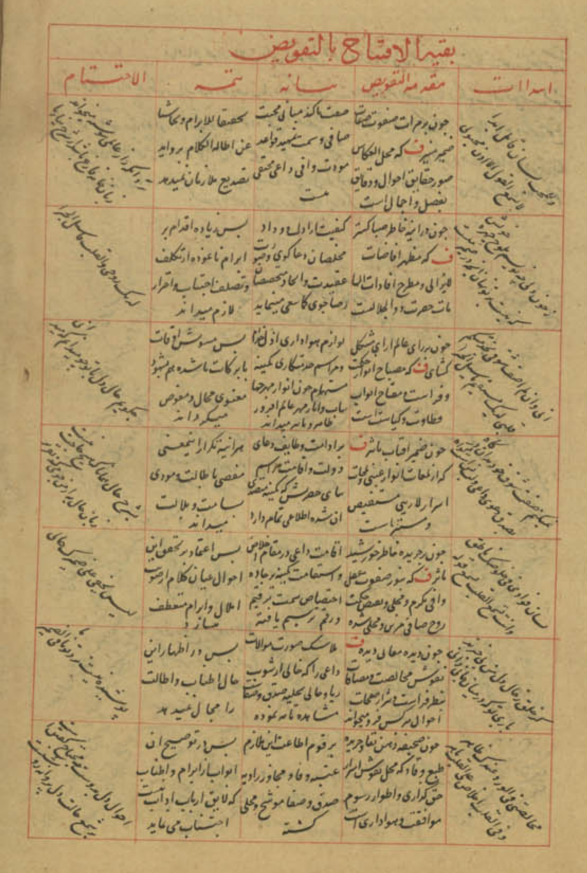
ثنايات عربية	فارسي	فارسية
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

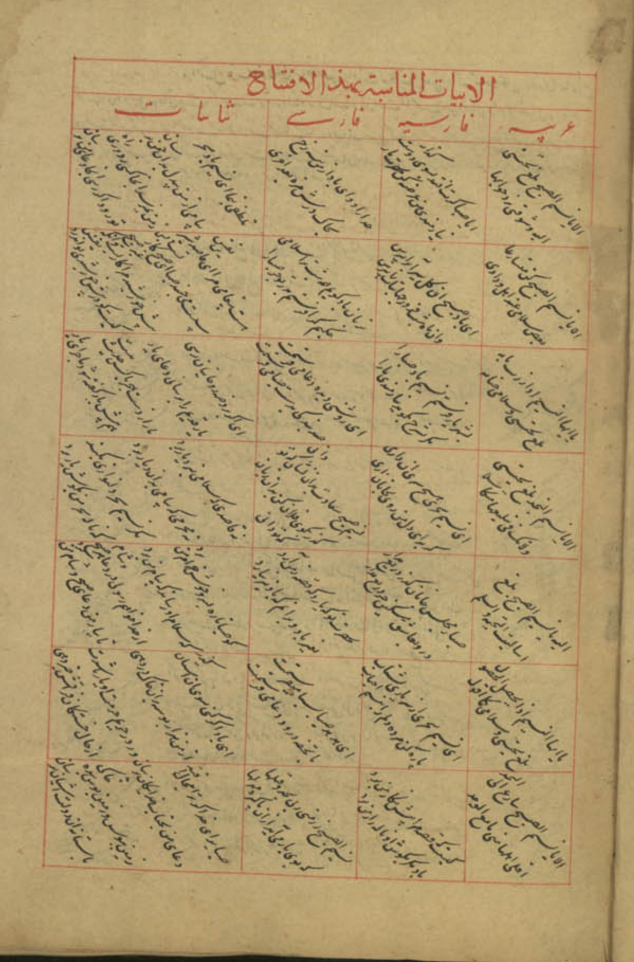


حرف دوم از کلمهٔ ثانیه در افتتاح بحواله حالات و این را تفویض الاحوال خوانند و بنای این افتتاح بر آنست که کاتب صورت اخلاص و حقیقت اختصاص خود در آینهٔ ضمیر مکتوب الیه جلوه دهد و چنان باز نماید که صدق نیت و صفای طویتش بر خاطر مکتوب الیه مخفی نیست پس شرح خلوص عقیدت و وفور ارادت حوالت نموده سخن را مختصر سازند و بعرض احوالی که دارد اشتغال نماید و برین نوع افتتاح خالی از لطافتی نیست چه تعریفی کامل و توضیحی شامل است و مکتوب الیه را در روشنی ضمیر و صفای خاطر و در این افتتاح ابتدا به بیتی کنند عربی یا فارسی و مقدمه تفویض نویسند و بیان حال ذکر کرده تتمه سخن ادا نمایند و به بیتی یا مصرعی عربی یا فارسی ختم کنند و ما صورتی چند برین وتیره ایراد کردیم

الافتتاح بحوالة الحالات وهو الثاني من الاخوانيات

الاختتام	تتمه	سانه	مقدمة التفويض	ابتداء الكلام
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

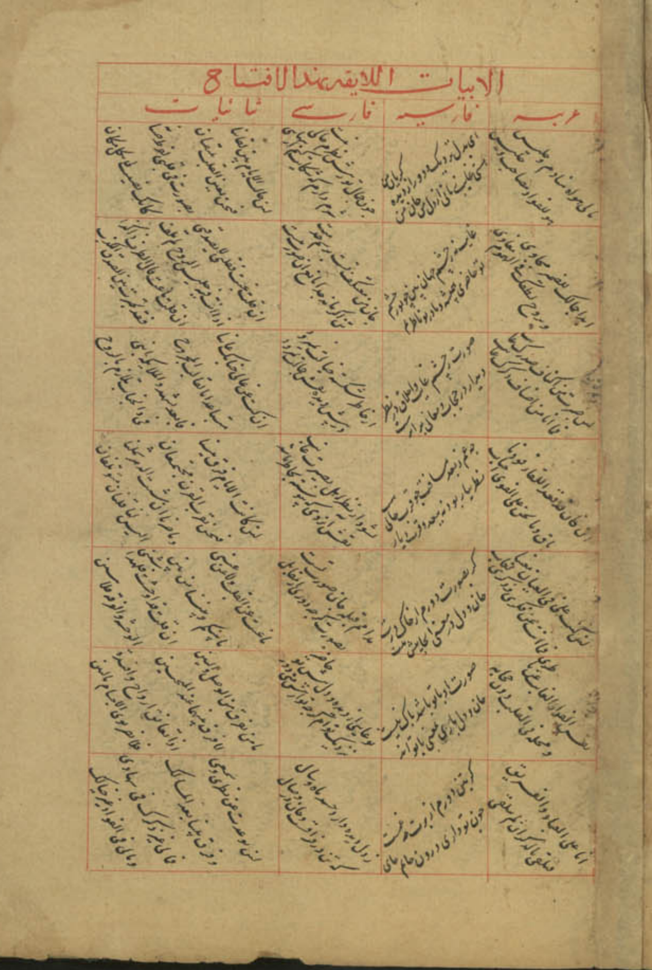












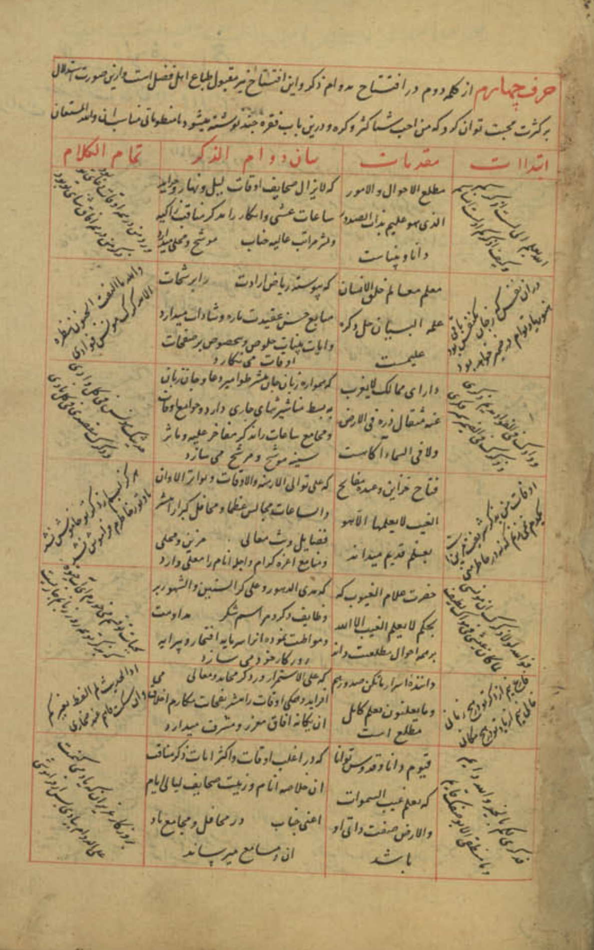
الابیات اللایقه بهذا الافتتاح

عربیه	فارسیه	فارسی	ثنائیات

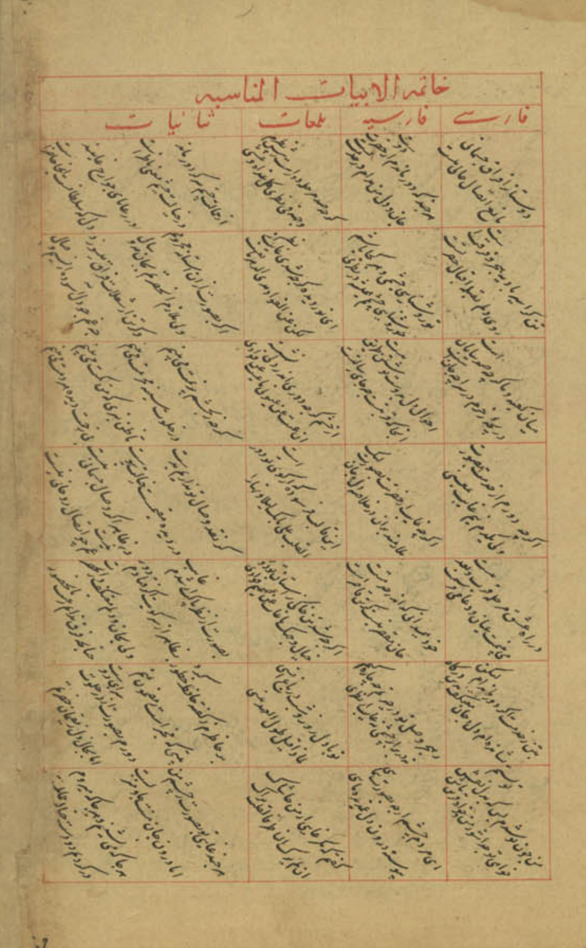


ضد الافتتاح بالقرب

الابتدا	مقدمه القرب	سانه	تتمه	الانتها

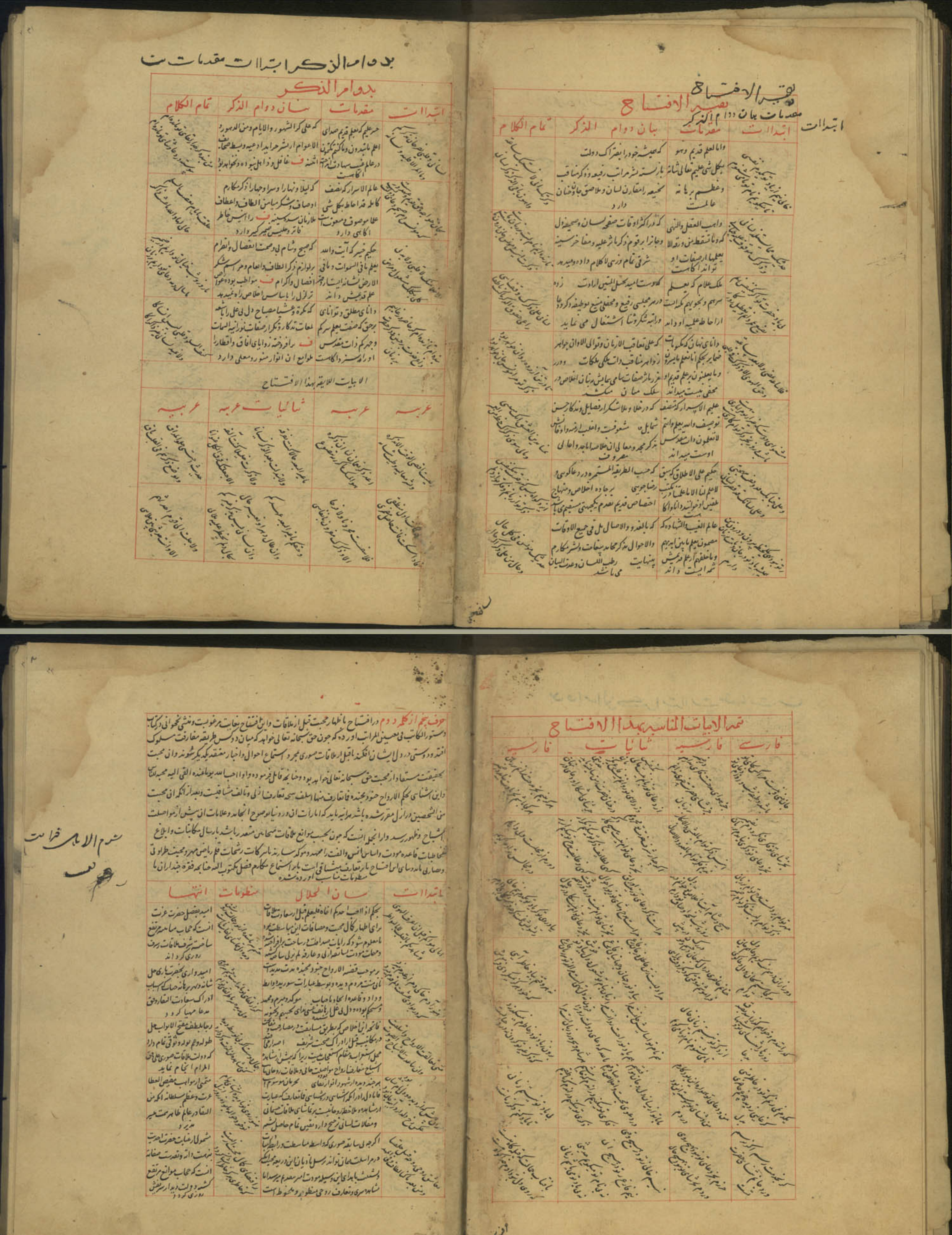


ابتدائات	مقدمات	سان دوام الذکر	تمام الکلام



خاتمه الابیات المناسبه

فارسی	فارسیه	ملمعات	ثنائیات



بدوام الذكر ابتدات مقدمات

بتيسير الافتتاح

تمام الكلام	بيان دوام الذكر	مقدمات	ابتدات

الابيات اللايقة بهذا الافتتاح

عربيه	ثنائيات عربيه	عربيه	عربيه

تمه الابيات المناسبه بهذا الافتتاح

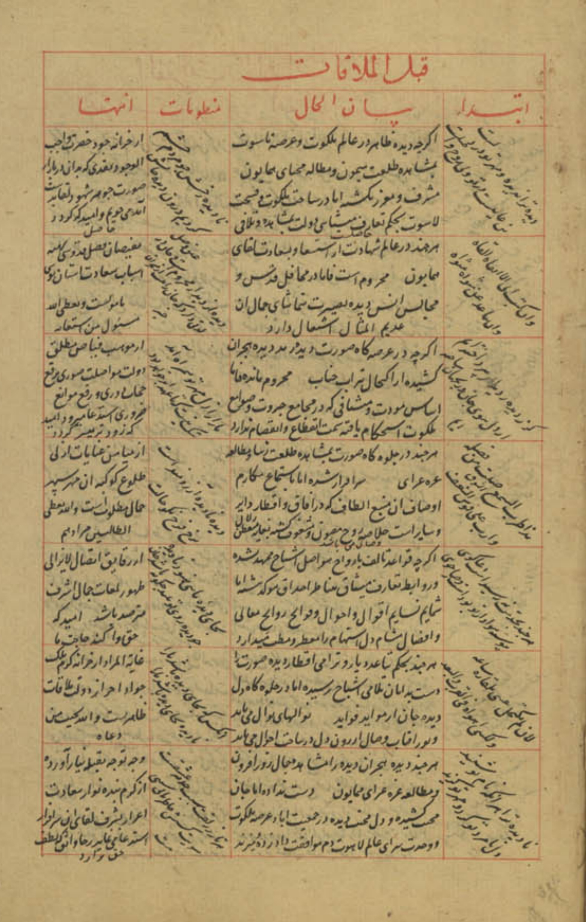
فارسيه	ثنائيات	فارسيه	فارسيه

انتها	منظومات	بيان الحلال	ابتدات

فیما الافتتاح باظهار المحبة

ابتدائات	بیان الحال	منظومات	انتها
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

قبل الملاقات



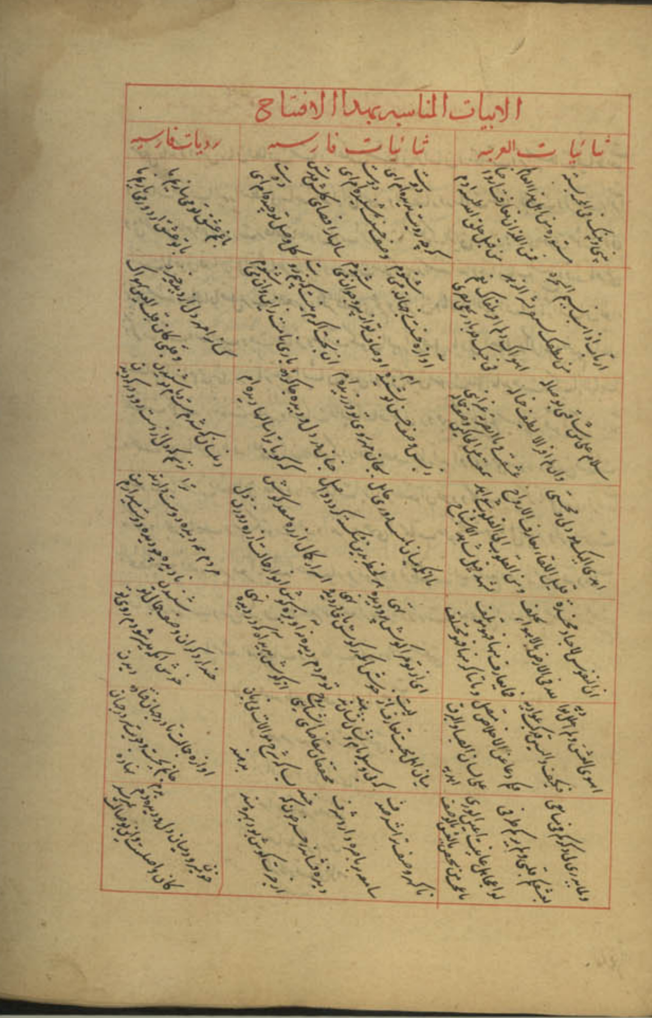
ابتدا	بیان الحال	منظومات	انتها
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الفقرات والابیات



الفقرات	التعریفات	عربیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]

الابیات المناسبة بعد الافتتاح



ثنائیات العربیه	ثنائیات فارسیه	ردیات فارسیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]

سطر ثانی از صحیفه اولی در بیان صفات منثوره و منظومه لایقه

مخفی نماند که درین زمان لطافت نشان اغلب منشیان خراسان در مکاتیب و مراسلات بساط نعوت و صفات مکتوب الیه را منطوی ساخته اند لوای ایجاز و اختصار در ساحت مضمار بلاغت و براعت برافراخته و فی نفس الامر این صورت برعایت قانون ادب اقرب است و بسلوک طریق حرمت و ادای حقوق حشمت اولی و انسب اما چون قدمای اهل انشا طریقه ایراد و صفات مسلوک میداشته اند و دران باب هیچ دقیقه نامرعی نمیگذاشته و حالا افاضل عرب باجمعهم و اکثر فضلای عجم در عراق و ماوراء النهر اعیان آثار ایشان نموده ذکر مناقب و مناصب و ثبت مفاخر و مراتب مکتوب الیه را از قبیل زیادتی اجلال و اکرام و تتمیم قواعد اعظام و احترام می شمارند بنابر تتبع ایشان درین اوراق ازین صورت حالی نماید جهت هر یک از ارباب طبقات کلمه چند از نعوت سامیه و صفات عالیه بالفاظ عربی بر وجهی که طباع سلیم از قبول آن اباننماید و جهت جمعی خاص از طبقه اعلی بزبان فارسی که در بعضی محلها بکار آید آورده می شود و همین صفات و نعوت را بحسب مقتضای مقام در اخوانیات ایراد میتوان نمود و کاتب باید که تامل نموده از صفات مذکوره آنچه مناسب رتبه مکتوب الیه داند بر وجهی که بجانب علو فاحش مایل نبود و از وصمت انحطاط و قصور نیز معرا باشد اختیار فرموده و از مکتوب الیه جامع مفاخر متنوعه و مناصب چنانچه رتبه سیادتش باشرف علم یا مرتبه صدارت یا وزارت یا منصبی از مناصب شرعیه مجتمع باشد همه جهات را رعایت نموده بهمه صفتی

ایلامی فرماید و بعد از ایراد صفات

در هر مرتبه از مراتب اگر بیتی

مناسب عربی یا فارسی یارد

بر انیه قاعده تعظیم

و ضابطه تکریم بران

تاکیدی و تمهیدی خواهد

یافت

صفات الملوک والسلاطین

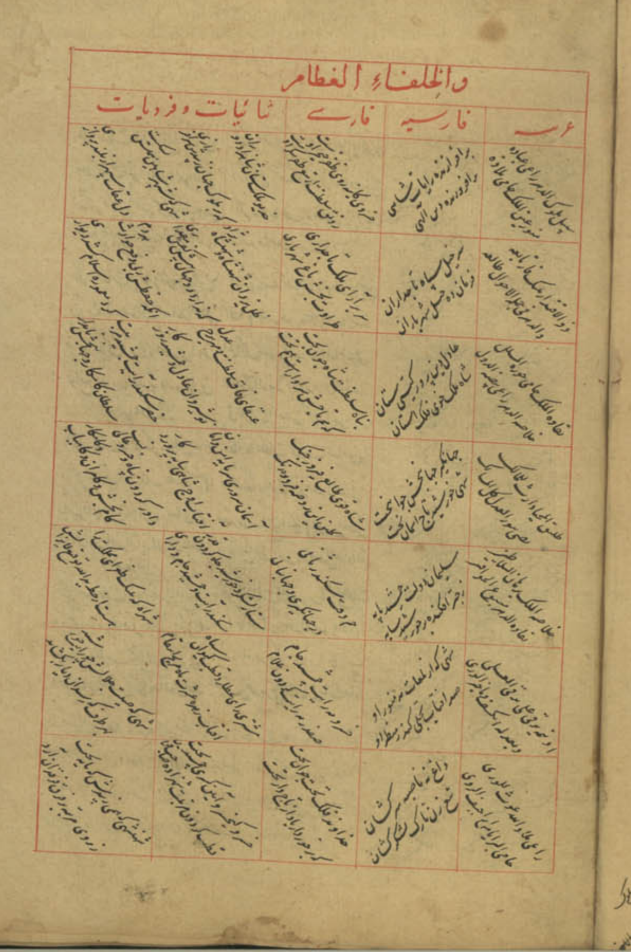
منثوره فارسیه	ایضا	ایضا
السلطان الاعظم مالک رقاب الامم ناصر کلمة الله العلیا المرتقی علی الدرجات العلی خلیفة الله فی بلاده وظله الظلیل علی مفارق عباده المعطوف علی رعایاه الرؤف بین البرایا	سلطان الاسلام ظل الله علی مفارق الانام رفیع سنام المجد والمعالی ملک ملوک المشارق والمغارب آیة الله من برقه المجتهد فی اعلاء کلمة الدین عامر بلاد الله ناصر عباد الله	سلطان سلاطین الزمان المتمکن علی مسند العدل والاحسان حامی حوزة الاسلام مروج قواعد الشریعة الغراء ماجراء الاحکام ساعد مساعد السلطنة الباهره علی معارج الایالة القاهره
السلطان الاعظم مولی ملوک الترک والعرب والعجم کهف الثقلین امان الخافقین	السلطان المعظم والخاقان الاعدل الاکرم ضابط اقطار الامصار بالقوة القاهره رابط اطراف الآفاق بالدولة الباهره رابطه امن البلاد وواسطه امن العباد	السلطان الاکرم ظل الله علی مفارق الامم مزین سریر السلطنة الکبری بنشر الفضل والافضال ممهد مبانی الخلافة العظمی بدفع الجور والاجحاف منعش المظلومین ماحی الملهوفین
موسس بنیان الاسلام منصوب الالویة والاعلام اسوه اعاظم السلاطین قدوه اماجد الخواقین	السلطان المقدم والخاقان المعظم المکرم المحکم اساس عظمته بالصدق الصریح والحق المتین المعلم رایات عزیمته بالنصر العزیز والفتح المبین	السلطان الاعدل الاکرم باسط الهمم علی قسم الدین والدولة ناصب رایات النصفة بعد اندراسها مظهر آثار العدالة عقیب انطماسها محی الانام مغیث الاسلام
السلطان الاعظم والملک الاقدم الاکرم المنصور بالتأییدات النازلة من السماء المظفر بورود الجنود والعلیة علی الاعداء ملاذ البرایا معاذ کافة الرعایا	السلطان العادل العالی والخاقان الکامل الوالی ظل الله فی بسیط الارض عامر المعمورة فی الطول والعرض سلطان سلاطین المشرقین برهان خواقین الخافقین	سلطان اعاظم السلاطین حارس ثغور الملک والدین باسط اجنحة الامن والامان علی اهل الایمان ناشر مناشیر الفضل والاحسان معاد عامة العباد وملاذ کافة اهالی البلاد
السلطان المعظم والخاقان الاعظم اصدق السلاطین قولا ودینا		
احق الملوک والخواقین صدقا ولقینا واسطه طلوع انوار الامن والامان وسیله وفور آثار العدل والاحسان	سلطان سلاطین الزمان مفیض سحائب العاطفة علی ریاض صدور طبقات الانسان امان کافة الانام مرکز دائرة الاوامر والاحکام موسس مبانی الانصاف هادم قواعد الجور والاجحاف	مالک ممالک الآفاق وارث سریر السلطنة بالاستحقاق جامع اقانین ایالة الخافقین ضابط قوانین ولایة المشرقین والمغربین حافظ بلاد الاسلام ظل العلام علی الانام

بقیه صفات الملوک

منثوره عربیه	منثوره فارسیه	عربیه	فارسیه
السلطان المؤید المعظم والخاقان المشید المکرم اعضاد السلاطین علی الاطلاق ملاذ اعاظم الملوک بالاستحقاق حارس حوزة الانام حامی الاسلام بعون الملک العلام	حضرت جم جاهی خلافت پناهی صاحب قرانی سلیمان مکانی دارای جمشید فر فریدون خورشید منظر جهاندار سپهر اقتدار خلاصه سلاطین روزگار	[illegible]	[illegible]
السلطان الاکرم عضد سلاطین الامم آمر العباد باقامة العدل والفرض المخصوص بتشریف هو الذی جعلکم خلائف فی الارض المؤید بالعنایات الابدیه والرعایات السرمدیه	شهنشاه مالک رقاب سپهر قدر خورشید رکاب قطب فلک بختیاری مرکز دایره جهانداری طراز کسوت سلطنت و فرمان روای نگین خاتم عظمت و کشورگشای	[illegible]	[illegible]
السلطان المعالی المؤید بنصر الله علی التواتر والتوالی ناشر الامن والیمن فی الاقطار باسط الرافة والنصفة فی المدن والامصار ناصر الدین المبین حافظ الشرع المتین	پادشاه اعظم زبده سلاطین عرب و عجم مظهر آثار امن و امان زمان فرمان فرمای زمین و زمان آفتاب تابان فلک جهانبانی ماه درخشان سپهر گیتی ستان	[illegible]	[illegible]
سلطان الملوک و ملک السلاطین المنصور لاظهار اسرار السلطان ظل الله فی الارضین انور من بدر الدجی فی ایالة البرایا اظهر من شمس الضحی فی العدل بین الرعایا	خورشید روشن رای جمشید ملک آرای آفتاب فلک اقتدار سایه عاطفت حضرت آفریدگار قره باصره شهریاری و کامکاری غره ناصیه بختیاری و جهانداری	[illegible]	[illegible]
الملک الاعدل والسلطان الاکمل اعظم اعاظم السلاطین رعایة قواعد السلطنة والخلافة اکرم اکارم الخواقین تمهید قوانین العاطفة والرافة	خجسته طالع همایون بخت فروزنده تاج و برافرازنده تخت سکندر جاه سلطنت پناه کیخسرو سپاه خلافت دستگاه جهانگیر عالم آرای جم حشم بند قلعه گشای	[illegible]	[illegible]

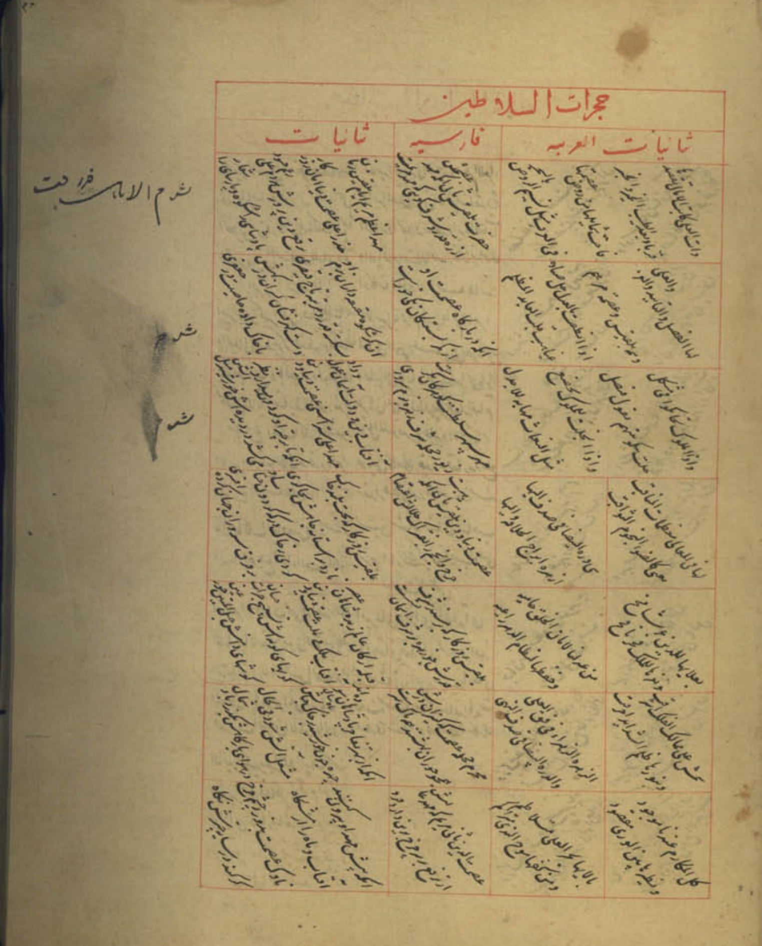
الملوک منثوره ومنظومه

فارسیه	ثنائیات وفردیات عربیه	ثنائیات فارسیه
تاج ملوک زمان فخر بسیط زمین شاه فریدون علم خسرو دارا نگین سایه امید سرافکنده کان سایه یزدان بسر بندگان	ملاذ البرایا ناصر الخلق کلهم مآثر جود کان الذی من القطر وملجئهم ظلا لامن الذل وارعا وبرعاهم بالفضل والنائل الغمر	[illegible]
خسرو دارا نشان داور جمشید کام مهر سپهر شرف سایه رب الانام ماه سپهر آستان داور کشورگشای مار شه راستین سایه لطف خدای	ملک لدولته المعالی تبع ملک بصولته الاعادی خضع ملک لالویة العداة مفرق ملک لالسنة العفاة مجمع غیاث الملک برهان البرایا حمی سلطانه بالطول والعرض	[illegible]
سرکردنکشان و تاج داران پناه خسروان و شهریاران جهانداری که از لطف الهی مسلم گشتش از مه تا بماهی	ینادی هاتف فی کل لحظة هو السلطان ظل الله فی الارض بجنک به الملک اعدل عامر واضحی لخلق الله افضل ناصر امین الحق سلطان الخواقین امان الخلق خاقان الخواقین	[illegible]
خسرو جمشید جام داور دارا حشم خضر سکندر علوم شاه فریدون علم	ملک بنی بالعدل قصرا مشیدا مضاربه الملک الامان ممهدا خلیفة الحق راعی الملک والدین حامی البریة برهان السلاطین	[illegible]
	مولی ملوک الارض بالتأیید والعلم عاثر التدبیر ذو المملکة الغر والاجلال والکرم به اهتدی من اقام الملک بالهمم	[illegible]



صفات اولاد الملوک

منثوره عربیه	ایضا	منثوره فارسیه
السلطان ابن السلطان مظهر انوار الفضل والبذل والاحسان غیاث نفوس کافه الامم ملاذ عموم العرب والعجم واضح قوانین الانصاف قامع اساس الظلم والاجحاف	نقاوه سلاطین آفاق وارث ممالک الخواقین بالاستحقاق منور اولیاء الله بانوار العداله مذل اعداء الله باثار الایاله	شاهزاده جهان مطرح اشعه عدل واحسان نور دیده سلطنت کبری چراغ دودمان خلافت عظمی الهی درتاج دری برج الطا[illegible]
حامی حماه الایام راعی رعاه کافه الانام مظهر انوار الدوله القاهره مظهر آثار السطوه الباهره مجری انوار العاطفه والرافه فی ریاض السلطنه والخلافه	خلاصه ابناء الخواقین زبده اولاد الملوک والسلاطین ازهر دراری طلع من افق الدوله الباهره اظهر درر خرج من صدف السلطنه القاهره	خلاصه ملوک عالم نقاوه احجار اولاد آدم گوهر صدف شهریاری ملحوظ نظرات عنایات حضرت باری دردرج سروری ونامداری بدر برج کامرانی وبختیاری شاه شاهزاده انام اعتضاد ملوک وحکام ایام فروزنده رخسار ملک وملت خلاصه اولاد ملوک نامدار نقاوه احفاد سلاطین کامگار
نور عین سلطنه العز اعین نور الحدائق البیضاء مالک اماجد المشرقین حاکم اعاظم الخافقین حافظ اقطار الارضین ناصر انصار الدین المتین	ناشر الویه النصفه والعداله باسط بساط الابهه والجلاله والایاله نقاوه ملوک الافاق عضد السلاطین بالاستحقاق نور حدیقه الافاضه والرافه	شهزاده جمشید سریر سلیمان جاه آصف تدبیر مهر سپهر سلطنت وجهانبانی زیور سریر مملکت وگیتی ستانی آفتاب ذروه خلافت واقتدار گوهر گرانمایه بحر ایالت وافتخار
نور احداق السلطنه الباهره نور ریاض المعدله الزاهره عامر البلاد بمیامن الانعام مامن العباد بافاضه الاکرام قطب فلک العزه والشوکه مرکز دایره العظمه والسطوه	ناصب اعلام النصفه بالمرحمه الکامله رافع ارکان الرویه بالمعدله الشامله مفیض شآبیب اللطف والاحسان علی بساتین قلوب نوع الانسان	شاه دارای رای سلطان جهان آرای فلک تخت فریدون سپاه سکندر رایت جمشید دستگاه قدر قدرت قضا صولت کیوان رفعت مشتری سیرت بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت سهیل میمنت
اسوه اولاد السلاطین قدوه ابناء الخواقین باسط بساط الامن والیمن علی بسیط الباهره ناشر منشور العدل والبذل علی صفحات الدوله القاهره	سلطان ابن السلطان خاقان ابن الخاقان المنبسط فی نواحی البلاد آثاره الشایعه المنتشره بین الادانی والاقاصی من العباد انوار الساطعه	



صفات معظمات

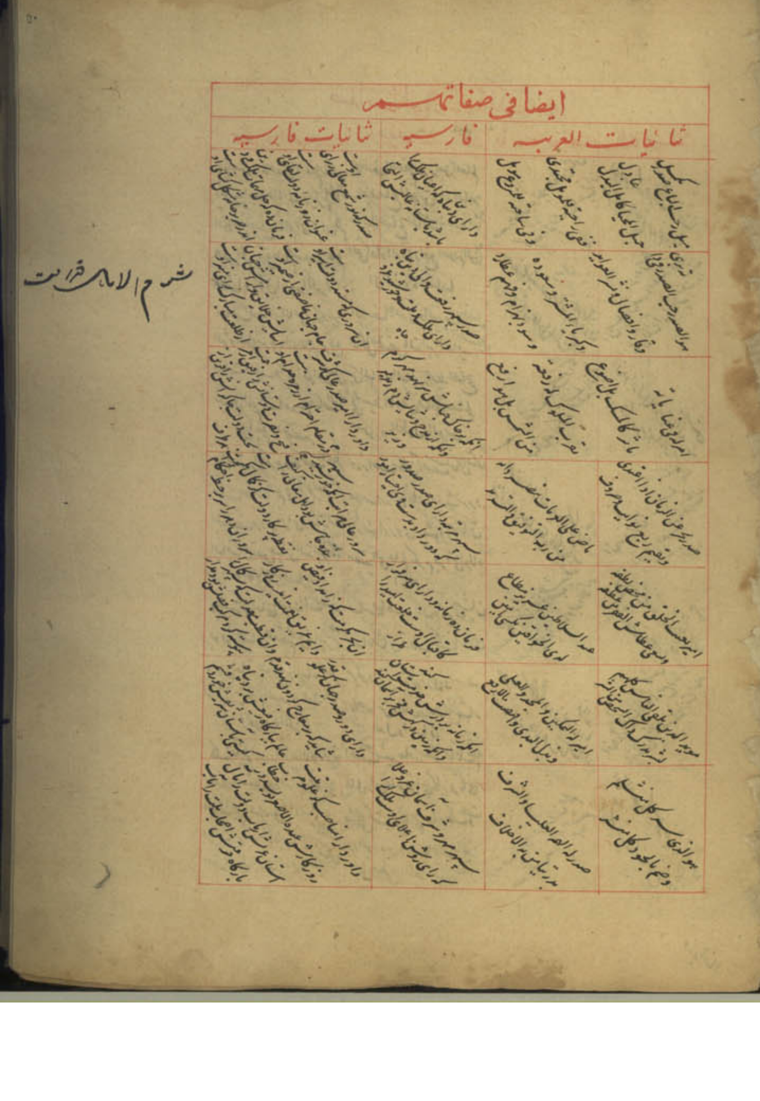
منثوره عربیه	وبعضها فارسیه	فارسیه	فارسیه
ملکه الملکات حاویه انواع المیامن والبرکات منتجه اعاظم الخواقین نقاوه اکارم الملوک والسلاطین نادره الادوار الفلکیه بارقه الانوار الملکیه	الملکه العظمی مظهر انوار الایاله الکبری دره تاج السلطنه الزاهره دری برج المکرمه الباهره بلقیس الزمان زبیده العهد والاوان	[illegible]	[illegible]
ملکه ملکات العالم خلاصه بنات حوا وآدم دره اصداف السلطنه العظمی دریه افلاک العلا والکبری بارقه لوامع الدوله الابدیه لامعه بوارق العصمه السرمدیه	صفوه سلاطین الایام منتجه خواقین الانام حامیه حوزه الایاله حارسه الممالک بجنود العداله النامیه فی جلباب الدوله الباهره الناشیه فی حجرات العصمه الزاهره	[illegible]	[illegible]
مالکه رقاب الامم ملکه ملکات العرب والعجم صافیه الصفات نضفاء الشیم سامیه السمات بالاقدام عالی الهمم نادره الرابعه بالهمم الثانیه الرابعه بالعصمه والعفه	نقاوه الملکات ذات المیامن والسعادات منتجه مقدمه الجلال مقدمه نتایج الکمال المختصه بعصمه الذات المخصوصه بمحاسن الصفات	[illegible]	[illegible]
ملکه سلطنت پناه مظهر لوامع عزت وجاه زبده حجله سلطنت وشهریاری زبیده حجره مکرمت وبختیاری بانوی عرصه جهان بلقیس حرمگاه عاطفت واحسان	مالکه الملکات المخصوصه باشرف الملکات نادره الاعصار خلاصه الدهور والادوار زبیده العصر فی استجلاب الکمالات بلقیس الدهر فی اکتساب اسباب السعادات	[illegible]	[illegible]
ملکه عصمت شعار مالکه عاطفت دثار فروغ باصره دین ودولت چراغ ایوان شبستان ملک وملت تخت نشین حجله عفت وکرامت زیور بخش حجره عصمت و[illegible]	نقاوه ملکات عالم خلاصه ذریات آدم صفوه معظمات زمان زبده کرمات عهد واوان سهیل یمن [illegible] زهره سپهر فلک شاهی وشهریاری	[illegible]	[illegible]

والحکام الکرام

ثنائیات العربیه	فارسیه	ثنائیات فارسیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفات الامراء العظام

مشورات العربیه	ایضا عربیه وفارسیه	فارسی	فارسیه
الامیر الاعدل الاعظم اعتضاد الامرا فی العالم ضابط قوانین الملک حمی الخلایق من درطاب المهالک عیش الدوله القاهره امین السلطنه الباهره غوث البرایا ناصر الرعایا	الامیر الاعدل الاحکم اعظم الامرا وامیر العظما بین الامم منطقه دروه البهاء والجلاله نقطه دایره الامارات والایالات الممالک الخاقانیه موی ارکان الدوله السلطانیه	[illegible]	[illegible]
امیر الامرا الکبیر الکبرا قطب فلک الاقبال والجلال محیط مرکز العظمه والاقبال نظام العباد والعباده قوام البلاد بحسن الایاله ضابط الامور مدبر مصالح الممالک والثغور	الامیر الاکرم ملک اعاظم الامرا لمعالی الهمم المستغنی فی نصره الدین وحمایه اهل الایمان عن اقام الحجه وایراد البرهان ملجاء المطلوبین بکفایه المهام موئل الملهوفین لرعایه والاهتمام	[illegible]	[illegible]
الامیر الاشجع الاقدم قدوه امرا العرب والعجم سلطان امرا المشارقین مدار ممالک الخافقین بلا دحسان الزمان مرجع امراء العهد والاوان	نوئین کامکار قدوه قهار مدرفیع مقدار عظیم قدر عالیشان مسند نشین شاه نشان صاحب سریر امارت کبری ناصب لوای ایالت عظمی	[illegible]	[illegible]
امیر امرا الافاق محی قواعد رسوم الاماره بالاتفاق مولی النعم علی کافه البرایا مولی الامام لحسن التحیه وعموم العطیه دیباچه قوانین الایاله فهرست آفاقین الاماره والجلاله	امیر عالی دارای عالم آرای بانی مبانی جهانبانی ممهد قواعد ملک ستانی داعی رعیت پناه حامی رعایت دستگاه موکد معاقد امارت وبختیاری مشید مراسم عدالت وکامکاری	[illegible]	[illegible]
الامیر الکبیر بصر الملک ایضا لحسن التدبیر ملجا اعاظم بنی آدم المرتقی علی مراقی الاماره ماقدام الهمم لیث الوغی فی المعارک غیث الندی علی اهل الممالک		[illegible]	[illegible]



ایضا فی صفاتهم

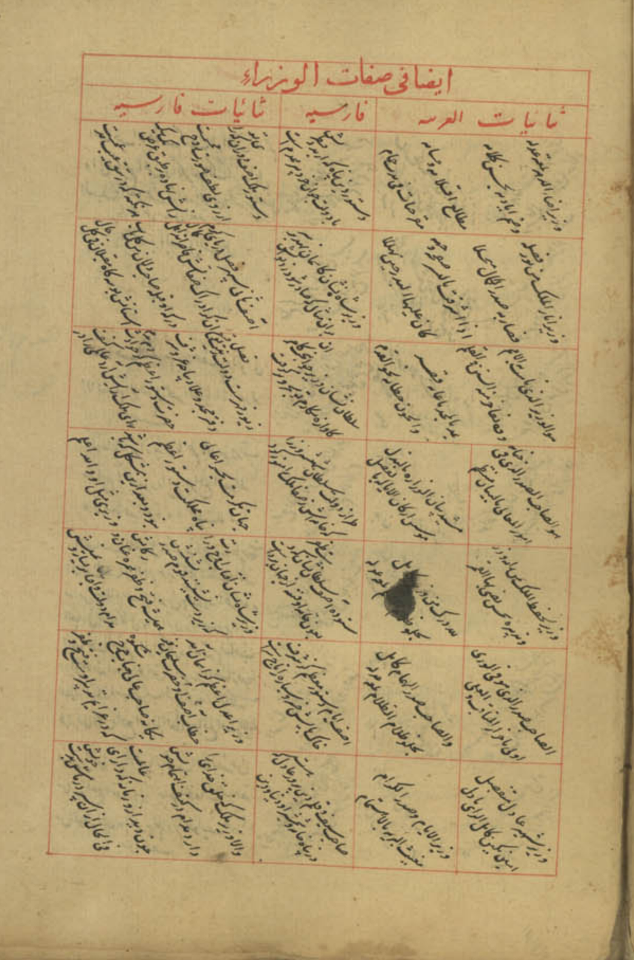
ثنائیات العربیه	فارسیه	ثنائیات فارسیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

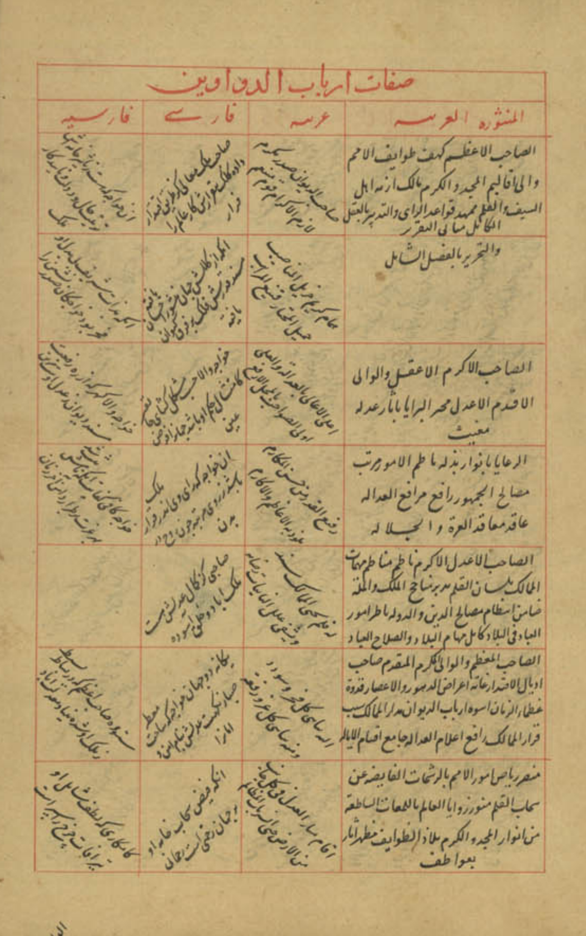
صفات الصدور

مشوره العربیه	ایضا عربیه وفارسیه	فارسی	فارسی
الوالی الاعظم والمعادل الاعدل الاقدم مشیر الدوله القاهره نایب السلطنه الباهره امین الخلفا وامین الخواقین مقرب حضرات الملوک والسلاطین	الصدر الاعظم الاقدم ملاذ جبابره الاعاظم باجماع الامم مالک ازمه المجد والجلال مالک ممالک الصداره والاجلال الدایم والقایم بالشرف الدایم	[illegible]	[illegible]
مقبول الدوله السلطانیه منظور الحضره الخاقانیه محرر مناصب الجلیه العلیه جامع المناقب الزکیه والمراتب السنیه کهف المله الزاهره موتمن الدوله الباهره	صدر الصدور امان الجمهور فی کل الامور مطرح الانوار السلطانیه بالشرف المخلد مرآت الانظار الخاقانیه بالمجد المؤبد ملجاء ارباب الملل موئل اصحاب الدین والدول	[illegible]	[illegible]
الوالی الاعظم مقتدی اعاظم الامم مهبط النظرات السلطانیه مطرح اشعه الملاحظات الخاقانیه المنظور علیه الانوار الابدیه المخصوص بمواهب الالطاف السرمدیه	صدر معالی پناه عالیجناب ایالت دستگاه متضمن انتظام امور عالم پناه اکابر عرب واعاظم عجم مظهر انوار نامداری مصدر آثار کامکاری وبختیاری	[illegible]	[illegible]
الصدر العالی ملاذ الاعاظم والاعالی مرتب قوانین الدوله باصابه تدبیره مزین اوضاع المله باقامه تقریره وافاضه تحریره ملک ازمه الصداره فاتحه الایالات والاماره	دارای صاحب رای والی مسند آرای عصام دولت قاهره قوام ملت باهره سهیل یمن دولت واقبال برجیس برج عظمت وجاه وجلال مهر سپهر شوکت مرکز محیط عظمت وسطوت	[illegible]	[illegible]
مدبر امور الممالک السلطانیه مرتب مهام الولایات الخاقانیه مجلی مرآت الدوله والاقبال محلی ارکان السطوه والاجلال مجیر الانام بانتظام اسباب الایاله ظهیر اهل الایام برعایه قوانین العداله	والی صدرنشین صاحب سریر عزت وتمکین معتمد سلاطین روزگار مشار ملوک عالیمقدار صاعد ذروه معالی ومناقب عارج رتبه مجد ومناصب	[illegible]	[illegible]

صفات الوزراء الکبار

مشوره العربیه	ایضا	فارسی	فارسی
الدستور الاعدل الاعظم مالک رقاب ارمه مطایا المجد والکرم الکافل الکافی لمصالح الامم الحاکم الناظم لامور الجمهور فی العالم سلطان اعاظم الوزرا وبرهان اماجد الکبرا	الاصف الاعظم مدبر امور العالم رابط مناجح الخلایق بآماله الباهره ضابط مصالح الممالک فی بسیط الباع العی کفاه الدنیا رافع اعلام الوزارة الی الذروة العلیا	[illegible]	[illegible]
صاحب الدیوان الاعلی مرکز دایره العز والعلی موئل ولاة الامم مرجع مبرات العرب والعجم احراغته المعالی معوالی الهمم الصاعدین مصاعد الدول الی اعلم القمم	الاصف الاعدل والوزیر الافضل الاکمل المختص بالتدابیر الصافیه المستفیض من المبادی العالیه رابط المناجح فی بسیط الارض ضابط مصالح المعموره بالطول والعرض	[illegible]	[illegible]
الدستور الاکرم والاصف الاعظم مسلت حقوق النعم فی الذمم بمعالی الهمم المنصف برزانه الرای ومتانه الروح الثاقبه المختص بمیامن التدابیر الوافیه والافکار الصایبه	وزیر اصف مکان آصف سلیمان نشان خلاصه وزرای آفاق وارث سریر وزارت از روی ارث و استحقاق مقتدای عالم بکرم کبرای اولاد آدم	[illegible]	[illegible]
الدستور العالی ناصب رایات المعفر بوفور المعالی المعتصم بحبل تدابیر الرشد شان معاقد الوزاره والپایه المنتظم برشحات اقلام المنیعه اسباب مناظم الجلاله والکرامه	صاحب صاحب قران وزیر عالیشان شاه نشان قطب ملک نامداری مرکز دایره بزرگواری واسطه افاضه امن وامان رابطه انتشار عدل واحسان	[illegible]	[illegible]
ملک اعاظم الوزرا ازمه الاکارم من العقل المستطر برزانه آرائه ضاوید العرب والعجم المتوسل براوب الآیه ارباب السیف واصحاب القلم السلاطین معتمد الدوله بالرای الرزین والفکر المتین	آصف جمشید جاه دستور ممالک پناه عالی رای عالم آرای کارفرمای مشکل کشای ناظم مهام ملک وملت مدبر امور دین ودولت خلاصه اماجد واکابر مطرح اشعه مناقب ومفاخر	[illegible]	[illegible]



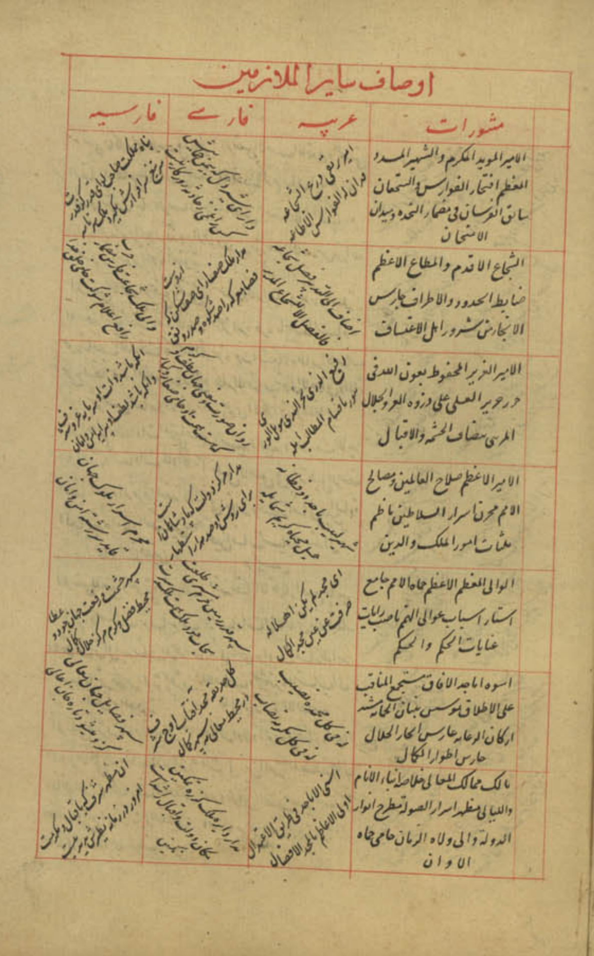


واوصاف اهل القلم

مشورات	عربیه	فارسی	فارسیه
الوالی الاعظم الاعدل الاکرم المطاع الافضل قائد ازمه المعالی واسطه انجاح مرامات العالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الشهیر المکرم والمطاع الاعظم کهف الانام لحسن التدبیر المتبوع لکل مامور وامر	[illegible]	[illegible]	[illegible]
المولی الاعظم الاعلم مدبر قوانین الفضایل والحکم لسان الدوله الزاهره ترجمان الحضرة الباهره	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مولانا الاحکم مستجمع بدایع الحکم مجمع الاداب والمعلوم مالک رقاب المنثور والمنظوم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الوالی الرفیع اولی الکبرا بالقدر المنیع منح مرامات السنیه وسیله حصول المرادات الکلیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مالک ازمه النسیان قاید اعنه افانین الکلام بالبیان منشی الممالک السلطانیه مشار العواطف الخاقانیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اشرف حامی الکتاب مظهر اسرار الکتاب فی الحساب فهرست صحایف الفضایل دیباجه ماثر المواهب والفواصل	[illegible]		[illegible]

صفات من يتعلق بالديوان

مسورات	مسورات	فارسیه	فارسیه
الصدر المكرم والاحص الارفع المعظم مشار ارقام الفيض على اوراق احوال الامم منبت رياض الافاضات مرشحات العلم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
المولى الرفيع والصاحب الشهير المنيع ممهد قوانين الدواوين رافع رقوم المجد على دفاتر العز والتمكين	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صاحب اعظم موسس مباني المجد والكرم ناظم الايات الباهرة في النظم الامور ناصب الرايات الزاهرة في رعاية الجمهور	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الصاحب العادل والصدر الفاضل جامع ايات الافتخار رافع رايات الاقتدار عون البرية ظهير الرعية	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الصاحب الرفيع والصدر الحسيب المنيع قدوة اشراف الاطراف اسوة المحققين بميامن العدل والانصاف	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الصاحب الاكرم الاعظم ملجا افاضل الامم مرجع الجمهور في نظم الامور ممهد قواعد السرور لارباب الحضور	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الصاحب المعظم مستكمل قوانين امور الامم كاشف غمة الامة باعلاء اعلام الاهتمام كافي مهام الانام باظهار الانتظام	[illegible]	[illegible]	[illegible]



اوصاف ساير الملازمين

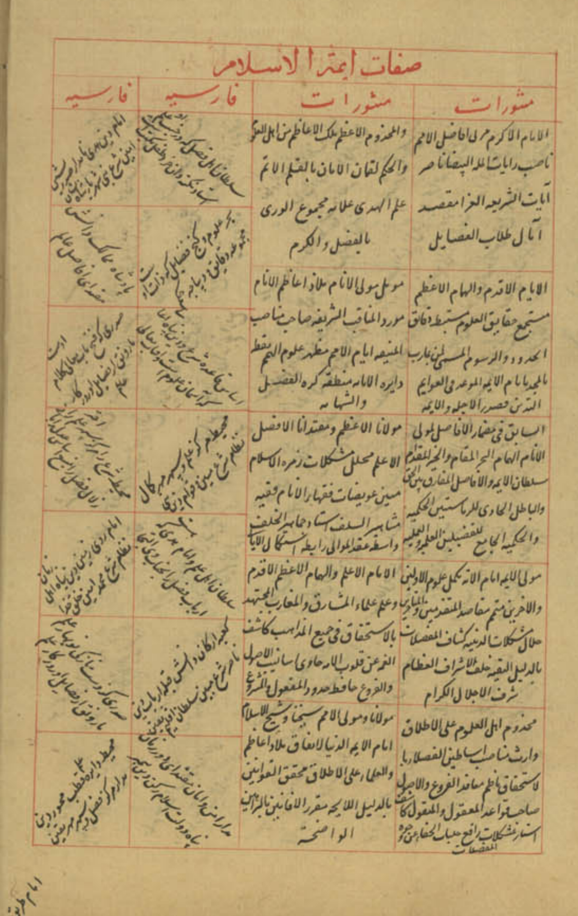
مشورات	عربیه	فارسے	فارسیه
الامير المويد المكرم والشهير المسدد المعظم افتخار الفوارس في الشجعان سائق الفرسان في مضمار النجدة وميدان الامتحان	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الشجاع الاقدم والمطاع الاعظم ضابط الحدود والاطراف حارس الانجارس شرور اهل الاعتساف	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الامير النزير المحفوظ بعون الله حرحوير العلى على ذروة العز والجلال المربى مضاف الحشمة والاقبال	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الامير الاعظم صلاح العالمين ومصالح الامم محرم اسرار السلاطين ناظم مناظم امور الملك والدين	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الوالي المعظم الاعظم ملاذ الامم جامع استار اسباب عوالي الهمم ناصب رايات غايات الحكم والحكم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسوة اماجد الافاق مستجمع المناقب على الاطلاق موسس بنيان الحشمة اركان الرعاية حارس اكثار الجلال حارس اطوار الكمال	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مالك ممالك المعالي خلاصة ابناء الانام والليالي مظهر اسرار الصولة مطرح انوار الدولة والي ولاة الزمان حامي جاه الاوان	[illegible]	[illegible]	[illegible]

صفات النقباء

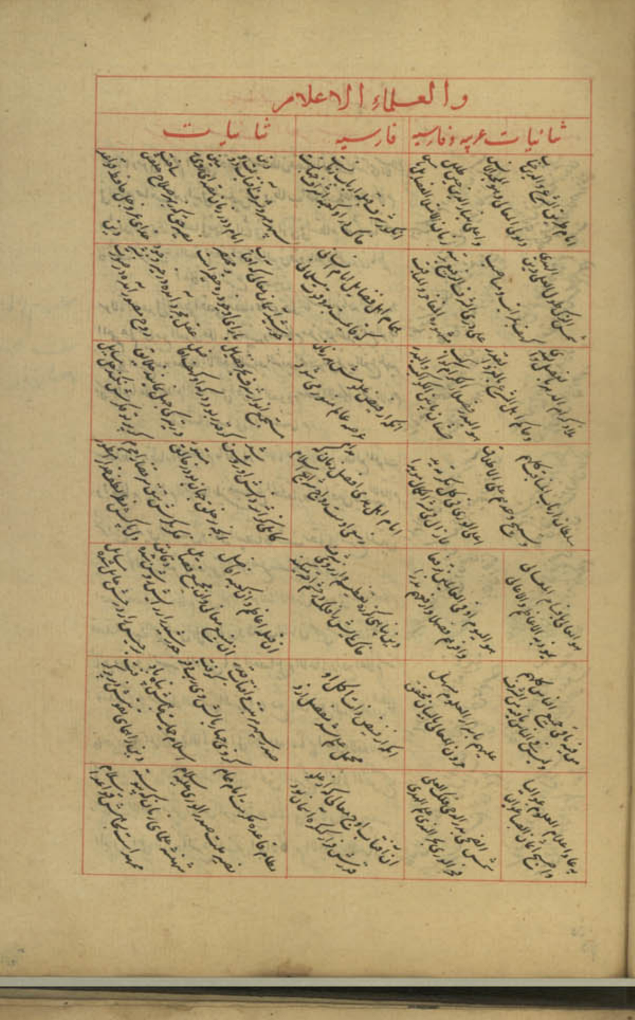
مشورات	مشورات	فارسے	فارسیه
مرتضى ممالك الاسلام موئل اعاظم النقباء العظام علامة الهدى سلالة الورى شرف ابناء الرسالة زبدة اسات النقابة والجلالة قدوة الزمرة العلوية اسوة العترة النبوية	المرتضى الانسب الاقدم والمجتبى الانسب الاكرم برهان اساطر الماء والطين وسلطان النقباء ونقيب نور عين الامامة عن نور الله امه	[illegible]	[illegible]
المرتضى الامجد الرفيع والمجتبى الاسعد المنيع نقيب نقباء الافاق محور مناصب السادات بالاستحقاق مروج انظار بدور العزة والجلالة مطلع انوار شموس النقابة والايالة	صدر الامة الباهرة بدر الملة الزاهرة طرة ناصية السيادة غرة جبهة السعادة طاهر الاحساب طاهر الانساب بنوى الاخلاق والماثر علوى الاعراق والمفاخر	[illegible]	[illegible]
ملك اعاظم السادات المتحلي باقسام الكرامات والسعادات ملاذ اكارم النقباء اسوة الزمرة المنتمية الى العباء زبدة اولاد السبطين قدوة امجاد الخافقين	السيد الحميد والشريف الايد جميل الاصل في ذاته جميل الوصف في اخلاقه وصفاته انسان عين السيادة عين انسان السيادة سند آل طه ويس	[illegible]	[illegible]
المرتضى المعلى والمجتبى المزكى خلف اعاظم الاسلاف شرف اشراف الاخلاف من آل عبد مناف عروة الارومة المكرمة الهاشمية خلاصة الجرثومة المشرفة العلوية والعلوية	نقيب نقباء الاطهار اقدم جماهير السادات في الافاق والاقطار الذي باهى براوت احسابه ظواهر الانساب واشتهر بالانتساب الى عالي جنابه كرم الالقاب	[illegible]	[illegible]
المرتضى الاشرف الافضل والمجتبى الاعظم الاكمل زبدة اماجد النقباء قدوة اعاظم النجباء ملاذ السادات الخافقين خلاصة دواوح الى تارك فيكم الثقلين مقتدى السادة ملجا ارباب السيادة	خلاصة اولاد الرسول نقاوة احفاد البتول زين العترة المصطفية جمال الزمرة الوافية الصفية سيد السادات العظام مجمع السعادات بين الانام	[illegible]	[illegible]

والسادات النجباء

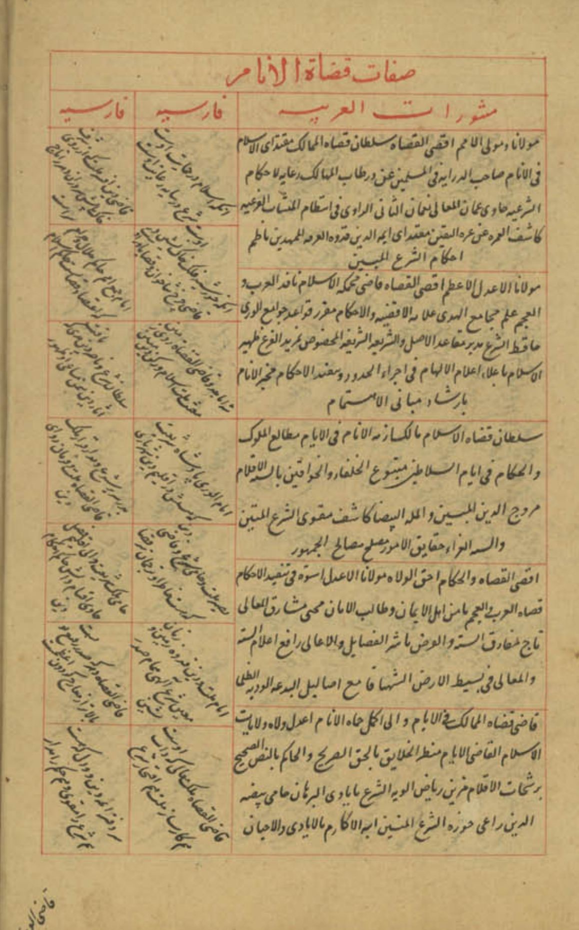
ثنائیات العربیه	فارسیه	ثنائیات فارسیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]



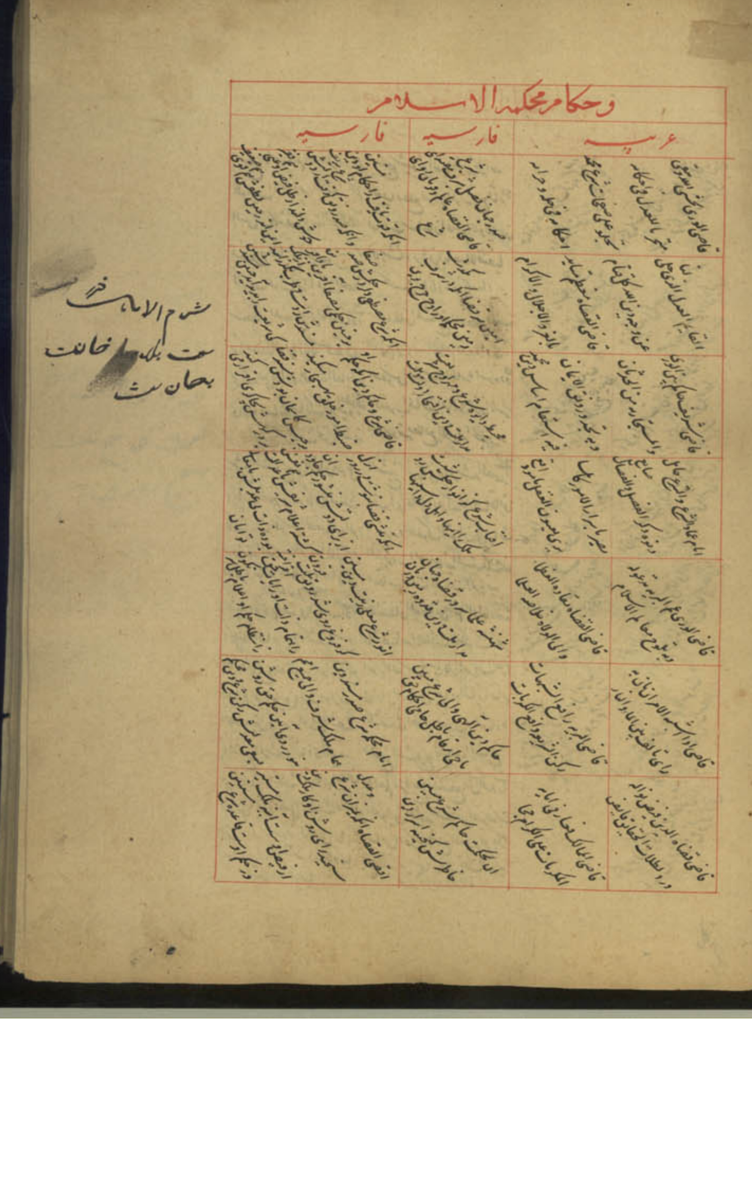
صفات ائمة الاسلام
مشورات
مشورات
فارسيه
فارسيه



والعلماء الاعلام
ثنائيات عربيه وفارسيه
فارسيه
ثنائيات



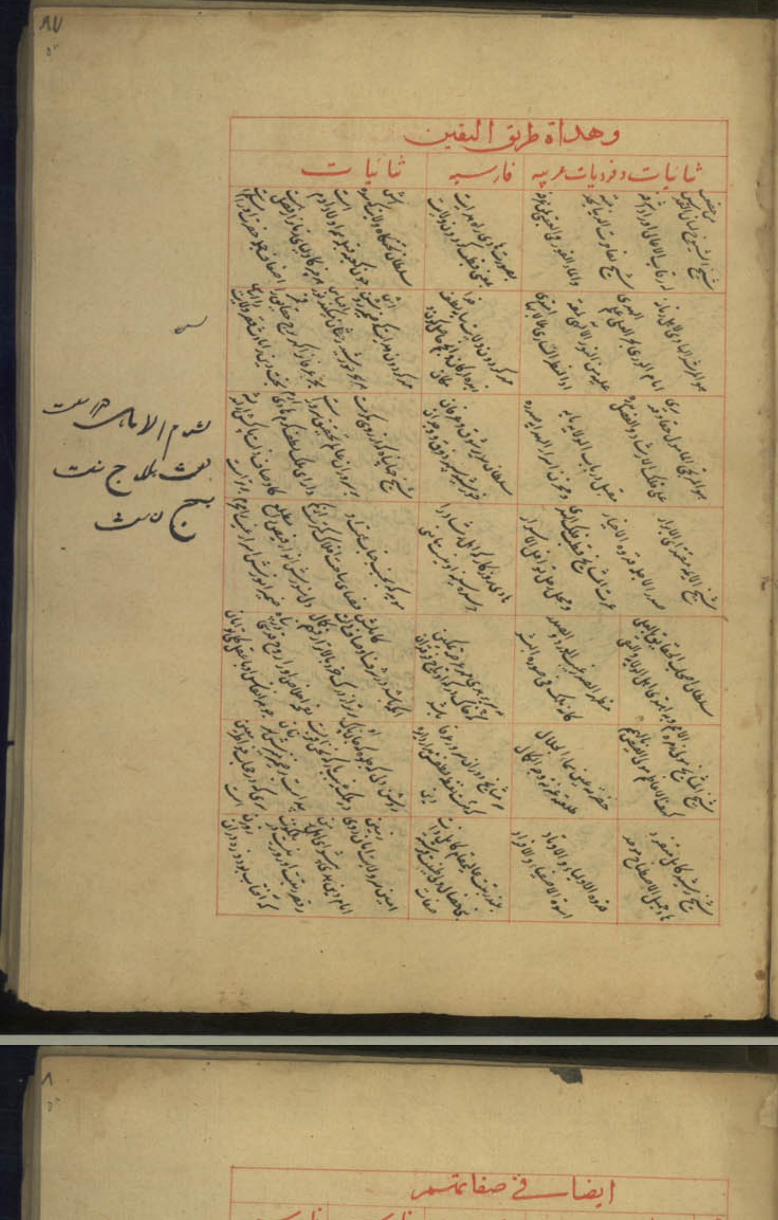
صفات قضاة الانام
مشورات العربيه
فارسيه
فارسيه



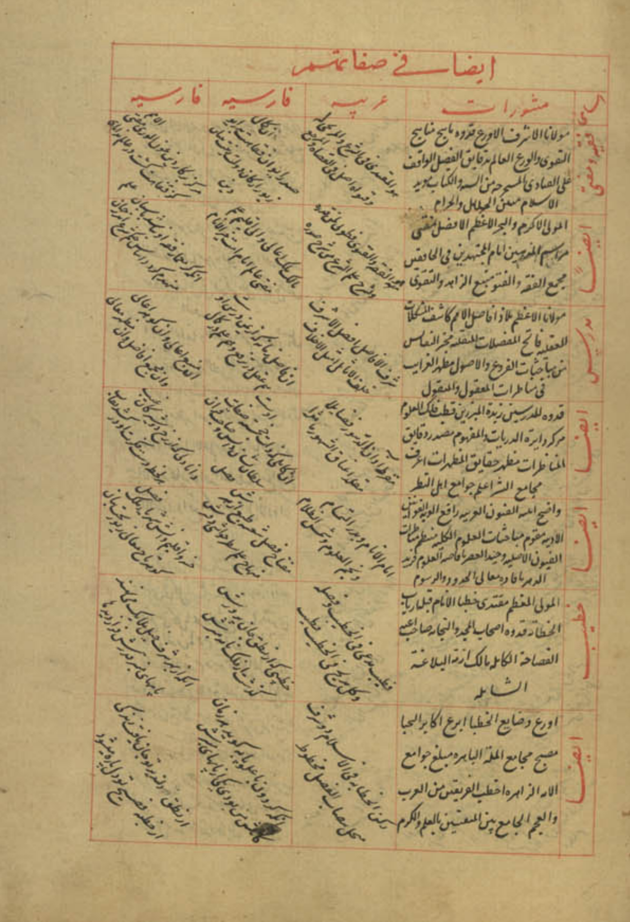
وحكام محكمة الاسلام
عربيه
فارسيه
فارسيه

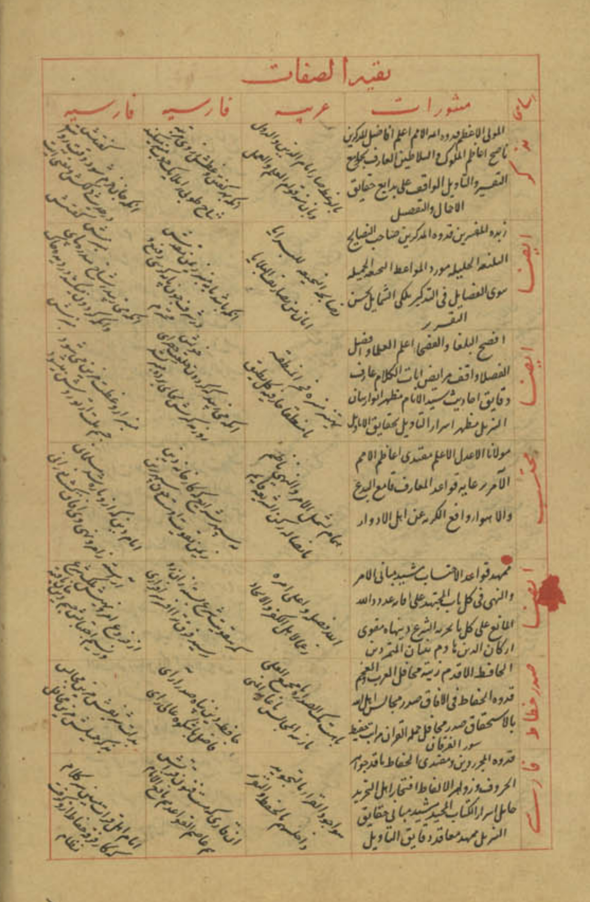
صفات مشايخ الدين

مسورات	مشورات	فارسيه	فارسيه
شيخ الاسلام الاعظم هادي طوايف الامم ناصر آيات الحكم السبحانيه كاشف آيات النعم الرحمانيه مفتاح مفاتيح الغيب فتاح خزاين لاريب غوث البرايا غيث العطايا	شيخ شيوخ الدنيا مظهر كلمة الله العليا مطلع انوار الكرام منبع آثار الالهامات سلطان اعاظم الاولياء يمين الارشاد و برهان اماجد الاصفيا لحسن الافاده والارشاد	[illegible]	[illegible]
سلطان المشايخ في الآفاق وارث مناصب الاولياء بالاستحقاق حجة الله على عباده رحمة الله الفايضه في بلاده سالك مسالك الشريعة والطريقة واقف مواقف الحق والحقيقة	سلطان المشايخ العظام قطب الايام ومرشد الانام قدوة اولي النفوس المقدسه الطاهره اسوه ذوي القلوب المتالهه الباهره مخزن الاسرار اللاهوتيه مطالع الانوار الجبروتيه	[illegible]	[illegible]
شيخ المشايخ في الزمان موصل ارباب العلم والعرفان المؤيد بالالهامات العرشيه المخصوص بالواردات القدسيه جار العوالي في جميع الاطوار جامع المكارم والمعالي في الزمان والاعصار	الشيخ الحقاني والمرشد الصمداني مقتدای اعاظم الملوك عارف دقايق الخدمه والسلوك المتوطن في قبابات السبحات السبحانيه المستهلك من انغاب لمعات الجذبات الربانيه	[illegible]	[illegible]
شيخ الانام مقتدى طوايف الاسلام الكل بدر الايام سوح الكشف منبع الالهام مجمع خصايص الموارث مجمع فضايل الروحانيين وارث موارث الصديقين واجد مواجد اهل الكشف القدس	سلطان المحققين خاتم الاولياء [illegible] كاشف اسرار الملك والملكوت ناظر انوار القدس في مناظر الجبروت القايم في محال القدس بالعباده السائر باقدام الكشف في اطوار الغيب والشهاده	[illegible]	[illegible]
الشيخ المرشد والهادي الموحد فرد الافراد قطب الاقطاب ترجمان الرحمن بالحكم وفصل الخطاب الفاضل عن المراكز الناسوتيه الواصل الى ذروة المعارف اللاهوتيه قدوة الاولياء قبلة الاصفيا	شيخ المشايخ الطود الشامخ والعلم الراسخ المنقطع عن الكدورات العوايق النفسيه المستانس لفيوضات الميامن القدسيه منبع العلوم الروحانيه مجمع الفيوض السبحانيه قطب فلك الهدايه مركز دايره الولايه	[illegible]	[illegible]



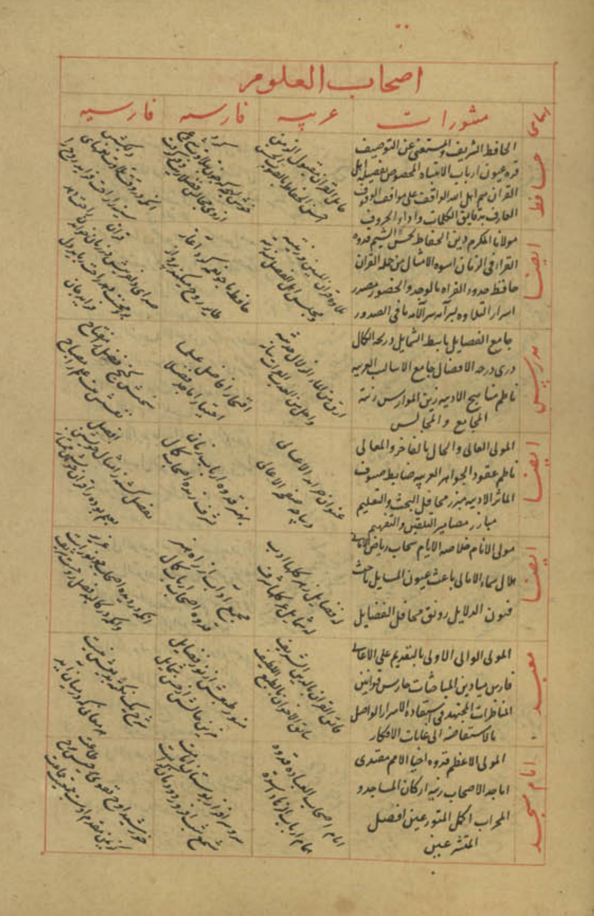






بقية الصفات

اسامی	مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه
[illegible]	المولى الاعظم قدوه امه الامم اعلم افاضل المذكرين ناصح اعاظم الملوك والسلاطين العارف بجوامع التفسير والتاويل الواقف على بدايع حقايق الاجمال والتفصيل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	زبده المفسرين قدوه المذكرين صاحب النصايح المنيعه الجليله مورد المواعظ الحسنه الجميله سوى الفضايل في التذكير ملكى الشمايل حسن التقرير	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	افصح البلغا والفصحا اعلم العلماء افضل الفضلا واقف عرايض ايات الكلام عارف دقايق احاديث سيد الانام مظهر انوار التنزيل مظهر اسرار التاويل بحقايق الاباطيل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	مولانا الاعدل الاعلم مقتدى اعاظم الامم الامر رعايه قواعد المعارف قامع البدع والاهوا رافع الكرب عن اهل الادوار	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	ممهد قواعد الاحتساب مشيد مبانى الامر والنهى في كل باب المجتهد على اقامه حدود الله المانع على كل ما يحرمه الشرع دبنها مقوى اركان الدين با دوم بنيان المتمردين	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	الحافظ الاقدم زينه محافل العرب والعجم قدوه الحفاظ في الافاق صدر مجالس اهل الله بالاستحقاق صدر محافل حمله القرآن مرتب حفظ سور الفرقان	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	قدوه المجودين ومقتدى الحفاظ ناقد جواهر الحروف وزواهر الالفاظ افتخار اهل التجويد حامل اسرار الكتاب المجيد مشيد مبانى حقايق التنزيل ممهد معاقد دقايق التاويل	[illegible]	[illegible]	[illegible]



اصحاب العلوم

اسامی	مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه
حافظ	الحافظ الشريف والمستغنى عن التوصيف قره عيون ارباب الانتباه المخصوص بفضيله اهل القران هم اهل الله الواقف على مواقف الوقوف العارف بدقايق الكلمات واداء الحروف	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	مولانا المكرم زين الحفاظ لحسن الشيم قدوه القراء في الزمان اسوه الامثال من حمله القران حافظ حدود القراه بالوجد والحضور مصور اسرار التلاوه ليراءه سر الاه ما في الصدور	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	جامع الفضايل باسط الشمايل دريحه الكمال درى درجه الافضال جامع الاساليب العربيه ناظم مناهج الادبيه زين المدارس زينه المجامع والمجالس	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	المولى العالى والحال بالمفاخر والمعالى ناظم عقود الجواهر العربيه ضابط صنوف الماثر الادبيه مبرز محافل البحث والتعليم مبارز مضامير التلقين والتفهيم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	مولى الانام خلاصه الايام سحاب رياض الاماني هلال سماء الامالى باعث عيون المسايل ناشر فنون الدلايل رونق محافل الفضايل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	المولى الوالى الاولى بالتقديم على الاعالى فارس ميادين المباحثات حارس قوانين المناظرات المجتهد في استعداد الاسرار الواصل بالاستعاضه الى غايات الافكار	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	المولى الاعظم قدوه احيا الامم مقتدى اماجد الاصحاب زينه اركان المساجد والمحراب الكمل المتورعين افضل المتشرعين	[illegible]	[illegible]	[illegible]



تتمه صفات العلماء

اسامی	مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه
امام مسجد	مولى الانام متبوع اهل الاسلام في الايام امام اهل الطاعه ناصب رايات المساعى في اقامه الجماعه مقتدى الامم مثبت الحقوق في الذمم	[illegible]	[illegible]	[illegible]
موذن	مولى المعالى مجمع المعالى موسس ابنيه الكرامه مشيد اركان الاذان والاقامه مصدر النفحات المحنونه في الترجيع مورد الالحان الموروثه بالصوت الرفيع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	مولى الشريف الاعلى من رتبه التعريف ميرصدر الازمنه والاوقات مراعى شرايط الاذانه والساعات ذو المحامد والمعالى وحر الايام والليالى	[illegible]	[illegible]	[illegible]
معرف	مولانا الاكرم جامع المعالى والحكم مقرر جرايد فصول التوصيف محرر صحايف اصول التعريف جامع اشتات الامور عارف مراتب الجمهور	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	المولى الوحيد الموالى بالتسديد قدوه اصحاب التعريف المصون ذهنه عن التحريف وكلامه عن التصحيف رابط نظم البدايع وفوايدها واسطه عقد الجوامع ونظامها	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اديب	المولى المكرم عديم العديل في العالم المتحلى بمحاسن الخلال السنيه المتخلى عن ذمايم الخصال الدنيه مجمع الاداب معقول قلوب الارباب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	المولى الاوحد والشريف الاسعد الاديب الارب لازم التوقير وواجب الترحيب عارف الاساليب الادبيه واقف القوانين العربيه ناظم دواوين الاداب جامع احاسن السوال والجواب	[illegible]	[illegible]	[illegible]



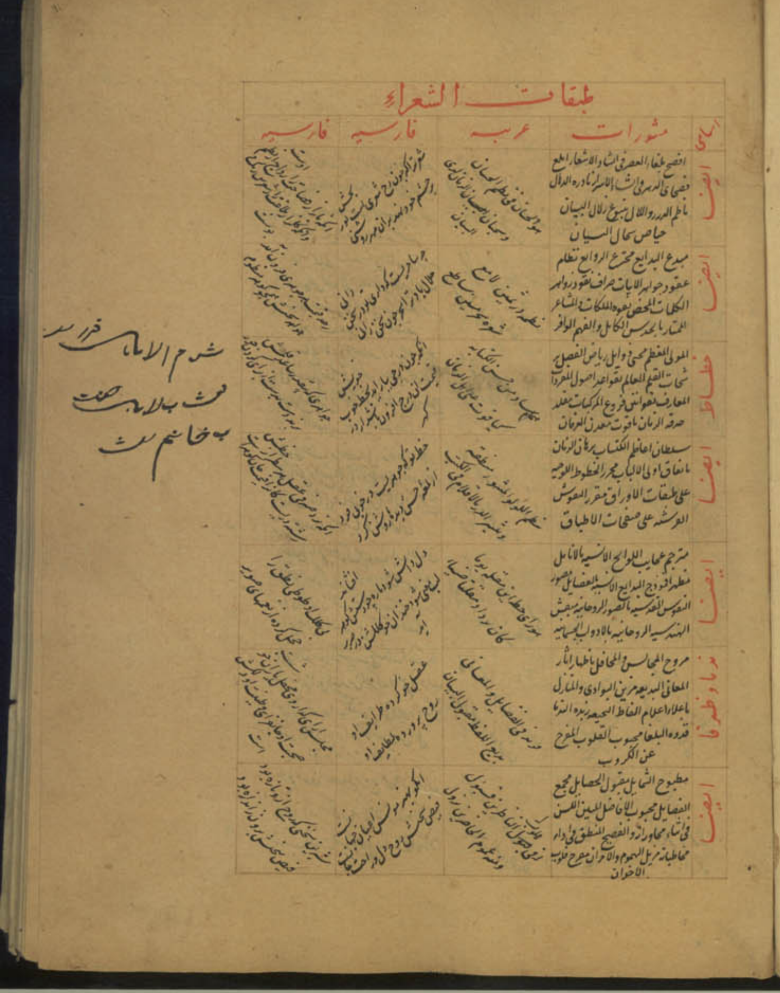
صفات الحكماء وطبقاتهم

اسامی	مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه
حكما	مولى الانام افضل اعاظم الايام اكمل الفضلاء كاشف اسرار المحققين سلطان اساطين الحكما مغيث النفوس اجماع العلما	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	مقتدى اكابر الامم برهان حكماء العرب والعجم افضل ارباب الفضل والحكم غايص بحار المعانى الحكميه بعلو الهمه حال جامع العقول كمال محافل اصحاب العقول	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	كشاف مشكلات الحقايق مفتاح مغلقات الدقايق ومعضلات الرقايق محرز نفايس اصناف الحكم محرم سراير خواص الحدوث والقدم عامه المطالب الروحانيه نهايه المقاصد الانسانيه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	البحر الاعظم والبحر الخضم ارباب الحكم سابق سباق العلم بسمو الهمه مكمل النفوس بجوامع الكمالات متمم فضايل العقول بترادف افاضات السعادات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اطبا	مولانا الاعظم قدوه اعاظم الاطباء في العالم مسيح الثانى مستخرج قانون المعانى نقاوه المجردات والماديات خلاصه البسايط والمركبات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	ملك ملوك الاطبا حاوى كمالات الاوليا جالينوس الزمان بقراط العهد والاوان واقف اسرار الامراض رافع استار الاعراض مسيح الزمان لشفاء نوع الانسان	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ايضا	المولى الاعظم مبارك الوجه والقدم راحه الارواح شفاء القلوب والاشباح وارث منصب جالينوس مزيل العوارض عن القوى دافع انواع الالام ساتى اصناف الاسقام	[illegible]	[illegible]	[illegible]



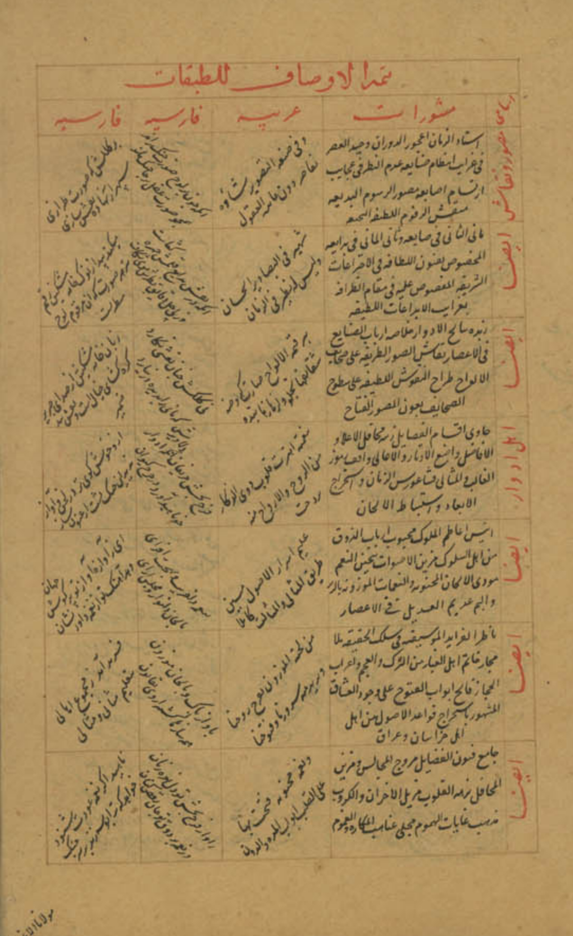
بقية صفات الحكماء وطبقاتهم

مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه



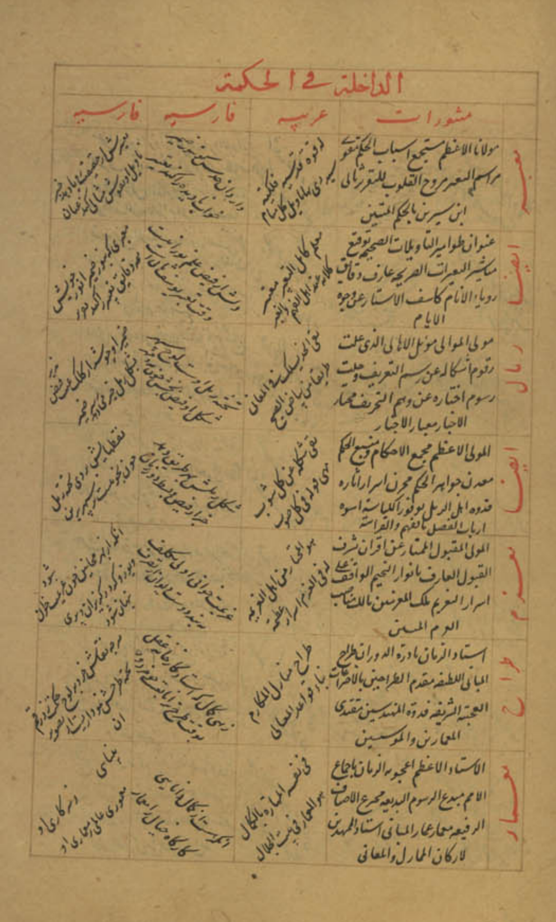
طبقات الشعراء

مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه



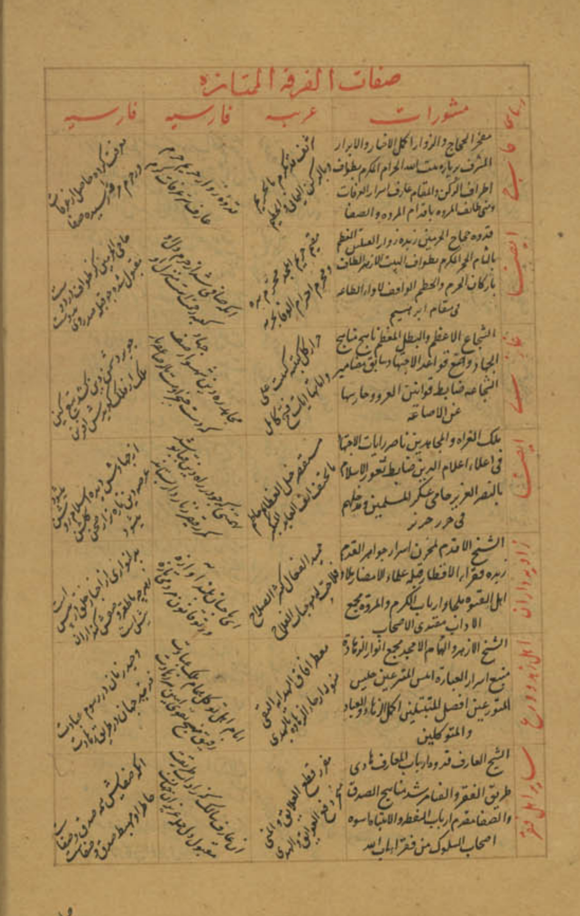
تمة الاوصاف للطبقات

مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه

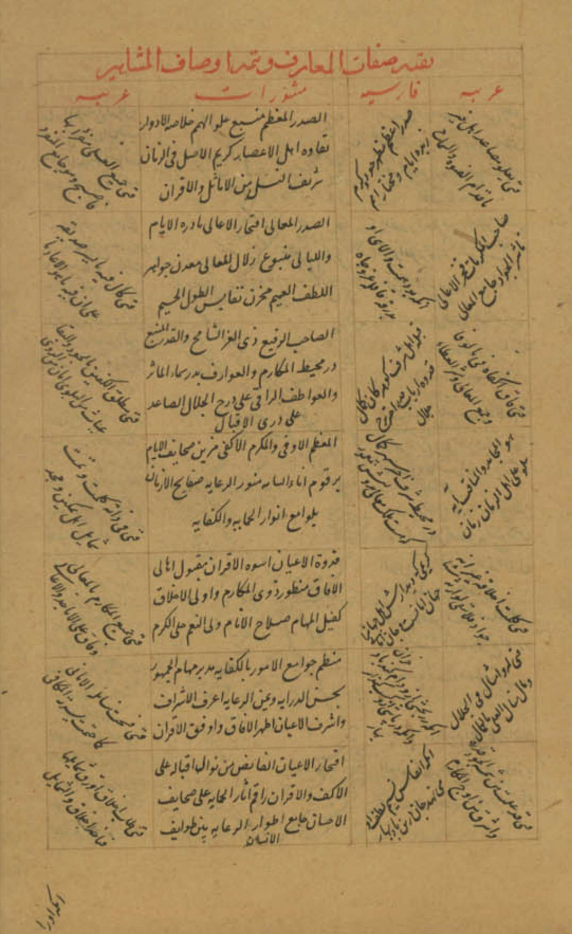


الداخلة في الحكمة

مشورات	عربيه	فارسيه	فارسيه


صفات الفرقه الممتازه
مشورات
عربيه
فارسيه
فارسيه


صفات الاصول والاعيان
اوصاف المعارف والمشاهير
مشورات
عربيه
فارسيه
مشورات

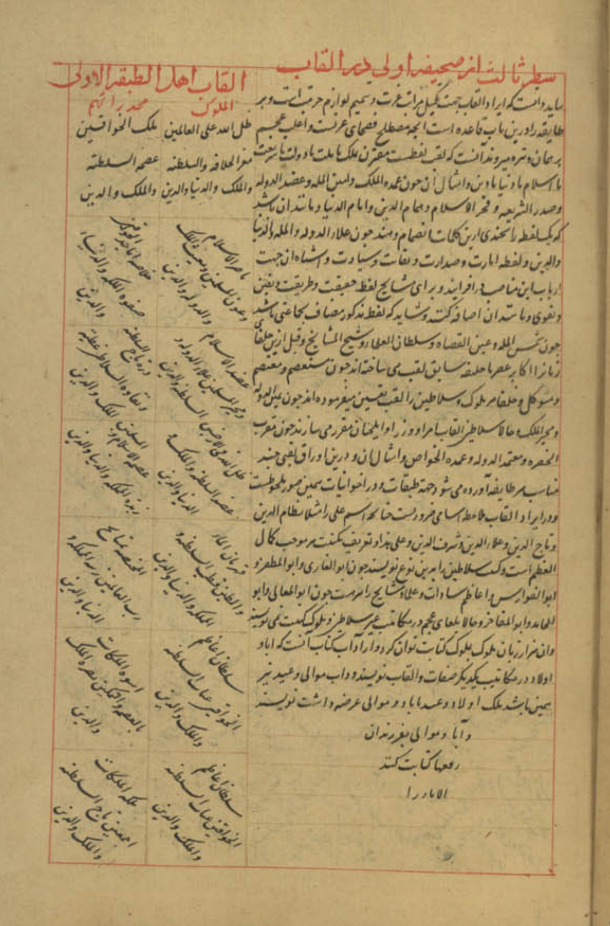

بقيه صفات المعارف وتمه اوصاف المشاهير
مشورات
فارسيه
عربيه


تمه المشاهير
اوصاف الممتازين في الطبقه الاوسط
فارسيه
مشورات
عربيه
فارسيه



اوصاف الاوساط — سایر العوام

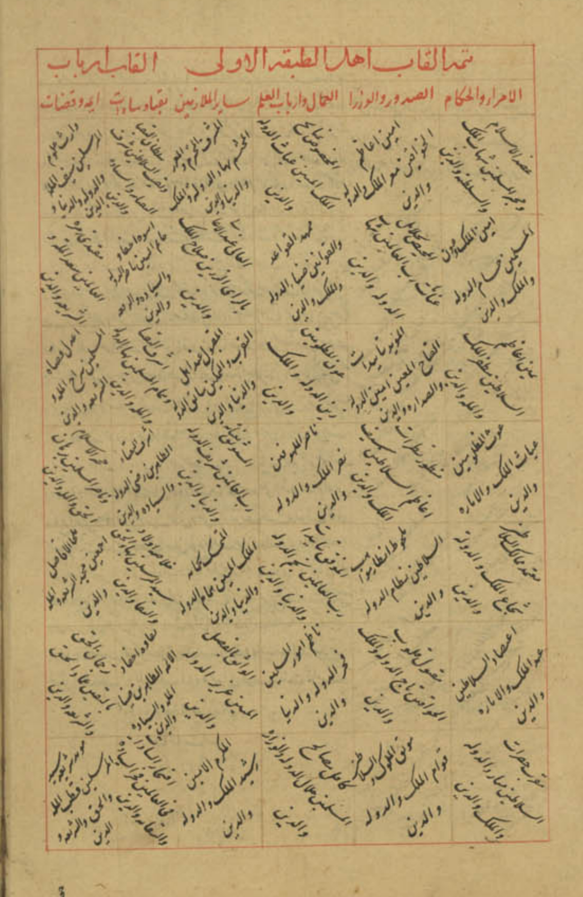
مشورات — فارسیه — مشورات — فارسیه

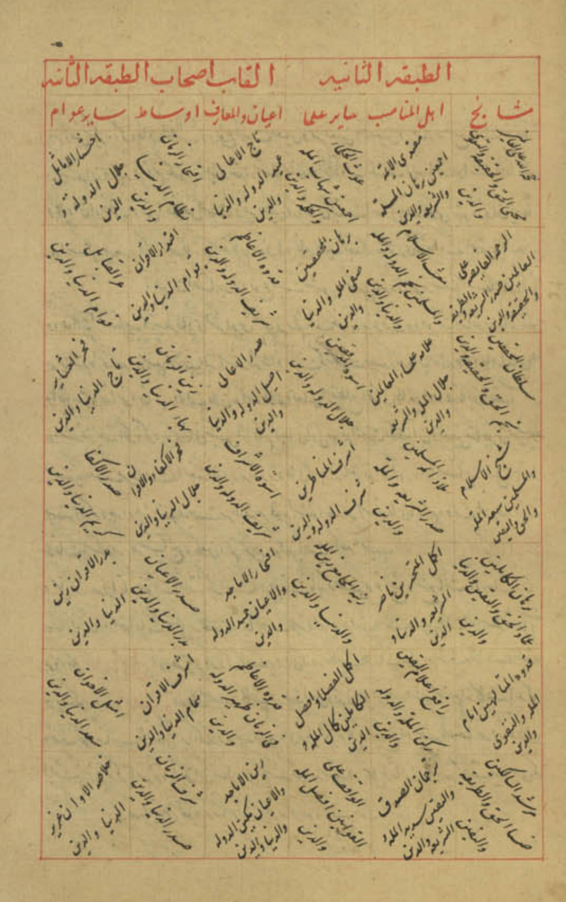


سطر ثالث از صحیفه اولی در القاب

القاب اهل الطبقة الاولی

الملوک — محدرات(؟)

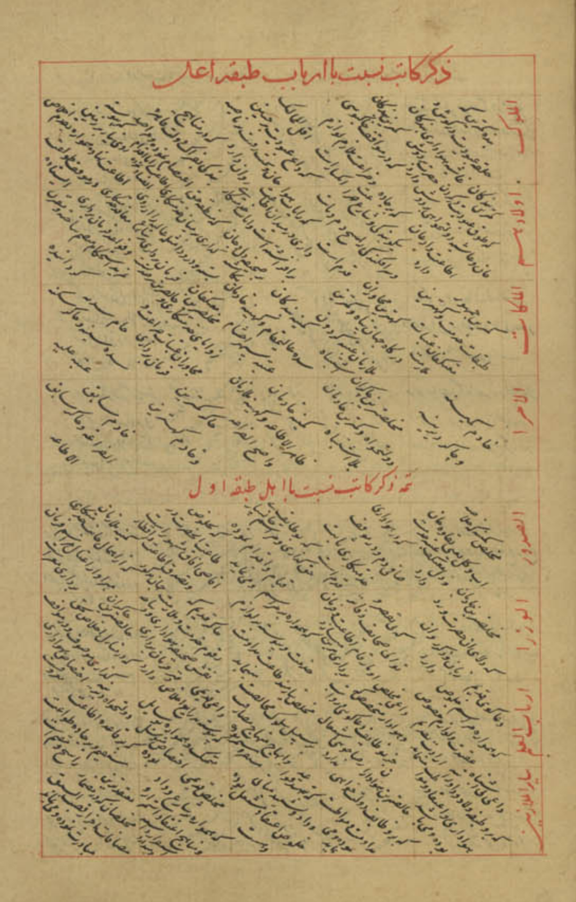




سطر رابع از صحیفه اولی در بیان ادعیه

معروض میگردد که دعا در مکاتب دو نوع است معین و غیر معین اما معین در چهار موضع باشد مفتتح مکاتیب و مختتم ان و بعد از نام مکتوب الیه و بعد از استدعای دوام ایام دولت مکتوب الیه یا در خواست ملاقات وی وان از مقوله عرض اخلاص است و غیر معین در اثنای کتابت احوال آورده می شود و ان یا دعا له است بعد از ذکر انچه لازم التعظیم بود یا دعاء علیه بعد از مذکوری که واجب التحقیر باشد دعوات افتتاحیه دو نوع است مشهور و اسهل و مرد و قسم بر سبیل استشهاد بجهت ذکر یافته و دعوات اختتامیه در سطر حادی عشر از ین صحیفه رقم ثبت خواهد پذیرفت و دعوات اثنایه در خاتمه مذکور خواهد شد و انچه بعد از اسم مکتوب الیه باشد شرط او انست که مکتوب مصدر بدعا نباشد و الا دعا در اثنای دعا واقع شود چنانچه افتاب دولت فلان مد الله ظلاله العالی از مطلع اقبال طالع باد و قدما این طریقه را مستحسن میداشته اند بجهت انکه ذکر دعای ثانی پیش از اتمام دعای اول موهم است بقطع آن و بعضی متاخرین این شیوه را پسندیده موجب مزید حرمت داشته اند و بر هر تقدیر دعای که بعد از نام توان آورد از افتتاح اسهل اخذ میتوان کرد چه ادعیه متنوعه جهت هر طبقه مرقوم گشته اما انچه استدعای دوام دولت یا در خواست ملاقات باشد در سطر سابع و ثامن رقم تحریر خواهد یافت والله المجیب **سطر خامس از صحیفه اولی در ذکر کاتب** و محل ان بعد از اتمام فقرات افتتاحیه است و در طبقات باید که مبنی بر تواضع و تخشع باشد و در حالات ان متفاوتست و در اخوانیات مشتمل بر محبت و مخالصت باید و از اثر مراتب است و بدین جهت این سطر مشتمل بر دو کلمه **کلمه اول** از سطر پنجم در ذکر کاتب بر وجهی که در مکاتیب طبقات توان داشت و مناسب هر طبقه در حرفی مذکور میشود **حرف اول** در بیان صفت کاتب در طبقه اعلی و چون اهل ان طبقه هشت قسم اند کاتب باید که وصف خود مناسب هر قسمی ایراد کند و هر چند درجه عالی تر باشد تذلل و خشوع او بیشتر باید چنانچه در جدول هر قسمی رقم ذکر یافته و در آخر این سطر ذیلی نوشته خواهد شد در محل اثبات رسم کاتب بر وجهی که قدما تعیین نموده و متاخران مقرر فرموده اند

ذکر کاتب نسبت با ارباب طبقه اعلی



حرف دوم در صفت کاتب نسبت طبقه اشرف مسمی بر خلوص عقیدت و صفای ارادت

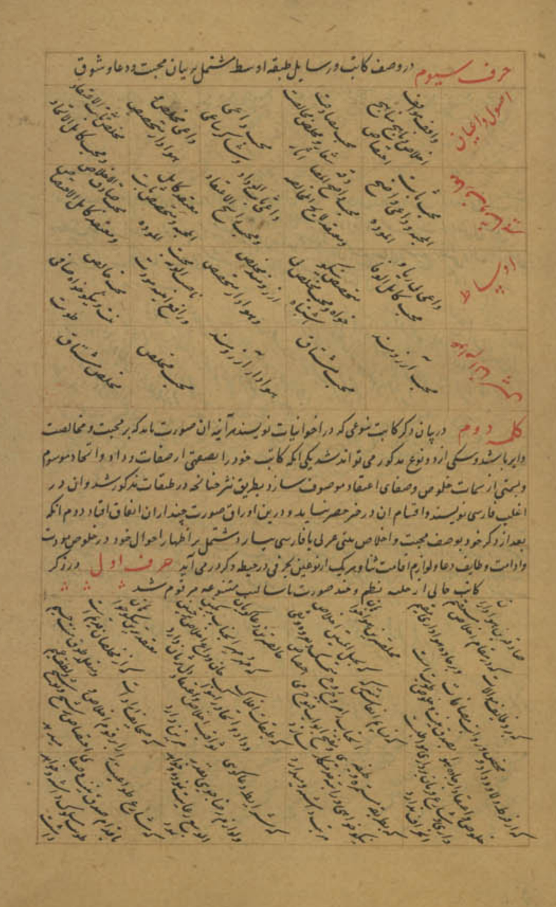
[illegible]	مخلص معتقد که علی التوالی صفحات ایام و لیالی را مزین بدعای دولت حضرت میدارد	[illegible]	[illegible]	معتقد نیکو خواه که در منهج دعا بصفت صدق و صفا موصوف و در موقف رضا بسمت حسن عقیدت معروفست
[illegible]	مخلص ترین هواداران که لیلا و نهارا دعای دولت اسلام پناهی ورد جان و سجه زبان دارد	[illegible]	[illegible]	که هواره وداد وش از مکدرات ریا خالی و معاقد اعتقاد وش بزیور صدق و صفا حالی است
[illegible]	خادم مخلص که دعای دولت شریعت پناهی را وسیله وصول امانی و ذریعه حصول اقبال و کامرانی میدارد	[illegible]	[illegible]	دعاگوی بی نفاق که بالعشی والاشراق بوظیفه دعای بقای آن حضرت مشغول است
[illegible]	مزید نیازمند که پیوسته از ضمیر منیر خداوندی مقتبس انوار معارف و ملتمس اسرار عواطف می باشد	[illegible]	[illegible]	مزید خالص که بالغدو والاصال سجده ذکر خیر بلا زبان عتبه مقدسه مامل احصاص میگرداند

ثم ذکر کاتب با طبقه اشرف بجهت هر یک یک مثال آورده شد دمن علیه الباقی

محتسب	قاری	حافظ	معرف	ادیب
مخلص بی اشتباه که پیوسته مفردات ابیات فضایل انجاب اشتغال نموده و می نماید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مزید معتقد که از مواعظ روح پرور و نصایح روح گستر انجناب همواره اقتباس انوار حقایق مینماید

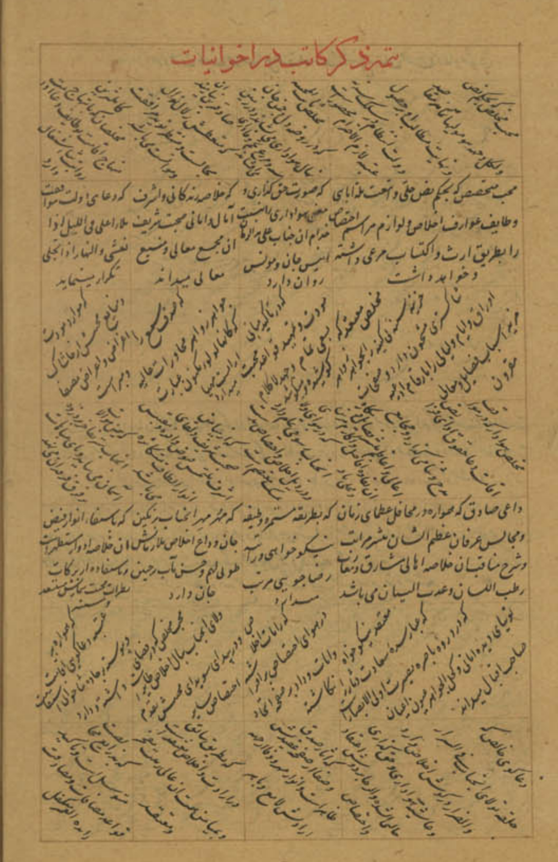
حکما	اطبا	کاتب	منجم	شاعر
که خلاصه مطالب دارین و زبده مارب مرابس امثال اوامر و نواهی جناب اسلام پناهی میدارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	محب معتقد که همواره بنشر آداب آن خلاصه احباب اشتغال دارد

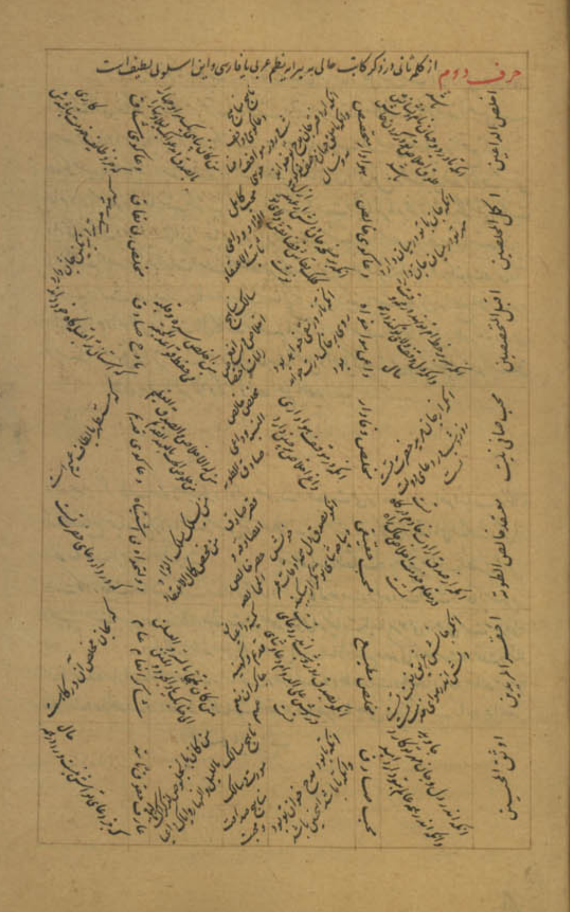
حاجی	غازی	زاهد	راویه دار	خرقه پوش
که علی الدوام از انوار اوقات و اسرار افاضت انجناب اقتباس حقایق مینماید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	که از انفاس قدسی آثار مضمون خبر معتبران من البیان لسحر بحیط فهم در آورده
محب صادق الاعتقاد که محرم حریم وداد و طایف کعبه خلوص و اتحاد است	[illegible]	[illegible]	[illegible]	فقیر مخلص که پیوسته خرقه اخلاص را برقاع اختصاص آراسته می دارد



حرف سیوم در وصف کاتب در رسایل طبقه اوسط مشتمل بر بیان محبت و دعا و شوق

کلمه دوم در بیان ذکر کاتب نوعی که در اخوانیات نویسند آیه ان صورت باید که بر محبت و مخالصت دایر باشد و یکی از دو نوع مذکور می تواند شد یکی انکه کاتب خود را بصفتی از صفات وداد و اتحاد موسوم و بسمتی از سمات خلوص و صفای اعتقاد موصوف سازد بطریق نثر چنانچه در طبقات مذکور شد و ان در اغلب فارسی نویسند و اقسام ان در حیز حصر نشاید و درین اوراق صورت چند از ان اتفاق افتاد دوم انکه بعد از ذکر خود بوصف محبت و اخلاص بیتی عربی یا فارسی بیارد مشتمل بر اظهار احوال خود در خلوص مودت و ادامت وظایف دعا و لوازم اقامت ثنا و هر یک از ین دو نوع بحرفی در حیطه ذکر در می آید **حرف اول** در ذکر کاتب خالی از حلیه نظم و چند صورت باسالیب متنوعه مرقوم شد





ذیل در بیان موضع نام کاتب ورد فارسیان ارا جهار محل مبین است اول در ذیل سطری که خود را ذکر میکند جون بنده کمترین وانجانام محرر باید نوشت واین صورت در مکاتیب اعاظم طبقه اعلی اتب باشد واولی دوم در ذیل سطر آخر مکتوب وانجا نام تنها نویسند بلکه صفتی شمل بر تواضع باوی باید جنانکه عبده الاقل یا داعیه المتخصص یا محبه المخلص وامثال این واین نوع برسایل طبقه اشرف نسبتی تمام دارد سوم برحاشیه مکتوب ازجانب دست راست وانجا نیز نام مجرد نشاید بلکه صفتی از محبت ویاری وشوق وهواداری بان انضمام باید داد جون محب مشتاق یا مخلص هواخواه وبا شران و این قسم مخصوص اخوانیات است وسلاطین یکدیگر برین وجه نویسند جهارم برظهر مکتوب وان نهایت رعایت اولیست وهرجند بکناره کاغذ ازجانب شمال کاتب نزدیکتر باشد بطریق تواضع اقرب بود وانجا نیز نام را بوصفی مناسب حال کاتب منضم باید کرد وکتاب اعراب نام را داخل سطور مکتوب می نویسند در محلی که لایق است وحروی ارکتابت اصل واصل کتابت می دانند جنانچه محبه المشتاق فلان یدعو بالخیر کذا وکذا والله اعلم بالصواب

سطر سادس از صحیفه اولی در ادای تحیات

وان بعد از ذکر کاتب مذکور میگردد واین صورت ار طبقات می تواند بود ودر اخوانیات از انکاتی که افتتاح تحیات نکرده باشد پس این سطر منطوی باشد بر دو کلمه یکی در تحیات طبقات ودیگی در انچه مناسب باشد با اخوانیات **کلمه اول** در تحیات طبقات ومستتر صاحب فطنت مخفی نیست که درجات تحیات بغایت متفاوت افتاده از انجا که خدمت وعبودیت است تا انجا که سلام وتحیت است پس هر طبقه را از طبقات ثلثه علیحده نوعی از تحیات باید وهر نوعی در حرفی سمت تسطیر خواهد یافت **حرف اول** در تحیات طبقه اعلی واساس ان بر جهار قسم بر بندگی وخدمت ورقیت وامثال ان باشد ومدار اقسام اربعه باجمعه بر اطاعت وضراعت ودعا ومدحت ومانند آن بود جنانچه غیر مره مذکور شده وتصرف در الفاظ وکلمات وتقدیم وتاخیر انها تعلق بذهن کاتب دارد والله اعلم بالصواب

التحیات للطبقه الاعلی

للملوک	لاولاد الملوک	للمعظمات	للامراء الکبار
قوایم سریر سلطنت بلب خضوع وخشوع مقبل وملثوم گردانیده مراسم بندگی ولوازم ضراعت	مراسم عبودیات ولوازم اطاعات وضراعات در پایه سریر اعلی که کعبه اقبال ومقبل اجلال است	مراسم خدمات بندگانه ولوازم عبودیات چاکرانه که سردفتر اوراد وادکار بالعشی والابکار میماست	قوایم مسند امارت بلب ادب ملثوم گردانیده مراسم اطاعت ولوازم استکانت وضراعت
سلقین اقبال والهام دولت زمین عبودیت بلب ضراعت مقبل ساخته وظایف عبودیت واستان بوسی	معاقد استکانت وقواعد بندگی وضراعت را بمزید استحکام مقرون ساخته بر رواتب نیاز	وظیفه چاکری ورواتبه خدمتکاری که ورد دایم بوده مرتب داشته رایج ضرایع وابتهال	مراسم چاکری ولوازم خدمتکاری که در زاویه ضمیر متمکن وراسخ است مجدد ساخته وظایف خدمت
سر مطاوعت برخط متابعت داشته وصفحات اوقات برقوم اذعان واطاعت نگاشته لوازم بندگی	تراب عتبه عالیه را ممسوح جبین ضراعت وملثوم شفاه اطاعت ساخته وظایف نیازمندی	قواعد بندگی ودولتخواهی بدعایم ضراعات نامتناهی مجدد ومؤکد داشته وظایف نیاز	زمین تواضع تقبیل نموده روایت ابتهال بزبان خضوع وخشوع

للصدور والمقربین	للوزراء الکرام	لارباب الدیوان	لسایر الملازمین
حاشیه بساط دولت روز افزون را بلب ادب زحمت تقبیل داده وظایف خدمت	خدمات موفور ودعوات نا محصور را وظایف مسکنت ورواتب نیاز واستکانت مقرون وشفوع ساخته	رسایل خدمات صافیه السمات ورسایل مدحات سالمه الصفات مصحوب زمره دعا وسفیر نیاز بجناب عالی	الوف خدمات وافیه وصنوف دعوات صافیه از روی هواداری وراه خدمتکاری اهب عالی
زمین بوس استکانت از سر خضوع وابتهال بالغدو والاصال برجناب جلال	سر اطاعت برخط هواداری نهاده وبتقدیم ضراعت در موقف فرمان برداری استاده دعای نیازمندانه درسلک	نسایم خدمات متواصله العقود وتمایم خدمات مترادفه الوفود ولدار حب دولتخواهی دریده ... عالی	اوراد خدمت وضراعت واذکار انقیاد واطاعت بکره وعشیا برقاعده قدیم وطریقه مستمره
وظایف رضاجویی وخدمتکاری وشرایط دعاگویی وفرمان برداری بسده رفیعه وعتبه علیه	در موقف خدمت واطاعت وموطن خضوع وضراعت وظایف دعا ورواتب سپاس وثنا	مراسم خدمات وروایت مدحات بوسیله ادراج اخلاص وذریعه اسعاد سفیر اختصاص بعتبه علیه	دعای مقرون بوظایف خضوع ومسکنت ثنای مشحون بلوازم خشوع واستکانت بر سده سامی

حرف دوم در تحیات طبقه اشراف و بنای آن بر دو نوع دعا و شمول ثنا باید باتفاوت درجات آن

للسادات والنقبا	للایمة والعلما	للقضاة والولاة	للمشایخ والهداة
بوحی وظایف دعوات که روایح صدق آن بروح و فواتح طیب آن معطر روضه صدق و فتوح باشد	براداء دعای که مطاوی نفحاتش نکهت اخلاص شامل بود و نجاوی نسماتش روایح اختصاص	صحایف شرایف دعوات لایحات و ظرایف لطایف مدحات لایحات مصحوب نسیم اخلاص و شمیم اختصاص	جواهر زواهر دعای که بر رشته صدق و صفا در سلک ارادت انتظام یافته باشد
بابلاغ طرایف تحیه که از نسیم روایح آن ریاحین انس نضارت پذیرد و شمیم فواتحش گلزار قدس طراوت گیرد	برانحاف مدحای که روایح ازهارش سبب تعطیر مجالس انس و فواتح انوارش موجب تعطیر محافل قدس باشد	لوایح دعوات معطر نسیم و مفاتح ثنای سحاب معنبر شمیم محمول حوامل سعادات ابدی و مشمول حصول مرادات سرمدی	دعوات که صفای صفوتش مزیل آثار کدورات علایق بود و مدحای که نقاب قطرش صیقل غبار ظلمات علایق باشد
برفع خدمات اخلاص شعار و عرض مدحات اختصاص دثار که منشور آن از بسرعت و منسوب آن بصفای طویت باشد مصحح	بعرض مدایحی که فواتح آن از روایح ریاض اخلاص حکایت کند و روایح آن آثار بدایع خاص از ول جان سیراب نماید	ثنای مزین بعیون لطف و دعای موشح بصنوف تودد و تالف مسراه قوافل نیاز و رواحل ضراعت	تحف تحیات صافی نژاد و اوراد سحر طرازان صوامع عبادت و طرف دعوات تراز اذکار سجاده نشینان محاریب ارادت

لاهل علوم النوعیه	لارباب المناصب الشرعیه	لاصحاب الحکمة والفضلا	لسایر هذه الطبقه
بعرض دعای جوش از سیاه دلگشای بحر نثار ثنای بهتر از شمایم راحت افزای گلزار طری مزاج	بنزاهی که از ریاض تحریرش نواتح اخلاص فایح دارد و حدایق تحریرش روایح اختصاص لایح باشد	طرایف دعوای خالی از حیلات ارباب تکلف و لطایف مدحای عاری از تکلفات اصحاب تصنع و تصلف	مدحای که مشارع آن از اقذار تکلف مصفی و دعوای که مشارعش بشمات تکلف تودد و تالف مود باشد
بتبلیغ دعای که اساس ادابش مبنی باشد بر حات اخلاص و اقتباس سوالش مبنی بود از نبات اختصاص	لوامع ثنای که پرتو ورودش معبد قدس را منور و فواتح دعایی که نفحه بهبوش مجمع انس را معطر سازد	تحیتی معطر شمایم انفاس محرمان حرم کرم و مدحی مطیب بنسایم نفایح محرمان بارگاه حکم	ثنای زیادت از حرکات افلاک و دعای افزون از مدرکات ارباب فهم و ادراک
باداء لطایف دعای خالی رشا اعراض و رفع وظایف ثنای صافی که از درت اعراض و اغراض	مدحای که منشور ورود آن حیاض اخلاص سقایت و دعوای که مصدر صدورش باس اختصاص بنهایت دارد	ثنای که از مضمون نشر ناشر مسیح سعادت خبر دهد و دعای که بر اشارات بشارات یمن و برکت اطلاع بخشد	دعای که زبان قلم و قلم زبان از تقریر احصای آن قاصر و ثنای که زبان بیان از تحریر تعداد آن عاجز و مقصر باشد

حرف سیوم در تحیات طبقه اوسط و آن مشتمل است بر تسلیمات باتشان مراتب و درجات

اصول و اعیان	معارف و سایر	اوساط الناس	سایر عوام
الوف تحیات شوق دثار و صنوف تسلیمات لطف آثار	تحیتی که محی مراسم مخالصت و ناشر لوازم مصافات و مصادقت باشد	سلامی مقرون بامارات پیوستگی و تحیتی مشحون بعلامات دلبستگی	سلامی موشح بانواع اشفاق و مرشح باصناف اشواق
سلامی مشتمل بر فنون تحسین و عوام و محمول بر صنوف شوق لا کلام	سلامی که آثار انوار محبت و ازدیاد مواد مودت از آن مستفاد گردد	تسلیماتی مبنی بر صدق وداد و تحیاتی مبنی از حسن اعتقاد	سلامی چون نور آشنایی سراسر روشنایی و چون مردم دیده مردم را پناهی
تسلیماتی مشتمل بر خلوص عقیدت و تحیاتی منطوی بر وفور وداد و محبت	تحیتی مزین بتمهید قواعد وداد و مشرف بتاکید مبانی محبت و اعتقاد	قوافل تحیت و سلام بار رواحل اشفاق و اهتمام	سلامی از وصف انتها مبرا و تحیتی از سمت انقضا معرا

نکته اگر در تحیات طبقات ملاحظه منصب مکتوب الیه نموده الفاظ مناسب آورده شود بطریق که راعی استهلال هر آینه موجب مزید حسن و لطافت خواهد بود مثلا جهت قاضی بر منوال بود که تحیی که کاتبان دار القضاء ازل فحاوی از ابصرق دعای مودت و و لا سجل گردانیده باشد و وکیلان محکمه قدر در روزنامه لم یزل مطاوی از ابتهور عدول محبت و و فا بذیل ساخته نشار مجلس اعلی میکردانند و برای مستوفیان دعوای که روزنامچه اتصال آن از حشو انقطاع منقح و مصون باشد و فهرست جامع الحساب حسن و فاش از عاد من ذلک تغیر و تبدیل محفوظ از ارسال میرود و در مکاتیب اطبا نسایم خدمات که چون روایح انفاس مسیح آثار مزیل اعراض و شافی اسقام و امراض باشد و علی هذا القیاس **کلمه ثانی از سطر سادس** در تحیاتی که مناسب اخوانیات باشد و هر آینه در مکاتیب باید که افتتاح بتحیات نکرده باشند و اسناف تحیات بجهة افتتاح در محلش رقم ذکر پذیرفته و از آن محل انعقاد که خواهند جهة این محل اهم میتوان کرد بابیات مناسب آن و اینجا بر نوعی چند از تحیات خالی از منظومات ثبت اثبات می باید تا این موضع از کسوت صورت آن عاری نماید والله الموفق والهادی و علی کرم العمیم اعتمادی

التحیات اللایقة بالاخوانیات

التحیات بنوع لطیف	بنوع الطف
دعایی که لمعات انوارش بصایر اولی الابصار را منور دارد و ثنای که نفحات ازهار اسرارش ارواح ذوی الاقتدار را معطر سازد بمجلس شامی که حرم کرم سده گرامی که مرجع امجاد عالم است	تحفه دعای که هر سحر گاه از منظره نصر من الله و فتح قریب چهره گشاید بلکه درگاه و بیگاه بر منصه و ما النصر الا من عند الله جلوه نماید
تحفه تحیات و تحیه دعوات که میامن مضافات از مطاوی آن ظاهر و نفایس موالات از مکامن آن سویدا و باهر باشد بمجلس رفیع که مرکز دایره امانی و مطرح اشعه دو جهانیست	تحیات فایضه البرکات و مدحات زاهره اللمعات بافایح مسایح ان ربکم فی ایام دهرکم بسده رفعت مآب مکرمت نصاب
وظیفه دعای که غبار شوایب برا زیال جلال آن نشسته و تحفه ثنای که رخساره حقیقت از آن جز دیده اولی الابصار نه بیند باستان سعادت نشان که مجمع اعالی و مرجع اهالیست	فوانح فواتح تسلیماتی که سایران مراحل فتوحات غیبی بامداد رفاقتش ان اتهاج مناهج ان تستفتحوا فقد جاءکم الفتح توانند نمود
جوامع ادعیه صایبه الاجابه و مجامع اثنیه واجبه الاصابه که ورود نسیم و صدور شمیم آن از موارد انس و مصادر قدس باشد بجناب عالی که کعبه ارباب الباب و قبله اصحاب آدابست	امداد دعای چون اثنیه سبحان صوامع المسجون بحمد ربهم و یستغفرون مقرون بقبول و امداد ثنای چون ادعیه مقدسان مجامع عباد مکرمون مستجاب و مقبول
لطایف دعوای که رقوم خلعت از خلال سطور آن باهر و حروف محبت از مطاوی کلماتش واضح و ظاهر باشد بجناب عالی و سده والا که مطلع کواکب اقبال و مجمع فضایل و افضالست	دعای که نهال کالش بر جویبار اصلها ثابت و فرعها فی السماء نشو و نما یافته باشد و ثنای که دوحه اقبالش در روضه افمن شرح الله صدره للاسلام پرورش یافته
اثنیه که از مطالع و مقاطع آن طوالع سواد اری لایح و از فواتح و خواتم آن رواتب خدمت حق گذاری باهر و واضح بود بمجلس معلی که قبله مقبلان و کعبه اصحاب دولتست	فنون دعوای که از ریاض بساتین اخلاصش نسیم اجیب دعوة الداع و از اثمار اختصاصش شمیم فاستجاب لهم ربهم بمشام قلوب احباب و ارواح اصحاب رسد
مدحی که نفحات سوابق محبت و وداد مشام جان خواص معطر دارد و خدمتی که بلمعات لواحق اطاعت و انقیاد سویدای دل خلان و خلان منور سازد بجناب رفیع که مهبط انوار و مجمع اخیار است	مدحی که روایح عرفانش از گلزار فاحبت ان اعرف رایح شود و تحیتی که فواتح روح و ریحانش از روضه و نفخت فیه من روحی فایح گردد

بقیة التحیات المناسبة للاخوانیات

بنوع آخر	المتفرقه
وظایف مدحت و ثنا و رواتب تحیت و دعا بر دست نسیم صبا بجانب آن کعبه عز و علا	لوامع رونق تحیات و جوامع فصول دعوات که سبب انتظام جواهر وداد و موجب اتساق مراسم اتحاد است
بر دعای که علامات اجابت آن مشاهده و معین و امارات استجابتش مقرر و معین باشد	نفحات نسیم اخلاص و فوحات شمیم اختصاص مقرون برواتب تسلیمات و مشحون بمیامن تکریمات
بر تبلیغ رشحات خدمای که منبع و مورد آن حیاض اخلاص بود و تقریر نفحات مدحای که مصدرش ریاض اختصاص باشد	تحفه سلامی که پایمال اقدام اقلام و دست زده چابکان کارخانه خواطر و افهام نگشته باشد
بر اتحاف تحیتی که از مطاوی آن فحاوی خلوص نیت و از مفهوم ایرادش امداد صفای طویت مستفاد و معلوم گردد	جواهر زواهر تحیات و درر غرر تسلیمات که از معادن اخلاص و مخازن اختصاص بیرون آمده باشد بمجلس عالی
بر اقامت دعای چون سینه صافی صوفیان از شوایب کدورات خالی و مانند دیده شهود عارفان بمشاهده انوار مشاهد تجلیات خالی	صحایف دعوات مستجابه و لطایف تحیات مستطابه آناء الصباح و اطراف المساء طبق نیاز و دعا
بر تمهید مبانی دعای دوام ایام بقا و تاکید قواعد ثنای جناب عالی خالی از شوب و ریا	طرف دعوات نامیات و تحف تحیات وافیات با قوافل خلوص جانی و رواحل خصوص روحانی بسده سنیه
بر رفع سلامی مبرا از قیود عبارات و تقریرات اهل تکلف و مبرا از حدود اشارات و تحریرات ارباب تصلف	دعای که به تاثیر خلوصش غره روز وفاداری منور و بر روایح خصوصش طره شب حق گذاری معطر باشد بجناب رفیع

سطر سابع از صحیفهٔ اولی از بیان عرض اخلاص

ومحل آن بعد از ادای تحیات است وعرض اخلاص چنانچه در رسایل بلغا ومکاتب فضلا بتطرد آن ناسته های دوام ایام دولت مکتوب الیه یا ادامت بر شرح مناقب وشرح مناصب او با توجه تمام بحصول مجاورت در اخوانیات وبدین سبب این سطر نیز منطوی باشد بر دو کلمه کلمهٔ اولی در آنچه مناسب طبقات تواند بود ومشتمل بر سه حرف حرف اول در عرض اخلاص بنسبت طبقهٔ اعلی ومدار آن بر استدعای از دیاد دولت وتضاعف حشمت باشد وبرای اتمام سخن درین قسم کلمه چند منظوم یا منثور بطریق دعا لازم است

ودو فصول بمجاورت شود در هر یک ازین اصناف ثلثه ... هم در طبقات ثلثه

للملوک — تمام الکلام

واستعلای مراتب دولت ارکان قاهره وارتقای مناصب اعیان حضرت باهره بخلوص نیت وصفای طویت از بارگاه مجیب الدعوات عرش‌شانه استدعا می‌نماید

وبعد از ادای مراسم سنت وفرض از حضرت بدیع السموات والارض دوام عهود سلطنت وجهانبانی وقوام حدود خلافت وسلطان‌نشانی را مسئلت می‌باشد

ودوام ایام سلطنت وشهریاری وخلود عهود خلافت وجهانبانی بندگان حضرت اعلی که متضمن صلاح حال ونجاح آمال عباد است از حضرت مبدع البرایا مسئلت می‌نماید

وانتظام رتبهٔ خلافت واتساع عرصهٔ سلطنت که متکفل صلاح احوال اهل عالم است ومتضمن نجاح امور جمهور بنی آدم بالعشی والاشراق از حضرت فیاض علی الاطلاق درمی‌خواهد

للاولاد السلاطین — تمام الکلام

ودر طی مناجات سحرگاهی از لطف پادشاهی حضرت الهی استدعا می‌رود که لحظه بلحظه آثار سلطنت تازه وانوار عظمت بی اندازه در صفحات ایام دولت همایون ظاهر وباهر گردد

واز وهاب بی منت وفتاح منزه از سمت صفت مسئلت می‌نماید که بندگان دولت قاهره بعون عنایت ربانی ومدد حمایت سبحانی سر دشمنان در زمین آورند جناب جلوه زیر نگین آورند

وبهنگام سحرگاه از بارگاه عنایت حضرت اله درمی‌خواهد که ابرار بیح سکون در تحت فرمان همایون باشد ومراسم سلطنت وکشورگشایی وآیت ابهت وفرمان‌روایی از نکبت زوال واشتعال محروس ومصون

واز درگاه واهب العطیات وفیاض البریات مقدس ذاته ومنزهت صفاته مسئلت میرود که تمام معمورهٔ اسلام در حوزهٔ تسخیر واقتدار بندگان حضرت صعبت استقرار پذیرد



للکلمات — تمام الکلام

واز حضرت وهاب الامال که بخشنده سعادات جاودانی وبرآرنده مرادات دوجهانیست مزید جاه وحشمت ودوام عصمت وعظمت آنحضرت درخواست می‌نماید

ودوام دولت ابدپیوند که غرهٔ سلطنت بانتظام آن منور ومعلی وخلعت مملکت بطراز اتساق اسبابش مطرز ومحلی است از درگاه الوهیت مسئول

وبتضرع وزاری از حضرت باری عز ذکره دم بدم خلود ایام سلطنت ودوام اسباب عظمت که کافل صلاح عموم رعایا ومشتمل بر نجاح کافهٔ برایاست درمی‌خواهد

للامراء والحکام — تمام الکلام

واستحکام مبانی امارت ونامداری وانتظام معاقد ایالت وکامکاری بدعوات سحرگاهی از حضرت الهی که فیاض فیوض نامتناهی است می‌طلبد

ودوام اتساق امور دولت وخلود انتظام مهام حشمت وشوکت آنحضرت را از بارگاه واهب الرغایب ومسبب الاسباب جل شانه وعظم سلطانه مسئلت می‌سازد

ووظیفهٔ دعا وراتبهٔ ثنا که برکافهٔ انام عین فرض وفرض عین است لیلا ونهارا وسرا وجهارا استعمال نموده دولت حضرت امارت‌پناهی بدعای سحرگاهی از عنایت بی‌غایت الهی درمی‌خواهد

للصدور وارکان الدولة — تمام الکلام

وهمواره انتظام امور صدارت‌پناهی از بارگاه الهی بدعا ونیاز سحرگاهی که آن زمان نبود در ره دعا بوده مسئلت مینماید

واستعلای مراتب جاه وجلال وارتقای مناصب اعزاز واجلال آنحضرت را از بارگاه عطیات آله که به شب ومال درگاه استدعا مینماید

وآناء الصباح واطراف النهار از حضرت مبدع الارواح وفاطر الاشباح تضاعف انوار دولت وترادف آثار مکنت آنحضرت بر منوالی که دل موافق اوست درخواست می‌کند

للوزراء واعیان الحضرة — تمام الکلام

وصحایف اوراق زندگانی بدعای ایام کامرانی واستدعای مزید دولت ورفعت دوجهانی موشح ومرشح میدارد

ودعای دولت همایون وحشمت روزافزون که واسطهٔ صلاح رعایا بلکه رابطهٔ نجات کافهٔ برایاست بعد از رواتب فرایض ووظایف نوافل با دا می‌رساند

ودعای دوام ایام وزارت وامالت وخلود افاضات آثار نصفت وعدالت آنحضرت را فی کل الازمان از صمیم دل وجان با دا می‌رساند

لاهل الدیوان وارباب القلم — تمام الکلام

واستدامت مهام دولت واستقامت امور حشمت که وسیلهٔ آسایش رعایا وذریعهٔ آرامش برایاست از ملک اعلی استدعا میکند

وعلی التوالی از ملک متعال تعالی شانه وتوالی احسانه تضاعف مواد مجد واقبال وتضاعف امداد جاه وجلال زمان اتصال مسئلت می‌نماید

وبالغدو والآصال از روی نیاز وابتهال دعای که آنجناب را سبب ترقی بر مدارج رفعت باشد بارگاه رفیع الدرجات رفع میکند

لسایر الملازمین — تمام الکلام

ودر جمیع احوال سرمایهٔ امانی وآمال دعای دولت آنجناب شناخته واز اوراد زبان ووسع روان ساخته

وفی السراء والضراء بدعای مزید جاه وجلال وازدیاد دولت واقبال اشتغال مینماید

واز خزانهٔ افضال مبدع لایزال انتظام مهام دولت واقبال وازدیاد مواد جاه وجلال آن عدیم المثال سؤال می‌نماید

درعرض اخلاص بروجهی که مناسب طبقهٔ اشرف باشد وآن استدعای دوام جاه وحشمت مکتوب الیه است یا ادامت بر شرح مناقب ومراتب با توجه مروت ومحبت ودرین نوع کلام گاه دعا باشد وگاه نعران والله المستعان

للنقباء والسادات — تمام الکلام

وآناء اللیل واطراف النهار بمتابعت زمرهٔ ارباب وموافقت فرقهٔ المسبحین بالاسحار بر ادعیهٔ دوام ایام سعادت انجام مواظبت نموده ومی‌نماید

واز سر عقیدت خالص ومحبت صافی بدعای دوام دولت نقابت‌پناهی که صلاح معایش وفلاح بی‌تناهی بران متفرع ومترتب است اشتغال می‌نماید

وعقیب الصلوات از حضرت مجیب الدعوات دوام اسباب کامکاری ونظام مهام بختیاری ملازمان سیادت پناه را مسئلت می‌باشد

للائمة الاجلة القضاة — تمام الکلام

وبزبان ثناخوانی بی شایبهٔ تهاون وتوانی دعای ادامت ایام معالی وفضایل آن مقتدای افاضل واعالی وظیفهٔ اسحار بل راتبهٔ لیل ونهار دارد

واز حضرت واجب الوجود ومفیض الکرم والجود تمهید ارکان دین‌پروری وتشیید مبانی شریعت‌گستری آنحضرت را از درگاه الطاف باری بزبان تضرع وزاری درمیخواهد

ودوام دولت ایام افاضل‌پناهی از بارگاه الطاف الهی در دعوات سحرگاهی بطریق نیاز پادشاهی درخواست می‌نماید

للقضاة والامناء — تمام الکلام

وبادعیهٔ صبح وشام دوام انتظام مهام مهام شریعت‌پناهی که در ضمن آن صلاح وفلاح کافهٔ انام اندراج دارد از حضرت ملک العلام الملک العلی مسئلت مینماید

واز مواهب واهب الامانی بصفیهٔ تشارب مرادات دوجهانی وتوفیه مآرب ومرامات جاودانی آن منبع مکارم ومجمع اعالی می‌طلبد

وفی جمیع الساعات علی وجه الفراغات دعای استحکام مبانی جلال اسلام‌پناهی وانتظام اسباب اعزاز واجلال شریعت دستگاهی میگوید

للمشایخ والکبراء — تمام الکلام

بر تعاقب اعصار ودهور وتتابع ایام وشهور مزید اقبال افاضات روحانی آن منبع فتوحات ربانی از جناب متعال احدیه جل کماله بتضرع درمی‌خواهد

واوقات مرجوه بعد از اوراد مسلوه از برای مزید اسباب اعتلا وتضاعف درجات ارتقای ملازمان سدهٔ حقایق‌پناهی وظایف دعا موری بیسازد

وبراتبهٔ الهی دعای که بر واسب همت ایوان آستان قدسی‌نشان ومستفیدان کلمات تامات عظیم الشان امری لازم وحکمی واجب است مواظب بوده وخواهد بود

لارباب العلوم الدینیة — تمام الکلام

وذکر مناقب زاکیه وشرح مراتب عالیه علی ملاء الخواص والعوام سمعه والشهور والاعوام ورد زبان دارد

سرا وجهارا تلاوت صحایف منقبت خوانی ولیلا ونهارا بقرات جراید محمدت طرازی اشتغال می‌نماید

ومجامع اوقات وجوامع آنات بنشر مدایح ذات ملکی ملکات وذکر مفاخر صفات سامی سمات معروف میسازد

لاصحاب المناصب الشرعیة — تمام الکلام

وبر دوحهٔ نهال اخلاص در روضهٔ وداد واختصاص چون عندلیب سحری از روی ثناگستری نغمات مدحات آنجناب می‌سراید

وارقام خلوص وهواداری بر صفحهٔ خاطر وصحیفهٔ ضمیر منیری نگارد وخامه ثناخوانی ومنقبت طرازی بر طریقهٔ مستمره ممهد میدارد

ودر منازل هواداری ورضاجویی ومواطن حق‌گذاری ودعاگویی از آیینهٔ ذات عالی صفات علی التعاقب والتوالی مرتب

للحکماء الفضلاء — تمام الکلام

وبجان وجنان مشعوف وملهوف شرف انتظام درسلک مجاوران سده سدره احترام کو ذریعه وصول لمرات روحانی ووسیله حصول سحاب جاودانی همانا است

وپیوسته مستدعی ذریعه احراز دولت لقای اشرف ووسیله ادراک سعادت التقای میمنت انتمای ان مطلع انوار عزت وشرف می باشد

ودولت دریافت مجلس شریف اکه منتهی امال کلیه وقصوی امانی جلیه است از عواطف ربانی وعوارف سبحانی استدعا منماید

لسایر هذه الطبقه — تمام الکلام

وفی اناء اللیل واطراف النهار از لطایف عواطف آفریدگار صورت تمنی انتظام دریره مستعدان مجالس مجالست تمنا می کند

وازفتاح ابواب امانی وآمال وفیاض دوارف عوارف فضل وافضال استدعا دریافت شرف ملاقات مسرت افزای میدارد

وبجوامع همم متعطش ادراک دولت التقا بوده ان صورت را که اقصی غایات مقاصد انسانی واعلی نهایات مطالب جانیست ازحضرت باری درمیخواهد

للاصول والاعیان — تمام الکلام

دمتوجه سعادت ملاقات شریف که خلاصه زندگانی ونهایت مقاصد وامانیست می باشد

وحصول شرف ملاقات شریفش راکه اشرف مرادات وایمن سعادات همان تواند بود دراوقات مطان الاجابة ازحضرت عزت مستدعیست

وبغایت غایت آرزومند شرف محاورت وعطشان زلال مواصلت که غایت مسئول هواداری ونهایت مامول امیدواری همان تواند بود

للمعارف والمشاهیر — تمام الکلام

وبدل وجان احرازش ملاقات شریفش راکه آینه طلعت امانی وطلیعه موکب مسرت وشادمانیست استدعا می نماید

ودولت دیدار که غره صباح کرامت ولمعه چراغ عافیت وسلامت است ازلطف احدیت وفیض صمدیت جل جنابه وعم سحاب نواله درمیخواهد

وادراک سعادت فوز بلقای عزیز ومحیای کریمش ازکرم عمیم ذی الطول الجسیم والفضل العظیم می طلبد

للاوساط — تمام الکلام

وادراک سعادت لقا راکه دولت عظمی دوستان همان است مترصد ومترقب می باشد

دریافت محاوره روح پرور ومجاوره روح گستر را از لطف الهی وفیض نامتناهی مستدعی است

وشرف لقا وسعادت التقا راکه احسن آمال وموجب مزید اقبال است مترصد وشارع امید وارد

لسایر العوام — تمام الکلام

وبغایت مشتاق لقای شریف می باشد دریافت این مرام

ومتعطش زلال وصال کریمایه آمال همان تواند بوده می باشد ادراک این متمنا

وارزومند مشاهده لقای عزیزش می باشد وسیله که موجب حصول ملاقات باشد

للاخوانیات — تمام الکلام

وازحضرت مفتح الابواب ومسبب الاسباب تعالت اسماؤه وتوالت نعماؤه ارتقای معارج کامکاری واعتلای مدارج نامداری انجناب استدعا میرود

وازالطاف حضرت حق وسوابق انعام ملک مطلق انتظام عقود شوکت واستحکام معاقد جاه وابهت ان صاحب دولت میطلبد

وازبارگاه وهاب علی الاطلاق ومعبود باستحقاق جل ذکره وعم شرح صفا تمهید قواعد احترام واستحکام مبانی احتشام ان خلاصه انام مسئلت میرود

ایضاً لها — تمام الکلام

وهمواره بتضرع وزاری ازعواطف لانهایه حضرت باری دوام ایام کامکاری وانتظام اسباب نامداری ان مطلع اشعه بختیاری درمیخواهد

ودوام دولت راکه اباعد واقارب ل امجاد مشارق ومغارب بدان مفتخر ومستظهر اند ازجناب حضرت نایب مستدعی می باشد

ودوام دولت میمون ومزید اقبال روزافزون که مصالح کلی ومناجح اصلی درضمن ان مندرج است ازمواهب میسر المآرب درخواست میرود

تتمه عرض الاخلاص للاخوانیات

الفقرات بنوع آخر — تمام الکلام

وهمواره درموقف اختصاص بانواع اخلاص ثمرات مناقب سامیه وبنود ازمراتب عالیه که عایتش ازحد احصا بیرون است مودی میسازد

وازصدق تمام وخلوص الکلام ابیات مناقب ان خلاصه انام وسومفاخر ان نقاوه اعاظم ایام درمحافل خاص وعام تلاوت مینماید

وتا ازجان رمقی وازنفس جیوه برصحیفه وجود درقی باقیست درمقام ثناخوانی چون صبح ثانی صادق دم وماننده قطب سپهر ثابت قدم می باشد

وپیوسته مجالس اعالی واعاظم وهمواره محافل اماجد واکارم رابلوامع انوار تعریف وفوایح کلزار توصیف انجناب معطر ومنور میدارد

وطوطی ناطقه را درشکرستان مناقب ومدایح ان ذات بابرکات همواره سفحات منتعو السمات ملقین مینماید

وبرذمت دعاگویی ووظیفه ثناخوانی که بر ذمت همت مخلصان حالی امری لازم وحکمی متحتم است مواظبت می نماید

ودرموقف اراده واخلاص بدعاگوی موشح باثار اختصاص وثناخوانی محلی بزیور محبت خاص اقامت واثبات مینماید

الفقرات بنوع آخر — تمام الکلام

عنوه واصیلا مستدعی ان می باشد که نسیم توفیق ازمهب مقصد بروزید کوکب وصال ازذروه اقبال روی نماید

امید واثق است که صبح نجاح روی نموده ادراک حضور جیوه بخش که سعادت وجهانی را شامل است ازمطلع شادمانی طالع گردد

امل بلطف یزدانی مستفوق است واعتقاد بفضل ربانی جازم که ناگاه میامن سعادت ملاقات ازمکمن غیب چهره گشاید

رجا وثوقی تمام دارد که ناگاه بردفق بشارت لابیا سوانح روح الله در رباح نجاح ازمهب ان زبی لطف وزیده گل مقصود درریاض امال بکفد

حقاکه باستشمام روایح مجاورت واستشاق فوایح محاورت مستسعد بوده امیدوار است که این مرام بروفق مراد روی نماید

بکلی همت براحراز دولت مواصلت مصروفست امیدگران اسعد قبل وصول المنیه ازمکمن حجاب برمنصه جلا جلوه نماید

ودواعی رجا درارجاء ضمیر متمکن است که ناگاه نسیم لطفی ازمهب مراد در وزیدن آید وصبح فیض ازافق ام امید ان گراید ودولت ملاقات شریف دست

الفقرات علی نمط آخر — تمام الکلام

وعلی تعاقب الازمنه وتتابع الادوار جبهه دعای علو مراتب وسمو مناقب ان خلاصه اعاظم ونقاوه اکارم تکراری وتکراری

وبمسکی صحایف اوقات وتمامی جرایدایات بدعای دولت که بلاشبهه امارات اجابت وعلامات استجابت برعنوانش لایح واضح ولایحست مزین میدارد

وپیوسته درمدارس اخلاص ومجالس اختصاص بدرس دعای دولت روزافزون وشرح ثنای ذات اشرف همایون مشغول می باشد

وازافاضات مصدر سلام مهیمن ذو الاکرام بقای کرایم ایام ان خلاصه انام علی تعاقب الشهور والاعوام سوال میکند

وهمواره درنهانخانه اخلاص وکنج زاویه اختصاص بدل خالی ازشوب ریا وزبانی خالی بصدق وصفا بدعای دولت مشغل است

علی الدوام تربیت رواتب ادعیه فایحه وترسیم مراسم اثنیه لایحه که درد مورود وذکر معهود بود اشتغال میرود

وبدعای عمر ودولت که استظهار مخلصان بدانست دراعقاب صلواة که یکی از اوقات مظان اجابت دعوات آنست مشغول می نماید

الفقرات علی نمط آخر — تمام الکلام

وبردرگاه الهی برای ارتقای جناب فضایل پناهی برمدارج کامکاری واعتلا برمعارج بزرگواری ازروی ابتهال وزاری دعا می کند

وازفیض عنایت اکرم الاکرمین وفضل حامه ارحم الراحمین دعای نظام اسباب دولت وقوام ارکان حشمت درخواست میکند

وازلطف ازلی وفیض لم یزلی مزید مجد ومعالی ان قدوه اماجد واعالی بدعای متوالی درصمیم لسانی مسئلت می نماید

وجهت ترقی انجناب براقصی مدارج کمال وتصاعد براعلی معارج جاه وجلال بتضرع وابتهال بالغدو والاصال دعا میگوید

ودرصمیم اشجار بدعای جاندرازی ان بزرگوار بسبب نظم قواعد دلنوازی که موجب رفع دعایم سرافرازی همان خواهد بود

وپیوسته بدعاهای ای غرض احصی الطاف حضرت مبدع الجوهر والعرض مزید ابهت وازدیاد جاه وحرمت انجناب میطلبد

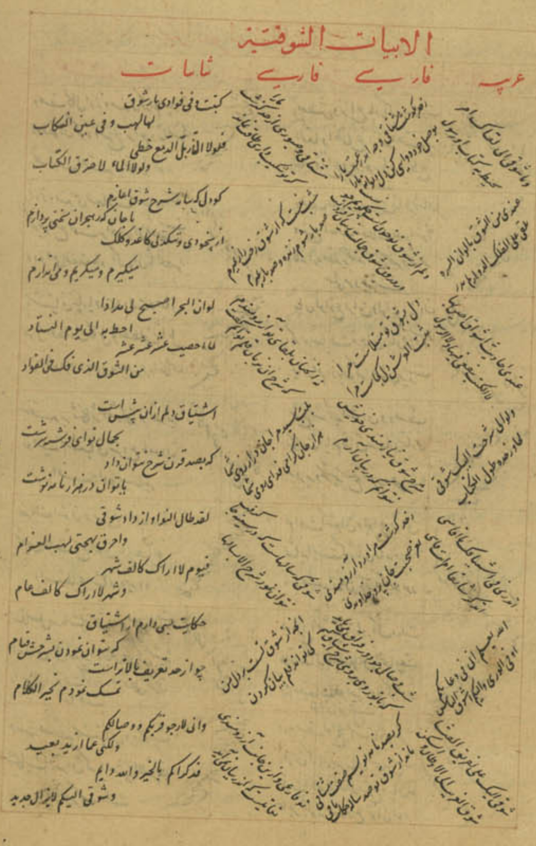
وهمواره برقاعده مستمره دعای دولت روزافزون سادس صلوات خمس ساحت سموات سبع رفع می کند

سطر ثامن از صحیفه اولی در شوقیات و محل ان بعد از عرض اخلاص و اکابر این فن متفق اند بر انکه ذکر شوق در مکاتیب ملوک مناسب نیست چه بیان شوق مقدمه تمنای وقوع ملاقات است و ملاقات سلاطین متضمن اعصار کلیا باشد و در حکایت معظمات حجرات سلطنت و مخدرات حریم حرمت و حشمت نیز ذکر اشتیاق نشاید و در باقی رسایل طبقات وقوع می باید و در اخوانیات بغایت مناسب است و درین رکن شرح فراق تابع بیان اشواق است چه در بعضی مکاتیب سخن از شوق باید راند و در بعضی ذکر فراق باید کرد بحسب مقتضای مقام و چون از ذکر شوقیات استشمام روایح تمنای مواصلت می توان نمود هر آینه بعد از هر فقره بایراد ادعیه ملاقات خاص در کلمه پنجم از سطر خامس سخن را سمت اتمام باید داد پس این سطر اشتمال دارد بر سه کلمه **کلمه اول** در بیان اشواق و ان بر ترصیعی خاص در کلمه پنجم از سطر خامس از صحیفه ثالثه آورده خواهد شد و اعتقاد انکه کاتب خواهد از ان نجا اخذ میتوان کرد و اینجا نیز فقره چند از هر نوع آوردیم با ابیات لایق ان والله المستعان و علیه التکلال

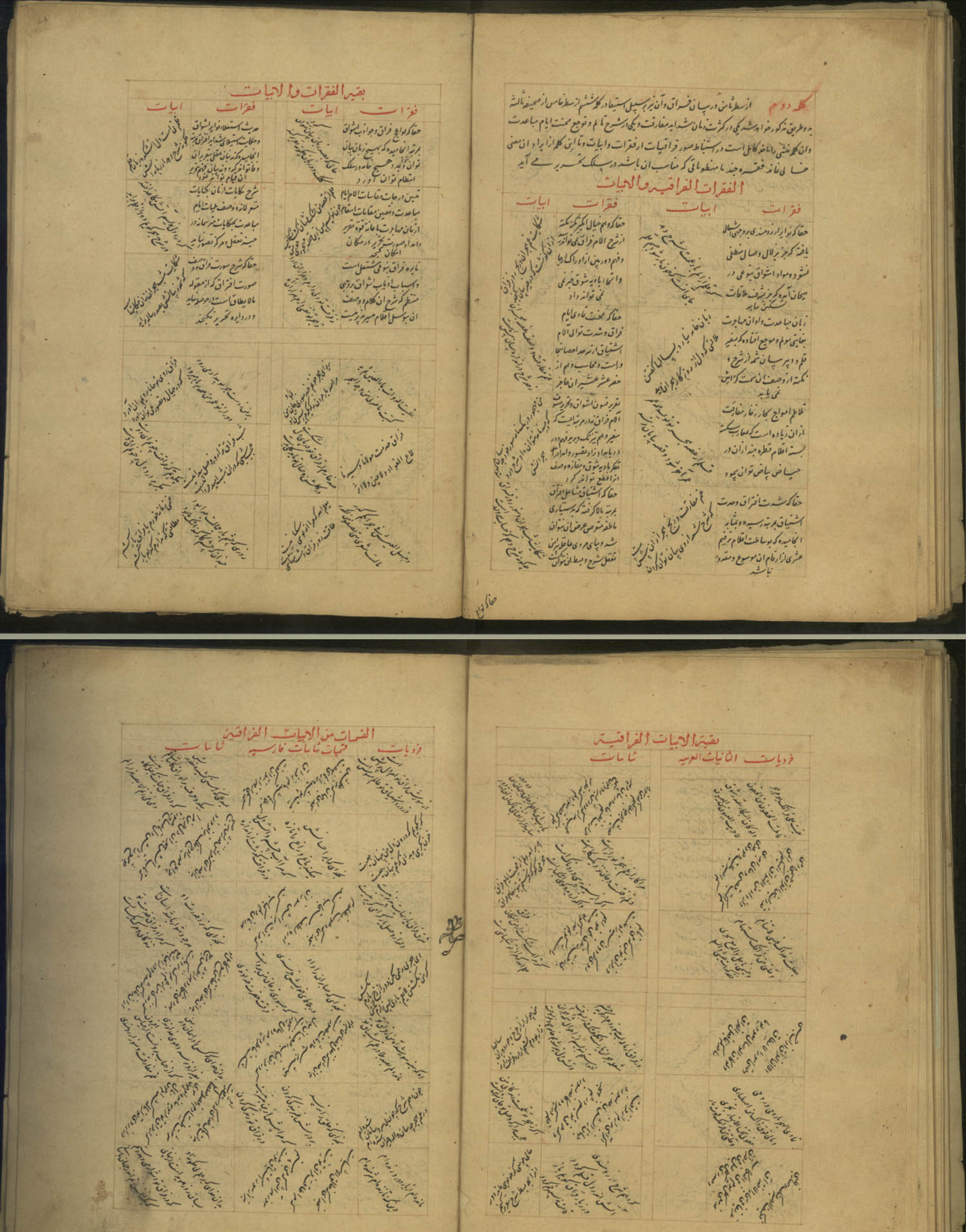
فقرات	ابیات	فقرات	ابیات
علمات التساع لقای مبارک که غره صباح مطالب و شاح مقاصد و مارست از مدارج عبارات و معارج استعارت در انجا نبوده		اشتیاق التقای لقای شریف که وسیله حصول کال جهور و ذریعه وصول ... بهجت و سرور است از تصویرات افهام در گذشته	
نیازمندی با حراز صحبت شریف که عمده مفاخرت و اصل الباب مقاصد است از تحریر السنه اقلام و انسنه ارباب افهام متجاوز است		صفت نزاع و التساع با حراز صحبت گرامی از ان گذشته که وهم دوراندیش سرحدان تواند رسید یا ناظم عبارت در سلک بیان تواند کشید	
ارزومندی بمشاهده طلعت همیون بخش که از حسنات اوقات سعادات امانست باعلی مدارج و اقصی معارج پیوسته		شرح ارزومندی بالتقای شریف وصفت اشتیاق بلقای اشرف بمثابه ایست که بتقریر یکی از هزار و تحریر اندکی از بسیار اشتغال توان نمود	
بعطش نزاع و تحیین و التساع حسن محاوره دلگشای و لطف محاوره راحت افزای از مرکز عبارت و حرشیه و استعارت در گذشته		دواعی اشواق و بواعث نزاع و اشتیاق بلقای همایون از شوق هزار عشاجه لا کلراز واز آرزوی شب تشنیان بمطالعه ساشیر اسحار زیاده است	

تتمه الفقرات الشوقیه

فقرات	ابیات	فقرات	ابیات
وصف کال ارزومندی بکدام عبارت ادا توان کرد و شرح نزاع و نیازمندی بچه قوت تقریر توان نمود		بعطش و نزاع بادراک سعادت التقا و احتماع از حد تقریر خامه و نزاع و حر منور نامه و رقاع درگذشته	
ارزومندی بسعادت مشاهده عالی که جوامع همت بر احراز ان مقصور است و دواعی همت بادراک ان محصور		وصف علمات حدمات خاطر مشتاق و شرح لمعات شعلات نور اشواق باندازه تقریر مهندس ضمیر و تحریر منشی خرد درنرفت	
اشتیاق نیازیافت دولت وصال چون الطاف کامل و اعطاف شامل ان مظهر جاه و جلال و مطلع عز و اخلاص		بیان لواذع فراق ولواعج اشواق که بوساطت ترجمان زبان قلم و وسیله بیان قلم زبان گذارش پذیرست	
تقریر تکاثر اشواق و تحریر توفیه اشتیاق شروع نامودن انسب و اولی مینماید		شرح شداید اشواق و وصف نکات ایام فراق مدتهای متمادی تقریر و تحریر مسیح مقرر و محرر نشده	
غلبات شوق و نزاع و غلبات تحیین و التساع فوق ما یطاق و لستطاع مشاهده میرود		لواعث اشواق و لواعج شواق بمثابه ایست که زبان خامه و نطاق نامه شمه از ان باز تواند نمود	
سلاسل حدمات فراق و شواعل حدوث اشواق دل غمدیده و جان هجران کشیده را نوعی در حرکت آورده و بنمطی محترق ساخته		در شرح اشتیاق بادراک دولت ملاقات که با ستواق صحایف و استیعاب طوامیر شروح نکرد چون توان نوشت	
قصه غصه اشتیاق و حکایت شکایت افتراق که بالعشی و الاشراق همرضمیر کبیر است		در وصف لواعج اشتیاق و حوادث افراق که از حیز بیان متجاوز است و قوت ناطقه از احاطه شرح و بیان ان عاجز چگونه شروع توان نمود	







کلمه دوم از سطر ثامن در بیان فراق و آن نیز بر سبیل استبعاد در کلمه ششم از سطر خامس از صحیفه ثالثه به و طریق مذکور خواهد شد یکی در کثرت زمان شدایه مفارقت و یکی در شرح تالم و توجع محنت ایام مباعدت وان کلمه نثری را ماخذ کامل است در استنباط صور فراقیات از فقرات و ابیات و تا این کلمه از ایراد ان معنی خالی نماند فقره چند با منظوماتی که مناسب ان باشد در سلک تحریر می آید

الفقرات الفراقیه والابیات

فقرات	ابیات	فقرات	ابیات

بقیه الفقرات والابیات

فقرات	ابیات	فقرات	ابیات

بقیه الابیات الفراقیه

فردیات الثانیات العربیه	ثانیات

الضمات من الابیات الفراقیه

فردیات	ضمیات ثانیات فارسیه	ثانیات

کلمه سیوم از دعا وان دو نوعست یکی بعد از فقرات اشواقیه ویکی بعد از کلمات وافیه ومراتب این ادعیه بر مسعادت ودر سطر سابع که عرض اخلاص بسبب طبقات سمت تعیین یافته در رقم هفتم وهشتم از طبقه اشرف ودر تمام اقسام طبقه اوسط دعای ملاقات مذکور است از انجا ایراد می توان نمود ومجموع انرا باصورتی چند که این کلمه ران منطویست در اخوانیات دخل میتوان داد والله اعلم بالرشاد وهو الهادی الی صوب السداد

نوع من الادعیه	طریق آخر	نمط من الادعیه
حضرت دایم البقاء عم نواله اسباب نیل سعادت لقا که اعلی مطالب واسنی مارب است باحسن الوجوه مهیا گرداناد انه روف بالعباد	موارد وصول بدولت وصال که نهایت امانی وآمال است از اقدار موانع زمان وعوایق حدثان مصطفی باد والسلام	حضرت فیاض مطلق علت کلمه بتقبیل رکاب عالی را که غایت مقاصد ونهایت عواید است بروجه خوب ونهج مطلوب میسر گرداناد بمنه القدیم وفضله العمیم
حضرت عرش عرشانه وعظم سلطانه لطیفه که متضمن ملاقات اشرف که تحقیقت مضمون نیت دعات امنیت همان است بزودی محصل گرداناد انه کریم جواد	نسایم ریاض وصال وشمایم ریاحین اتصال از مهب فیضان افضال ملک متعال باحسن الاحوال بر حدایق صدور مشتاقان لایح وفایح باد	حضرت مفیض الخیرات عم احسانه ایام غم انجام دوری وصباح لی رواح مهجوری را بطلعت ساعات وصال وبهجت اوقات اتصال مبدل گرداناد وتعیش گردد بمنه
حضرت واهب المواهب تعالت اسماوه وتوالت نعماوه دولت مطالعه غره غراو سعادت مشاهده جمال جهان آرا که عنوان جراید سعادات ودیباجه دفاتر مراد است بزودی روزی گرداناد	چهره احوال دلهای مشتاقان وروزگار یامان بادیه اشواق از حصول سعادت وصال بجمال میمنت واقبال آراسته باد	حضرت معبود مطلق جل ذکره اوقات مشقت سمات وآنات محنت آیات دوری را بوضوح آثار مواصلت وظهور انوار مجالست منقضی گرداناد بجوده الکامل وبره الشامل
حضرت احدیت تنزهت ذاته وتقدست صفاته دولت مجاورت عتبه علیه وملازمت سده سنیه که ورای حصول آن ووصول بدان هیچ مقصودی ومطلوبی متصور نیست بروجه احسن وطریق امنی میسر گرداناد	کل امانی وآمال ارشاد خسار وصال واتصال بخدمت آن عدیم المثال از افاضت سحاب عنایت حضرت ذی الجلال بجوهر وجهی شکفته باد	حضرت مفتح الابواب تبارک اسمه اوراق اوقات مشوقان توالی وصال ومتعطشان زلال اتصال را بارقام اکرام ملاقات عزیز مرقوم سازاد بمواهب انعام ومیامن اکرام
حضرت رب الارباب عمت مواهبه وعلت مراتبه مشاهده لقای همایون که اعظم مناجح عالمیان واشرف مقاصد آدمیان است از شکل عیب ومحرب لاریب مرزوق گرداناد وما ذلک علی الله بعزیز	زوایای قلوب طالبان دولت مواصلت وسالکان طریق وصول بسعادت مراقبت بورود وفور حصول آن مواهب لطاف اصناف بهجت ومسرت باد	حضرت واهب الامال عم شانه وسایل ازاله محن مفارقت وذرایع انامل نهج مواصلت را باسرع اوقات اشرف الایات مقدر گرداناد بحلال طوله وفرایض نواله

سطر تاسع از صحیفه اولی در بیان تاریخ کتابت متقدمان در تعیین زمان کتابت مبالغه تمام داشته اند ومتاخران انرا نسیا منسیا پنداشته وحال انکه ذکر تاریخ کتابت متضمن فواید است چه بعضی حالات باشد که در تاریخ معین بحیز تحریر در آمده باشد ووقت دیگر بخلاف آن چیزی نوشته شود پس اگر تاریخ معین نباشد مضمون دو مکتوب که یک پس نوشته مخالف نماید ووهم از انکه هریک بمقتضای وقت دیگر نوشته شده زایل ماند ودیگر شاید که کسی مکتوبی نویسد وبعد از مدت مدید بمکتوب الیه رسد بسبب مانعی که حامل مکتوب را افتاده باشد ومکتوب الیه چون مترصد وصول آن باقرب الازمان بوده از کاتب ملول گردد پس به ثبت تاریخ عذر کاتب واضح شود وعلی هذا چون مدار تاریخ بر شهور وایام است فقره چند در تعریف وتوصیف آن سمت ذکر می یابد الشهور العربیه

الشهور	بقیه الشهور	تمه الشهور	الایام الافاضل	خاتمه الظهور
مستهل محرم الحرام المکرم عمت میامنه من الامم متصدی این مباسلت میکرد	اواسط ربیع الثانی ختم نیل الامانی این صحیفه ضراعت برقم اطاعت مرقوم میشود	ثانی رجب المرجب که ایام ورجب بارسال این حدیث تصدیع ملازمان نمیدهد	رابع ماه مبارک رمضان لازال محفوفا بالیمن والامان درصدد این جرات می آید	یوم الجمعه زادها الله برکاتها وعظم میامن بها عاتها سابع عشر رمضان بدین وسیله خود را بکوی خاطر عاطر می سازد
ثالث محرم الحرام افاضت برکاته علی الانام بعرض این ضراعت اقدام میرود	اول ربیع الاخر کرمه الله بالمیامن والمفاخر صورت عرض می آید	رابع عشر شهر الله الاصم زاده الله تعظیما من الانام رتبت این ضراعت می نماید	ثامن شوال مصر الله بمزید النوال حدیقه طاعت را بزلال این ضراعت تازه میگرداند	یوم عرفه المبارک عظمه تعالی وتبارک صورت اخلاص واختصاص برقم صدق وصفا مرقوم میگردد
اوایل شهر صفر ختم بالخیر والظفر بعرض وشرف رفع میرساند	اواخر جمادی الاول حصه الله تعالی بالعز والعلی خود را ذره وار بر جوانب ضمیر آفتاب مآثر عنبر میرساند	خامس شهر شعبان حصه الله بمزید ان حسانه مرقوم رقم اخلاص واختصاص میگرداند	سادس شهر شوال ختم بالخیر والاقبال بعوض این نیاز مصدع ملازمان عتبه جلال میشود	یوم العید الاکبر لازال فایض البرکات من اکثر بعرض رقعه نیازجات می نماید
عاشر شهر ربیع الاول کرمه عزوجل بوسیله این ضراعت خود را در سلک خدام اعظام میرساند	سابع عشر جمادی الاول افاض الله برکاته علی اهل الدول والملل تسلیع می یابد	سابع شهر النبی شعبان کرمه الله بالامن والامان بدین جرات اشتغال میرود	ثامن عشر ذی القعده الحرام عظم الله قدره بین الانام بدین انبساط خود را در زمره خدام منتظم می سازد	صبحه یوم العید الفطر لازال رایج العطر برفع این صحیفه الضراعه قدم بساط انبساط می نهد
ثانی عشر ربیع الاول عظم الله وتبجیل بعرض این مسکنت مصدع ملازمان میگردد	عشرین جمادی الاخره لازالت من الشهور کالدره الفاخره مصدع عتبه علیه می شود	غره شهر رمضان زادت عطایاه علی اهل الایمان معروض ملازمان میگرداند	تاسع عشرین ذی الحجه الحرام لازال سببا لحصول المرام بدین صحیفه سلسله ارادت قدیمی را تحریک میدهد	یوم الاستفتاح افتتحت میمنه علی اهل الصلاح بدین ذریعه خود را بر خاطر میامی میگرداند

سطر عاشر از صحیفه اولی در ذکر مکان کاتب وان نیز بی فایده نیست چه سبب وقوف مکتوب الیه است بر حال کاتب ونیز شاید که بودن او در ان موضع بنا بر فایده باشد که بمکتوب الیه عاید گردد پس اطلاع بران موجب سرور خاطر وی شود ودر اکثر رسایل افاضل چنان بنظر اطلاع رسیده که ذکر زمان ومکتوب بایکدیگر بوده چنانچه این صحیفه فلان وقت در فلان موضع مرقوم گشت وچون ذکر زمان در سطر تاسع سمت اثبات یافت درین سطر بعضی از اکمنه مشهوره مزرقم تحریر می پذیرد والله ولی الاعانه والتوفیق

البلدان المشهور	ایضا	ایضا	ایضا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

البلاد المتفرقه
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سطر حادی عشر از صحیفه اولی در اختتام بر خیر هوشمند مخفی نیست که بعد از تاریخ زمان وذکر مکان ایراد احوال است وحالات جزئیه که در مکاتب نویسند از سر حد احصا تجاوز نموده وچون کلیات انرا صحیفه ثالثه ازین کتاب متضمن است اینجا تحقیق یافته انجا سمت تعیین خواهد پذیرفت وبعد ما که همه ارباب انشا متفق اند بر انکه چون احوال باتمام رسد محل اختتام است پس درین اوراق تحریر شمه از ان اتفاق می افتد واختتام مشتمل است بر مقدمه ودعایی ودعا بطریق نثر مودی میشود ومی شاید که منظوم باشد ودرین سطر از مقدمات ودعوات انچه زبان زمان بادای ان مسامحت نمود در چهار کلمه رقم سطر می یابد ومن الله تعالی الاعانه والمدد **کلمه اول** در مقدمات وان مشتمل است بر دو حرف **حرف اول** در مقدمات منثوره ومدار مقدمات بر اعتذار است از اطناب وتمهید اساس دعا وان منثور خالص می باشد وبعد از ان دعای احتسابی منثور ومنظوم میتوان اورد ومنظوم نیز هست وبعد از ان البته منثور می باید چنانچه بیاید

البلاد المتفرقه	مناصب طبقه اعلی			مناصب طبقه اشرف	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیه طبقه اشرف — مناسب طبقه اوسط

مناسب اخوانیات

حرف دوم در مقدمات منظومه وان سه نوع است یکی انکه طرح اختصار دعا باهم باشد و مکتوب را بر همان چند ختم باید کرد دوم انکه بعد از اختصار ابیاتی ما یدبر دعا اما ایراد دعا نکنند و برآئینه پس ازان دعاهی باشد منثور سیوم انکه در ذکر اختصار باشد پس ازان منتهی ذکر دعا نشود پس ازان نیز دعاهی منثور لازم بود از هر نوعی بیتی چند ایجام قوم شده والتوفیق من ولیه

فارسیه	فارسیه	فارسیه	ثنائیات

نوع ثانی

عربیه	فارسی	فارسی	فارسی





لارباب العلوم الشرعیه

دعوات	ابیات
نفحات مفصلات حقایق کلام معجز نظام وتاویل مشکلات دقایق کتابت معالی نصاب بافاده خاطر زاهر مفوض باد	[illegible]
قواعد انفاس شریفه وعواید اوقات متبرکه منیفه الجناب موجب هدایت اهل عوات ومزید رشد ارباب ولایت باد	[illegible]
تمهید قواعد فقه وفتوی وتشیید مبانی ورع وتقوی باهتمام تمام عالیجناب میسر ومقدر باد	[illegible]

لبقیة علماء الدین

دعوات	ابیات
میامن اوقات شریفه ومواهب انفاس منیفه بکافه عالمیان وقاطبه آدمیان واصل باد	[illegible]
نفوس متوجهان روضه رضا وقلوب محاوران صفه صدق وصفا بنصایح روح پرور ومواعظ روح گستر منور ومزین باد	[illegible]
استمام کاملان مجمع فضایل در تقویت ارکان اسلام وتشیید احکام شریعت سید انام موجب صلاح واسراه خواص وعوام باد	[illegible]

دعوات اصحاب المناصب

دعوات	ابیات
برکات وجود مبارک ومیامن ذات متبرک در محافل کبرا ومجالس اعاظم نسبت کافه انام شایع ومستدام باد	[illegible]
امداد عطیات از حضرت خالق البریات برکت تلاوت وقرات آیات بینات باوقات عالی مترادف ومتوالی باد	[illegible]
میامن مساعی مشکوره در تلاوت کلام وقرات کتاب ملک علام سبب اعلای شان وموجب رفع مکان باد	[illegible]

دعوات سایر اهل المراتب

دعوات	ابیات
مجامع متعبدان ومعابد متورعان بوجود مبارک مشرف ومزین باد	[illegible]
اوقات طیبات وساعات بابرکات بانتظام امور جمعیت عبادات ومهام رفاهیت معروف باد	[illegible]
جناب عالی مفیض فضل لایزالی مجمع اماجد واعالی ومنبع مکارم ومعالی باد	[illegible]

للحکماء والفضلاء

دعوات	ابیات
ظلال حکمت هدایت شعاری مفیضان رحمت حضرت باری بر مفارق مرتقیان مدارج ارادت ومبتهجان مناهج استفادت ممدود باد	[illegible]
آثار بهجت دثار انفاس بزرگوار سبب صحت اجسام وموجب راحت ارواح کافه انام باد	[illegible]
اطلاع بر دقایق احکام معالی بسبب مطالعه تقاویم فضایلش میسر ومقدر باد	[illegible]

لسایر اهل الفضل

دعوات	ابیات
منسوجات انامل سحر پرداز ومصنوعات اصابع لایح الاعجاز مزید روشنی ابصار ذوی الاقتدار باد	[illegible]
الواح ارواح اذکیا وفضلا وصحایف قلوب اصفیا وعرفا بنقوش تعریف وصور توصیف ذات شریفش منقش باد	[illegible]
نغمات مسرت سمات والحان بهجت آیات موجب راحت صدور وسبب وجد ارباب ذوق وحضور باد	[illegible]

بقیة الفضلاء

دعوات	ابیات
جواهر منظومات لطافت سمات زینت مجالس سخن وران وزیور محافل هنر پروران باد	[illegible]
لطایف کلمات نشاط انگیز وظرایف مقالات مسرت آمیز زیور مجامع وزینت مسامع باد	[illegible]
امداد فیضان ملکه وافی بجناب فضیلت نصاب متوافر ومتوالی باد	[illegible]

الممتازین

دعوات	ابیات
برکات اقدام شریف ومیامن طواف مکان منیف بروزگار قاطبه انام وکافه اهل اسلام متواصل باد	
میامن جد واجتهاد ومواهب غزا وجهاد بایام واوقات سایران سبیل ارادت وناهجان طریق شهادت مقرون باد	
سحاب رکاب اوقات عبادات انا نشر بر ریاض صدور متعبدان وحدایق قلوب متهجدان فایض باد	



حرف سیوم در دعوات احتسابیه جهت طبقه اوسط با ابیات مناسب آن

للاصول والاعیان

دعوات	ابیات
دولت انتظام امور معاش ومعاد ونعمت ارتقای درجات صلاح وسداد از فضل روف بالعباد محصل ومیسر باد	[illegible]
آثار دولت جاودانی وانوار سعادت دوجهانی بفیض فضل ربانی قرین روزگار حشمت دثار باد	[illegible]
مشارب امانی از شوایب مکدرات زمانی مصفی باد ومطالب کامکاری بمدد لطف سبحانی محصل وموفی	[illegible]
مطالب عزت ومآرب رفعت وحرمت بامداد وفود کامرانی وامداد جنود شادمانی میسر ومحصل باد	[illegible]
همواره بتوفیق نشر مبرات از بارگاه واهب العطیات موفق باد وپیوسته بتحقیق نیل مرادات از افاضات مجیب الدعوات مجاب ومحقق	[illegible]
روزنامه بقا بعون عنایت معبود بر قوم دوام خلود مرقوم ومحلی باد وجریان امور بمحض حمایت مفیض النور از شائبه نقص وفتور محروس ومعرا	[illegible]

للمعارف والمشاهیر

دعوات	ابیات
ابواب قبول اقبال بمفاتیح جاه وجلال ابدا مفتوح باد	[illegible]
قانون کارسازی ودستور دلنوازی باصابت رای صایبش ممهد باد وقواعد مکرمت وجهانی مرحمت بافاضه لطف شاملش موکد	[illegible]
دولت لا کلام واقبال موسوم بصفت دوام ملازم ذات آن خلاصه اماجد ایام باد	[illegible]
	[illegible]
	[illegible]
	[illegible]

کلمه سیوم

در دعوات احتسابیه مشوره که در مکاتیب اخوانیات ثبت توان نمود وانواع آن بسیار است ونشی که از لطافت طبع وحدت ذهن بصفت تصرف وتوصیف موسوم باشد بحکم تربیت وتالیف موصوف باشد از دعوات احتسابی که در طبقات مذکور شده آنچه خواهد وآنچه اراده کند اینجا ایراد میتواند کرد وبخصوصه نوعی چند از دعا درین کلمه بحیز ترقیم درمی آید والله ولی الاعانه

دعوات	ابیات	دعوات	ابیات
سعادت ابدی وکرامت سرمدی قرین ایام همایون ورفیق اقبال روز افزون باد بالنبی وآله الامجاد	[illegible]	مسند سعادت بذات شریف منور باد وعرصه ممالک معالی بعساکر مآثر ومفاخرش رااسلم ومسخر بالنبی الاطهر الازهر	[illegible]
ظلال جلال وشوکت بنوال الطاف حضرت عزت ابد الدهر مبسوط وخیام کرام وحشمت بادتار ابدا دکرامت مربوط باد بحق شفیع یوم المعاد	[illegible]	جناب رفیع از غبار حوادث ونوایب محروس باد ونهر ورود وفود حصول مطالب مانوس بحرمه ملک القدوس	[illegible]
سایه مکرمت مکارم پناهی وظل عاطفت مرحمت دستگاهی بموهبت عنایت الهی ابد پیوند باد بحرمه من هو شافع یوم التناد	[illegible]	تربیت قواعد اقبال برای عالم آرایش مقرون باد وحمایت ذو الجلال در همه احوال مقارن ذات همایون بحرمه نون والقلم وما یسطرون	[illegible]
اعلام اقبال وبختیاری تایید نصرت وکامکاری در عرصه عزت ونامداری ابدا مرفوع ومنصوب باد بحق افصح من نطق بالضاد	[illegible]	حمایت ربانی رفیق آن قبله امانی باد وعنایت سبحانی معین آن جامع معانی بحرمه سبع المثانی	[illegible]
عقود جواهر عزت واجلال بوساطت اهتمام آن مظهر جاه وجلال ابد الدهر منتظم باد بحرمه النبی والجواد	[illegible]	رباع فضل برشحات سحاب الطاف معمور باد وعباد نوایب وغبار مکاره از ساحت حالش دور بحق آیات النور وسوره	[illegible]
اسباب اقتدار وایالت مخلد وارکان اختیار وجلالت موکد ومؤید باد بمحمد وعترته الامجاد	[illegible]	اتمام مهام مخلصان برای جهان آرایش موکول باد ودولت روز افزون بمراتب عالی مقرون وموصول بحرمه افضل الرسل	[illegible]



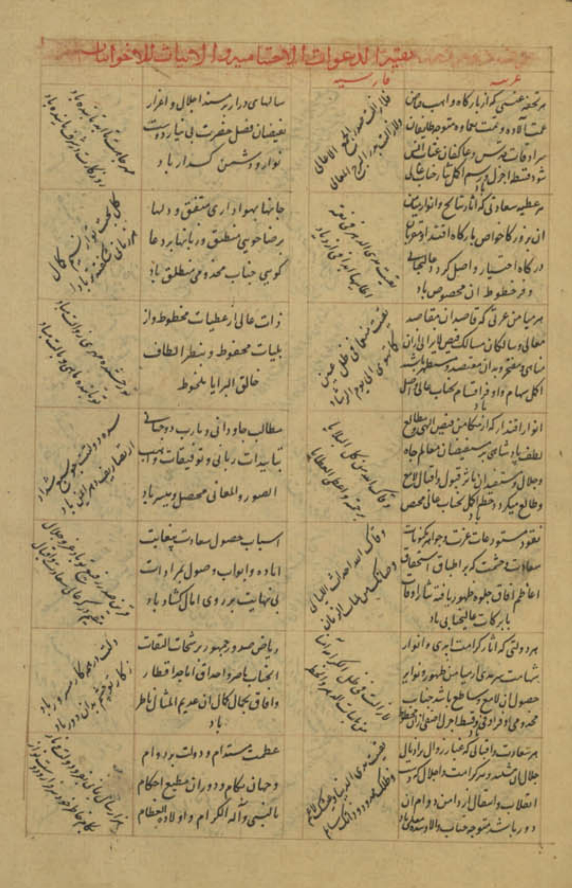
ثمرة الدعوات الاختصاصية والابيات للاخوانيات

عربيه	فارسيه



ثمرة الدعوات للاخوانيات

دعوات	ابيات	دعوات	ابيات



ثمرة الدعوات الاختصاصية والابيات للاخوانيات

عربيه	فارسيه



ثمرة الدعوات للاخوانيات

دعوات	ابيات	دعوات	ابيات



کلمه چهارم در دعوات اختامیه منظومه مشتمل بر چهار حرف حرف اول در ابجدیات طبقه اعلی

عربیه	فارسیه	فارسیه	فارسیه	فارسیه

حرف دوم در دعوات مناسب طبقه اشرف

عربیه	فارسیه	فارسیه

حرف سوم در دعوات لایق طبقه اوسط

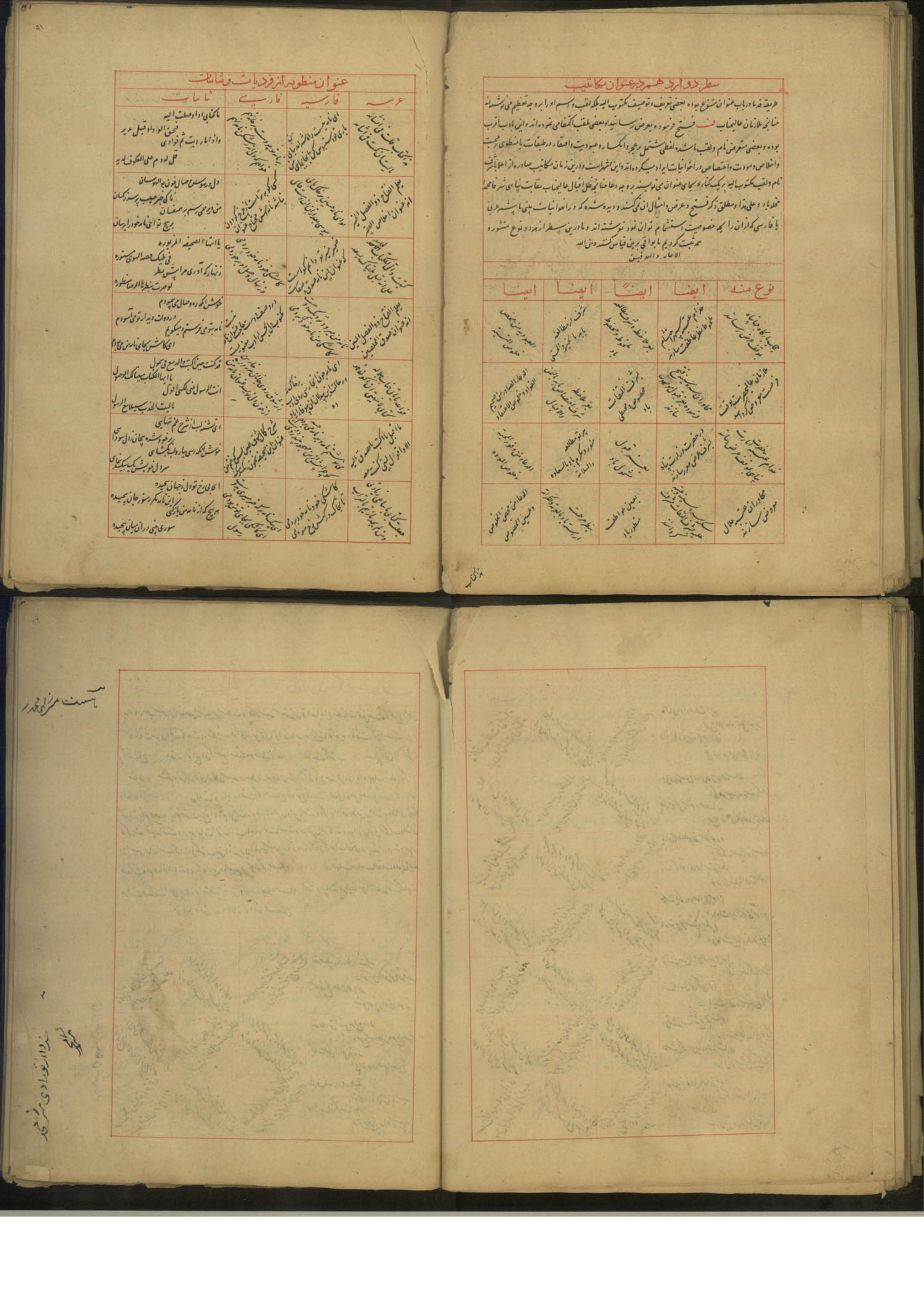
فارسیه	فارسیه

حرف چهارم در دعوات مناسب اخوانیات از ابیات عربیه و فارسیه

عربیه	فارسیه	فارسیه	فارسیه	فارسیه

تمة الدعوات المنظومة للاخوانیات

عربیه	فارسیه	فارسیه	فارسیه	مصرع



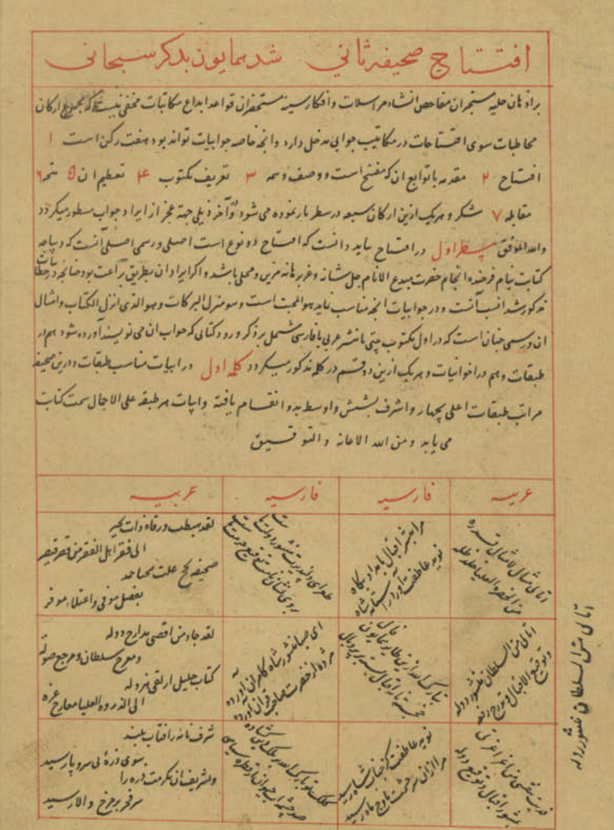
عنوان منظومه از فردیات و ثنائیات

عربیه	فارسیه	فارسی	ثنائیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ماکتابی اذا وصلت الیه فحقق الوداد وقبل مدیر واذا مارایت ثم فوادی قل لدم علی العکوف لدیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	دل در هوس وصال خون بو الهوسان تاکی خبر حبیب پرسد زکسان منی ایر همی رسم بر همعنان بریح تو ای نامه خود را برسان
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا ایتها الصحیفه المزبوره فی طیک قصه الهوی مستوره زنهار که آوری حراتش بنظر لو صرت بنظرها الرضا منظوره
[illegible]	[illegible]	[illegible]	خوش انکه ره وصال می پیمودم در دولت دیدار تو می آسودم نامه بتو می نوشتم و میکویم ای کاشش بجای نامه من می بودم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	قد کنت حین اکتب والدمع فی همول یا ایها الکتاب هیاک الوصول انت الرسول غنی لکسی اقول یالیت الجذب سیلامع الرسول
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ای تشنه لب از شرح غم تنهایی بر خود شده بیجان زدل سودایی خوش انکه رسی بیار و لب بکشایی سر دل خویش یک بیک بنمایی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ای کابی رخ تو دل زجهان پیچیده این نامه بکر رسو رجان پیچیده هر پیچ که از نامه من باز کنی سوری بینی در ان میان پیچیده

سطر دوازدهم در عنوان مکاتیب

طریقه قدما در باب عنوان متنوع بوده بعضی تعریف و توصیف مکتوب الیه بلکه لقب و اسم او را بر وجه تعظیم می نوشته اند خانچه ملازمان عالیجناب ف فتح فرموده بعرض رسانید و بعضی بلقب اکتفا می نموده اند واین با دب اقرب بوده و بعضی متعرض نام و لقب نا شده لفظی مشتمل بر عجز و انکسار و عبودیت و افتقار در طبقات یا منطوی بر محبت و اخلاص و مودت و اختصاص در اخوانیات ایراد میکرده اند واین اشهر است و درین زمان مکاتیب صادره از اعلا با شرف نام و لقب مکتوب الیه بر یک کناره بجای عنوان می نویسند بر وجه دعا خانچه ظل اقبال عالیجناب نقابت پناهی شرفا ممحد مخلد باد و علی هذا و مطلق ذکر فتح و عرض و امثال ان نمی کنند و دیده شده که در اخوانیات بیتی با بیشتر عربی یا فارسی که ازان رایحه خصوصیت استشمام توان نمود نوشته اند و ما درین سطر از هر دو نوع منشور و نظم ثبت کردیم ما بواقی بر ین قیاس کنند و من الله الاعانه والتوفیق

نوع منه	ایضا	ایضا	ایضا	ایضا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



افتتاح صحیفهٔ ثانی شد بهمایون بذکر سبحانی

براه یان حلیه سنجران مفاحص انشاء مراسلات وافکار سینه ستجمران قواعد ابداع مکاتبات مخفی نیست که بجمیع ارکان محاطبات سوی افتتاحات در مکاتیب جوابی مدخل دارد وانچه خاصه جوابیات تواند بود هفت رکن است ۱ افتتاح ۲ مقدمه باتوابع ان که مفتتح است ووصف وسمه ۳ تعریف مکتوب ۴ تعظیم ان ۵ تمهید ۶ مقابله ۷ شکر وهریک ازین ارکان سبعه در سطر بار نموده می شود وآخر ذیلی جهة عجز از ایراد جواب مسطور میگردد والله الموفق سطر اول در افتتاح باید دانست که افتتاح دو نوع است اصلی ورسمی اصلی آنست که دیباچه کتاب بنام فرخنده انجام حضرت مبدع الانام جل شانه وعز برهانه مزین ومحلی باشد واگر ایراد ان بطریق براعت بود خانچه در خطبات مذکور شد انسب آنست ودر جوابیات انچه مناسب باید هو المجیب است وسو منزل البرکات وهو الذی انزل الکتاب وامثال ان ورسمی چنان است که در اول مکتوب چیزی با نثر عربی یا فارسی مشتمل بر ذکر ورود کتابی که جواب ان می نویسند آورده شود هم در طبقات وهم در اخوانیات وهریک ازین دو قسم در کلمه مذکور میگردد کلمه اول در ابیات مناسب طبقات ودرین صحیفه مراتب طبقات اعلی بچهار واشرف بشش واوسط بدو انقسام یافته وابیات هر طبقه علی الاجمال سمت کتابت می یابد ومن الله الاعانة والتوفیق







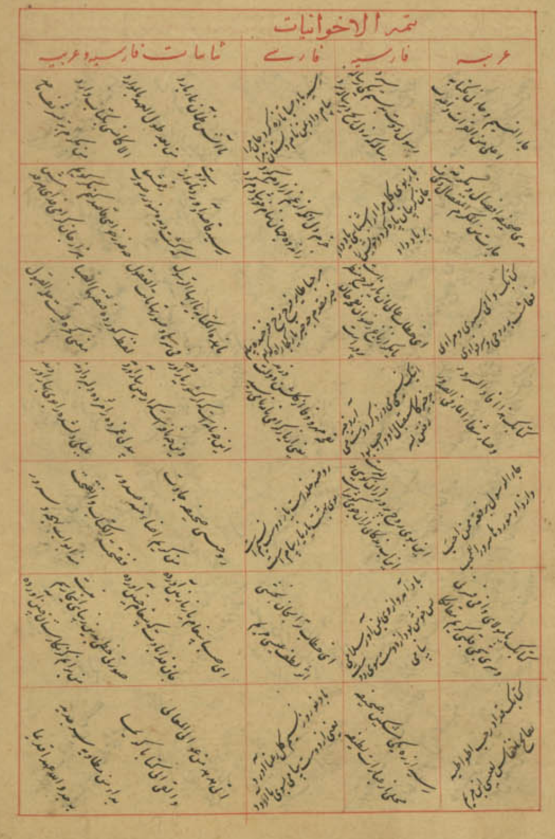
لارباب المناصب الشرعیه

عربیه	فارسیه	فارسی	ثنائیات العربیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

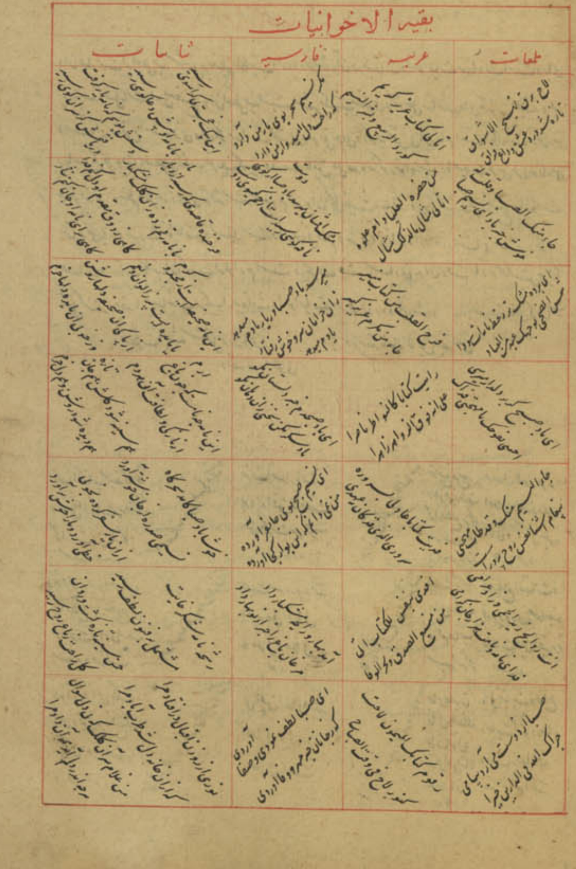
دراباب لایقه باخوانیات از ثنائیات وفردانیات عربیه وفارسیه

عربیه	فارسیه	فارسی	ثنائیات عربیه وفارسیه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمه الاخوانیات



بقیه الاخوانیات







حرف دوم در مقدمات که لایق طبقه اشرف باشد باختلاف مراتب اهالی ان

للسادات والنقبا

مفتتح	وصف	تتمه
شمایم گلزار قدسی و نسایم حدایق فردوسی که به پرستاری شمال اقبال از ناحیهٔ التفات وزید	[illegible]	گلزار دل و روضه جان را مروح گردانید و مطیب گردانید
فوایح ازهار شجره طیبه و لایت و لوامع انوار ازهار هدایت اعنی خطاب	[illegible]	ریاض صدر مخلصان صادق و صادقان مخلص را با صفرونامی ساخت
لمعه موهبت درایں بیاض غیبی و پرتو مکرمت کنوز رموز لاری اعنی معاوضه علیه	[illegible]	زوایای قلوب و اعیان دولتخواه را چون حرم نیر اعظم دولت روشنی ارزانی فرمود

للائمة الاسلام والقضا

مفتتح	وصف	تتمه
شعشعه اشراقات معالی و مکارم که از مطلع عواطف و مراحم طلوع یافته بود	[illegible]	پرتو التفات بر ساحت احوال ارباب خصوص و خلوص افگند
نتایج انامل دریا نوال و نتایج خاطر خورشید ماثر اعنی مخاطبه	[illegible]	بدستیاری دولت و نای مردی عنایت این بکینه مخلص را به سرافرازی داد
نفحات ریاض دین پروری و فتوحات گلزار شریعت گستری اعنی مخاطبه گرامی	[illegible]	روضه امید مخلصان و گلشن رجای مخصصان را مانند حدیقه فردوس معطر و مطیب ساخت

للمشایخ العظام

مفتتح	وصف	تتمه
اشراقات انوار صفا و لمعات آثار جام جهان نما که عبارت است از کلمات الهام سمات	[illegible]	چون خورشید نور بخش از مطلع ذره پروری طلوع نمود
فتوحات فاتحات علم الدنس و فیوضات واردات عرصه مقدس که اشارت است بشارت کلام هدایت انجام	[illegible]	از افق غیب و شوق لاریب با جمل وجهی روی نمود
بسمات انفاس مقدسه و رشحات اقلام مطهره عالیجناب	[illegible]	از جهت کرامات سند و منصب مقامات علیه فایح و فایض

لاهل المناصب الشرعیه

مفتتح	وصف	تتمه
نسایم الطاف الهی و شمایم اعطاف نامتناهی اعنی خطاب دلگشای	[illegible]	بساتین قلوب مخلصان و ریاض صدر متخصصان چون ریاحین ریاض جنان نضارت بخشید
نفحات گلشن معالی و نسمات چمن الطاف لایزالی یعنی مخاطبه علیه	[illegible]	در این اوقات و احسن آنات بر ریاض صدر ارباب خلوص فایح شد
خلاصه لطایف و الشوری و نقاوه معارف و فضیلت گستری اعنی مفاوضه سینه	[illegible]	امداد استظهار مواد اعتضاد و استبشار را صفت تضاعف و سمت ترادف ارزانی داشت





المقدمات اللایقة بالاخوانیات

وصف		وصف	

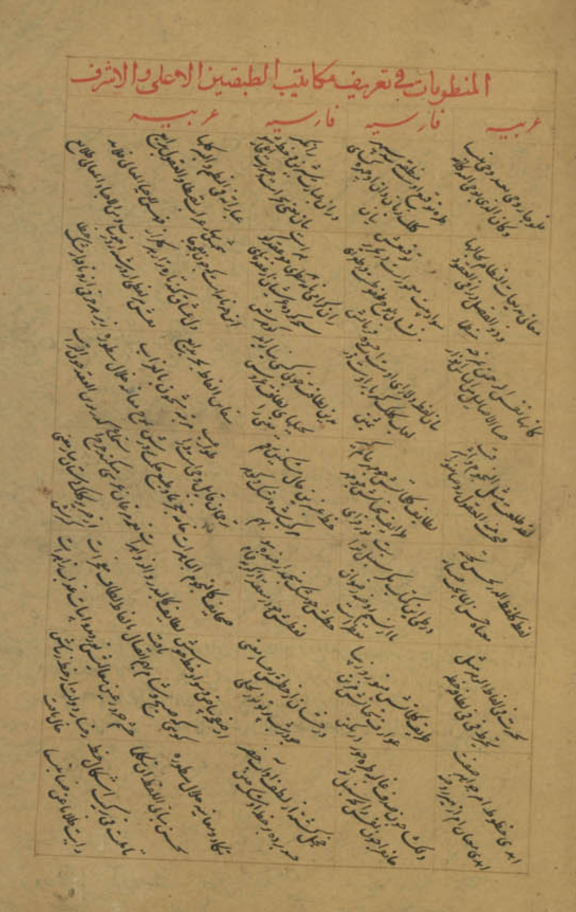


المفرقات من المقدمات شاملة للطبقات والاخوانیات

مفتتح	وصف	سمه	مفتتح	وصف	سمه

سطر پنجم در تعریف مکتوب و اثبات آن بعد از همه انسب است و منشی متصرف بجای وصف خربی نیری تواند آورد و مخفی نیست که تعریف مکتوب بحقیقت تعریف کاتب است پس هر چند دران مبالغه رود اثر تعظیم ظاهرتر باشد و تعریف یا نسبت بخط مکتوب باشد چون حودت حروف و لطافت ترکیب و حسن صورت آن یا بسلاست الفاظ در غایت فصاحت و بلاغت دران و اولی آنست که مجموع بخیر وصف درآید مگر وقتی که خط کاتب از درجه تعریف ساقط باشد و تعریف خط و بلاغت در مکاتیب ملوک و امرا و حکام لایق نیست چه آن تعریف راجع بتعظیم منشی و کاتب ایشانست نه بدیشان بل همان مقدار که در سطر سابق از وصف خربی مثلث شده کافیست و در مکاتیب صدور و وزرا که نحو و کتابت فرموده باشند ایراد توان کرد و مکاتیب ملازمان را بزیاده تعریف حاجت نیست و در جواب طبقه اشرف تمامه تعریف لایق و مناسب است و او سط حکم سایر دارد اما زینت اخوانیات بتعریف است و درین سطر تعریف مکاتیب در دو کلمه منظور میگردد **کلمه اول** در تعریف مکاتیب طبقه اعلی و اشرف نثرا و نظما والتوفیق من ولیه

نوع منه	ایضا	ایضا	ایضا	ایضا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



المنظومات فی تعریف مکاتیب الطبقتین الاعلی والاشرف

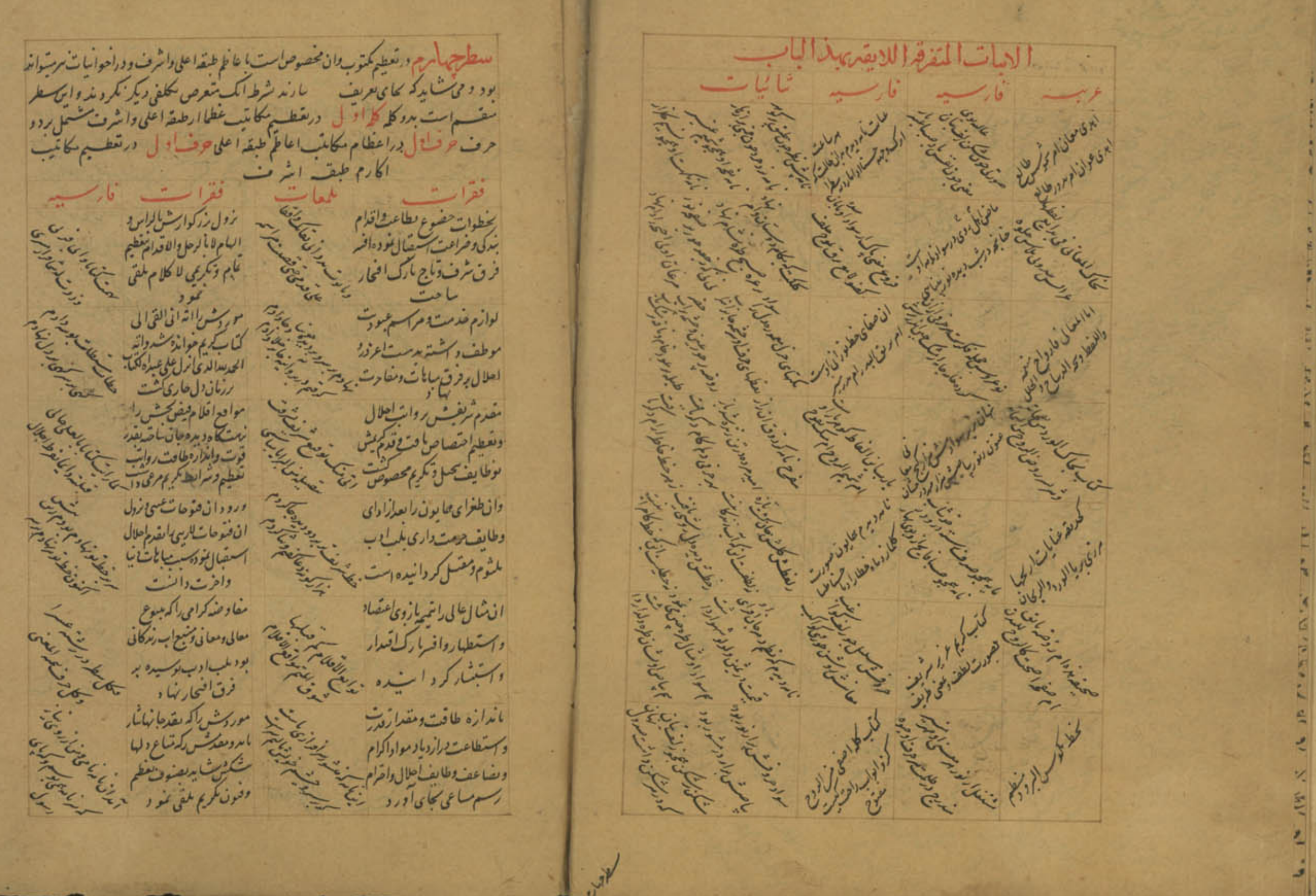
عربیه	فارسیه	فارسیه	عربیه

در تعریف مکاتیب اخوانیات از منشورات و منظومات

منثورات	منثورات	منثورات	منثورات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

المنظومات فی تعریف مکاتیب للاخوانیات

عربیه	فارسیه	فارسیه	ثانیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



الابیات المتفرقة اللایقة بهذا الباب

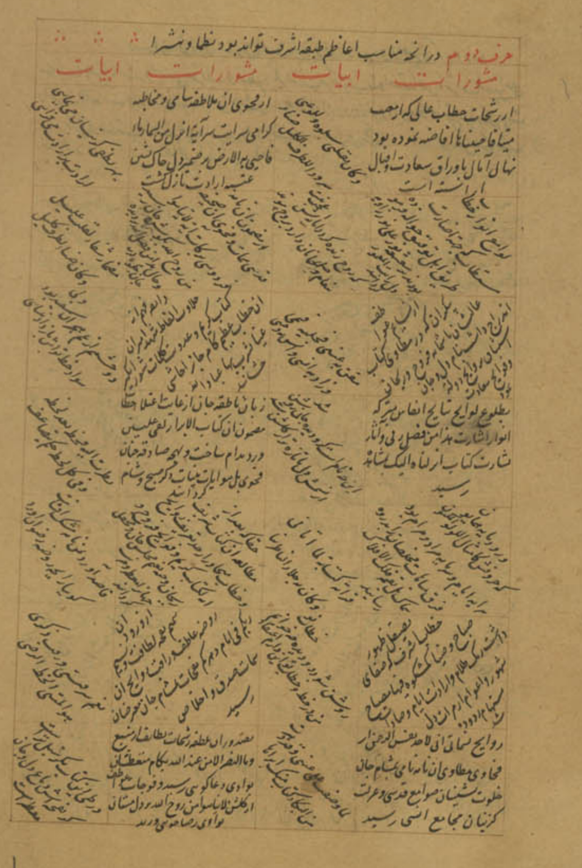
عربیه	فارسیه	فارسیه	ثانیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

سطر چهارم در تعظیم مکتوب وان مخصوص است با عاظم طبقهٔ اعلی و اشرف و در اخوانیات نیز متواند بود و می شاید که بجای تعریف سازند شرط آنکه متعرض تکلفی دیگر نگردند و این سطر منقسم است بدو کلمه **کلمهٔ اول** در تعظیم مکاتیب عظما از طبقهٔ اعلی و اشرف مشتمل بر دو حرف **حرف اول** در اعظام مکاتیب اعاظم طبقهٔ اعلی **حرف اول** در تعظیم مکاتیب اکارم طبقهٔ اشرف

فقرات	لمعات	فقرات	فارسیه
بخطوات خضوع بطاعت و اقدام بندگی و فراغت استقبال نموده افسر فرق شرف و تاج تارک افتخار ساخت	[illegible]	نزول بزرگوارش بالراس و العین لا بالرجل و الاقدام تعظیم تمام و تکریمی لا کلام تلقی نمود	[illegible]
لوازم خدمت و مراسم عبودیت موظف داشته بدست اعزاز و اجلال بر فرق مباهات و مفاخرت نهاد	[illegible]	مورد شریفش را انه الفی الی کتاب کریم خوانده شد و اته الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب بر زبان دل جاری گشت	[illegible]
مقدم شریفش بروایت اجلال و تعظیم اختصاص یافت و قدوم کریمش بوظایف تجمل و تکریم مخصوص گشت	[illegible]	مواقع اقلام فیض بخش را نیشتگاه دیده جان ساخته بقدر قوت و اندازه طاقت روایت تعظیم و شرایط تکریم مرعی داشت	[illegible]
وان طغرای همایون را بعد از ادای وظایف حرمت داری بلب ادب ملثوم و مقبل گردانیده است	[illegible]	ورود ان فتوحات غیبی و نزول ان فتوحات لاریبی را بقدم اجلال استقبال نموده سبب مباهات دنیا و آخرت دانست	[illegible]
ان مثال عالی را تمیمهٔ بازوی اعتضاد و استظهار و افسر تارک اقتدار و استبشار گردانیده	[illegible]	مفاوضهٔ گرامی را که ینبوع معالی و معانی و منبع آب زندگانی بود بلب ادب بوسیده بر فرق افتخار نهاد	[illegible]
باندازه طاقت و مقدار قدرت و استطاعت در ازدیاد مواد اکرام و تضاعف وظایف اجلال و احترام رسم مساعی بجای آورد	[illegible]	مورد شریفش را که مقدم جان نثار نامه و مقدمش را که متاع دلها پیشکش شاید بصنوف تعظیم و فنون تکریم تلقی نمود	[illegible]

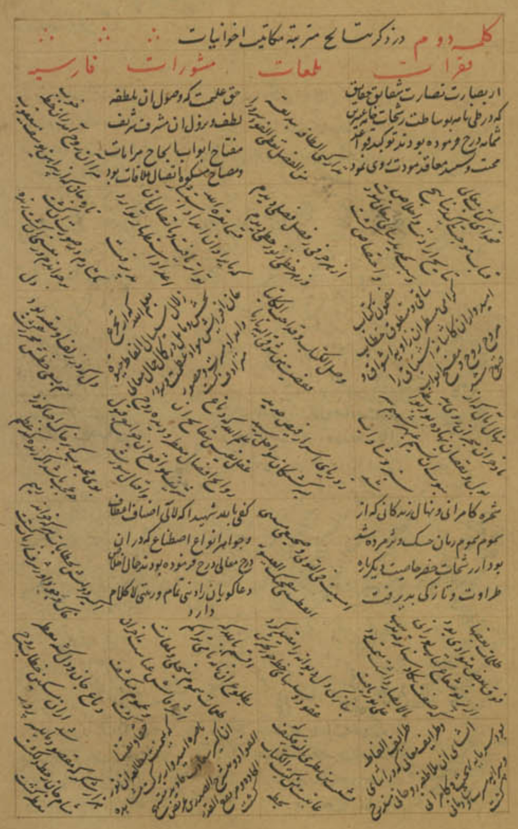
کلمه دوم در تعظیم مکاتیب که در اخوانیات شاید من الفقرات والمنظومات

فقرات	فقرات	فقرات	فقرات
مورد شریفش را مراسم اعزاز و تکریم و مواجب اجلال و تعظیم از روی اخلاص قدیم بتقدیم رسانیده	[illegible]	ان خلاصه اوقات زندگانی و نقاوه ایام کامرانی را بر فرق افتخار نهاده تمیمه بازوی افتخار کرد انید	[illegible]
مورد میمون ان خطاب همایون را بمراسم اجلال و تبجیل و لوازم اعزاز و تقبیل تلقی نمود	[illegible]	موقع کریم و مورد لازم التکریم ان صحیفه جلال و جریده اقبال را باقدام اکرام تلقی نموده بلب نیاز مقبل ساخت	[illegible]
مورد عظیمش بانواع اکرام و تعظیم تلقی یافت و مقدم شریفش باصناف تکریم و احترام اختصاص یافت	[illegible]	مواقع اقلام معانی اعلام که زبده اوقات و خلاصه ایام همایون بود بمراسم تعظیم و تکریم مقبل و ملثوم شد	[illegible]
باقدام تعظیم استقبال آن نمود و بدست نیاز گرفته برفرق اعزاز نهاد	[illegible]	ورود همایونش را باقدام اکرام تلقی شده از سر تبجیل و تقبیل ان خطاب جلیل لازم شمرد	[illegible]



سطر پنجم در بیان نحو ان عبارت است از ذکر فواید صوری و معنوی که بر ورود مکاتیب متفرع باشد و اینمعنی بتعریف و تعظیم دیگر است مر مکتوب را و اختصاص باشراف طبقین اعلی و اشرف ظاهر است و در اخوانیات نیز لایق باشد و نظم و نثر ادا می توان نمود و این سطر مشتمل بر دو کلمه است
کلمه اول در انچه مناسب با طبقه اعلی و اشرف دارد منقسم بدو حرف می شود **الحرف الاول** در انچه لایق مکاتیب اعاظم طبقه اعلی باشد

فقرات	عربیه	فقرات	فارسیه
از سعه آن خطاب عالی و مثال متعالی سر معنی کلام الملوک ملوک الکلام بر ارباب بصیرت اشکار گشت	[illegible]	بهبوب ان نفحه دولت گلزار امانی و امال تازه و بظهور ان نشار سعادت سرور ارباب قبول و اقبال بی حد و اندازه	[illegible]



حرف دوم در انچه مناسب اعاظم طبقه اشرف تواند بود نظما و نثرا

مشورات	ابیات	مشورات	ابیات
از رشحات خطاب عالی که از سحب منیا فاحیینا با افاضه نموده بود نهال آمال باوراق سعادت و اقبال ارا سته است	[illegible]	از محتوی ان ملاطفه سامی و مخاطبه گرامی سرایت سر آیه انزل من السماء ماء فاحیی به الارض بر ضمیر دل خاک نشین عتبه ارادت نازل گشت	[illegible]

کلمه دوم در ذکر نتایج مترتبه مکاتیب اخوانیات

فقرات	لمعات	مشورات	فارسیه
از بصارت نضارت شقایق حقایق که در طی نامه بوساطت رشحات خامه عنبرین شمامه درج نموده بودند توکید قواعد محبت و تشیید معاقد مودت روی نمود	[illegible]	حق علمت که وصول ان ملطفه لطیفه و نزول ان تشریف شریف مفتاح ابواب انجاح مرامات و مصباح مشکوة اتصال الاقات بود	[illegible]
ثمره کامرانی و نهال زندگانی که از سموم هجران خشک و پژمرده گشته بود از رشحات سحاب ... طراوت و تازگی پذیرفت	[illegible]	... و جواهر انواع اصطناع که در ان درج معانی درج فرموده بودند ...	[illegible]

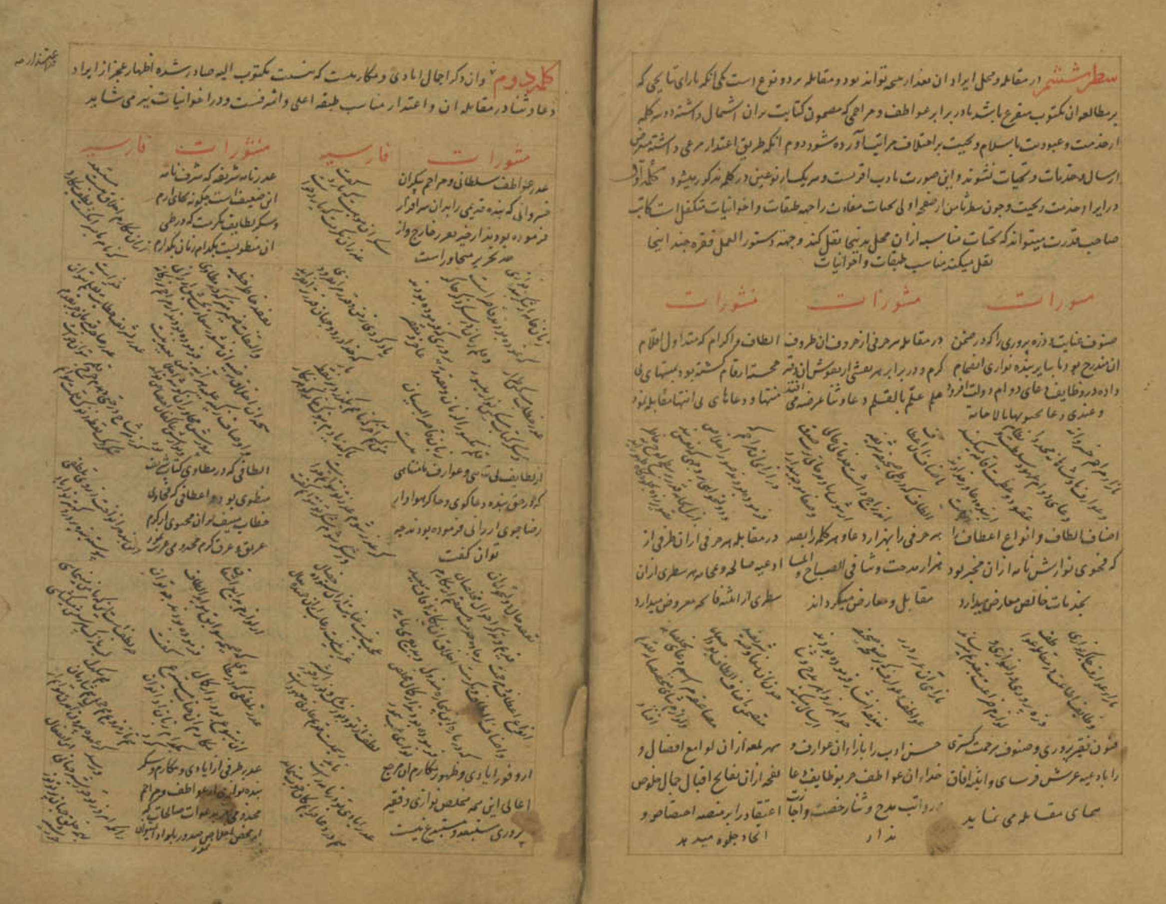
ایضا للاخوانیات

ایضا للاخوانیات

مسورات	فارسیه	مسورات	عربیه
از یمن مطالعه ان کتاب انسی سمات وذوق مشاهده احطاط قدسی صفات شکفت دلم جو غنچه از باد صبا		از کمال وجمال که انجناب در حسن الخطاب مستطاب درج فرموده بودند دامن غرور شرف رفرق فرقدین کشم	
رسحات نسایم محبت و روایح نتایج مودت که از مهب لطفه نامی ومنشور گرامی سمت ورود وجهت ورود یافت در روضه دل غنچه امید شکفت		بالتفاتی که از کمال مصادقت وفور موافقت فرموده بودند وتفقد حال این سرکشته پایمال نموده امروز بر زمین وزمان نازمی کنم	
نور ونامه عالی که سواد مشک افشانش حامل نور وقصد وخطاب شریف که بیاض مهر نمایش مطلع صبح سرور بود		بواسطه رقعه عارجات شرف که از مطالعه خطاب وشرف وملاحظه کتاب اکبر من ان یوصف کشته دل مسرت تا اوج چرخ لاف مساوات میزنم	

تتمه الاخوانیات

ثنائیات	فارسیه	ثنائیات
رکلش یافتم جانبخش فیضی کز ان جام جو سرو شکر ایحث خوشا نخلی که از روی این رطب ریخت خوشا شاخی که از روی این ثمر ریخت		

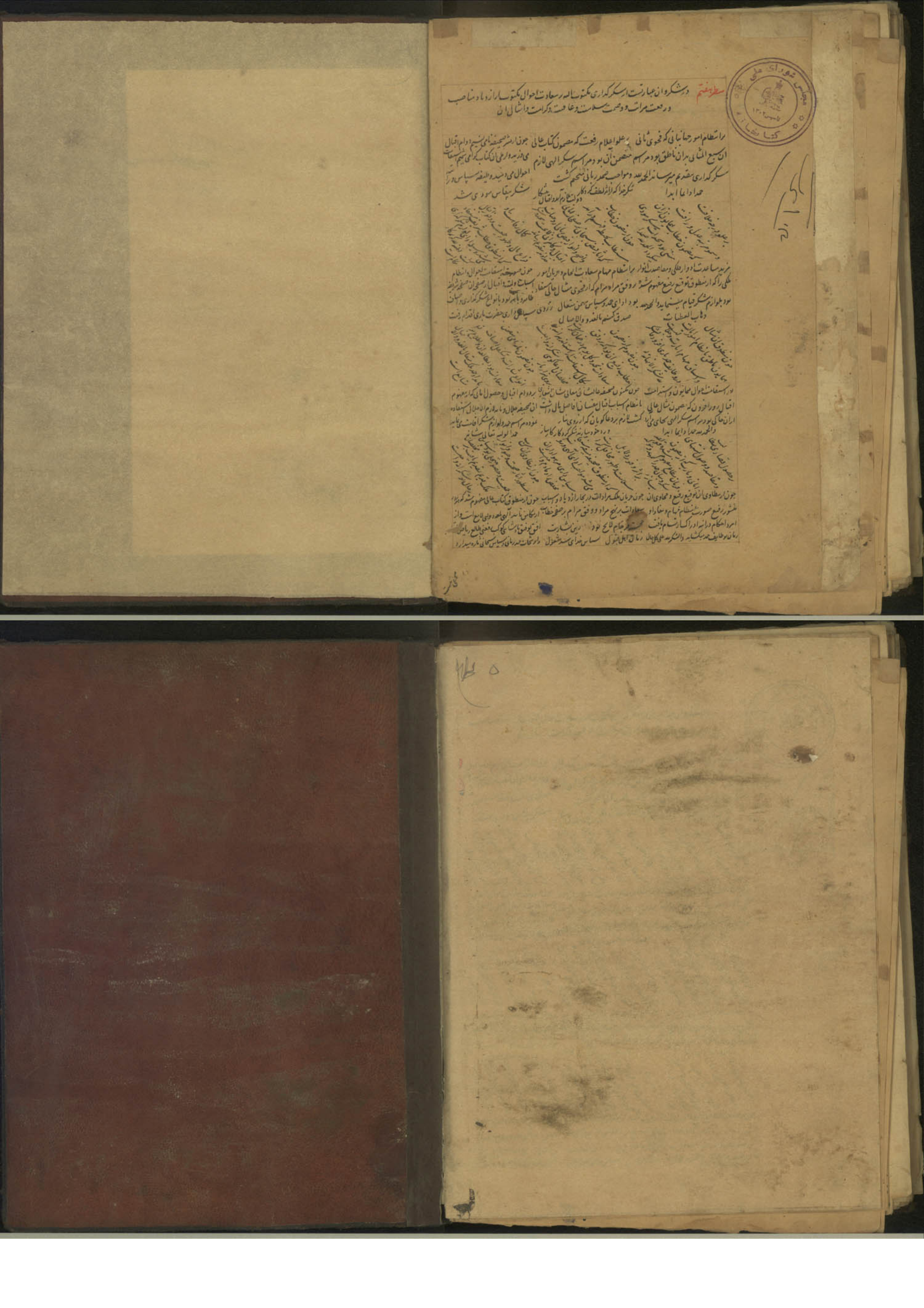


سطر ششم در مقابله ومحل ایراد ان معذرتی که تواند بود ومقابله بر دو نوع است یکی انکه بارای تهانی که بر مطالعه ان مکتوب متفرع باشد یا در برابر عواطف ومراحمی که مضمون کتابت بر ان اشتمال داشته دو سه کلمه از خدمت وعبودیت یا بسلام وتحیت بر اختلاف مراتب یاد آورده شود دوم انکه طریق اعتذار مرعی داشته متعرض ارسال وخدمات وتحیات نشوند واین صورت با ادب اقرب است وهر یک از نوعین در کلمه مذکور میشود کلمه اول در ایراد خدمت وتحیت وچون سطر ثامن از صحیفه اولی تحیات متفاوت را جهه طبقات واخوانیات متکفل است کاتب صاحب قدرت میتواند که تحیات مناسب از ان محل بدینجا نقل کند وجهه دستور العمل فقره چند اینجا نقل میکند مناسب طبقات واخوانیات

مسورات	مشورات	مشورات
صنوف عنایت ذره پروری راکه در ضمن	در مقابله هر حرفی از حروف ان ظروف	الطاف واکرام که متداول اقلام

کلمه دوم وان ذکر اجال ابادی ومکارمیست که نسبت بمکتوب الیه صادر شده اظهار عجز از ایراد دعا وثنا در مقابله ان واعتذار مناسب طبقه اعلی واشرفست ودر اخوانیات نیز می شاید

مشورات	فارسیه	منثورات	فارسیه
عذر عواطف سلطانی ومراحم بیکران خسروانی که بنده ترجمی را بدان سزاوار فرموده بود بندار خیر عذر خارج واز حد تحریر متجاوز است		عذر نامه شریفه که شرف نامه ان ضعیف است چگونه بجای آرم وشکر لطایف مکرمت که درطی ان منطویست بکدام زبان بگذارم	
از لطف اسنی وعواطف متناهی که از حق بنده ومکاری دعاگو سزاوار رضا جوی ارزانی فرموده بود تعذر توان گفت		الطافی که در مطاوی کتابت منطوی بود واعطافی که خطاب مستطاب ان محتوی ان کرم	



سطر هفتم در شکر وان عبارتست از شکر گذاری مکتوب الیه بر سعادت احوال مکتوب اراده ماده مناسب و رفعت مراتب و صحت سلامت و عافیت ذکرات داشال ان

